

گزارش حقوق بشر

وضعیت زنان همجنس‌گرا  
در ایران

تیر ماه ۱۳۹۵

# فهرست

- ۱ . . . . . واژه‌نامه
- ۱۲ . . . . . مقدمه و خلاصه جامع
- ۲۰ . . . . . روش تحقیق
- ۲۳ . . . . . فضای سیاسی-قانونی
- ۲۴ . . . . . ایران قبل از انقلاب
- ۲۵ . . . . . دولت اسلامی و قوانین دینی
- ۲۷ . . . . . قانون اساسی
- ۲۹ . . . . . وضعیت زنان
- ۳۷ . . . . . جداسازی جنسیتی
- ۳۹ . . . . . تعهدات بین‌المللی
- ۴۳ . . . . . تبعیت و جرم‌انگاری
- ۴۶ . . . . . جرم‌انگاری رابطه جنسی با همجنس
- ۴۹ . . . . . آزار و اذیت‌ها در سیستم قضایی
- ۵۲ . . . . . دستگیری و حبس

## آزار و اذیت‌ها در نظام درمانی . . . . . ۶۰

تجویز دارو برای «درمان» همجنس‌گرایی . . . . . ۶۵

تشویق به انجام عمل تطبیق جنسیت . . . . . ۶۹

جامعه پزشکی متصدیان تغییرات مثبت . . . . . ۷۴

## آزارهای بخش‌های دیگر . . . . . ۷۹

نقش محل اشتغال فرد در آسیب‌پذیری نسبت به خشونت ۸۲

فشارهای خانواده و خشونت خانوادگی . . . . . ۸۳

ازدواج‌های اجباری و تجاوز در چارچوب ازدواج . . . . . ۹۴

خشونت در مدارس . . . . . ۱۰۰

باج‌گیری و دسترسی محدود به عدالت . . . . . ۱۰۵

## آزادی بیان، تشکل و تجمع . . . . . ۱۰۹

کمبود آموزش جامع در زمینه مسائل جنسی . . . . . ۱۱۰

محدودیت‌های اعتراض نسبت به قوانین تبعیض‌آمیز . . ۱۱۶

فقدان آموزش جامع مسائل جنسی . . . . . ۱۱۷

پوشش . . . . . ۱۲۰

اینترنت و فعالیت مدنی . . . . . ۱۲۵

پناهجویی ..... ۱۳۶

مقاومت ..... ۱۴۴

پیشنهادات ..... ۱۴۸

الف- پیشنهادات به مجلس ایران ..... ۱۵۱

ب- پیشنهادات به بخش اجرایی دولت ایران ..... ۱۵۳

پ- پیشنهادات به موسسات پزشکی و روانشناسی ایران ..... ۱۵۴

ت- پیشنهادات به موسسات آموزشی، از جمله وزارت آموزش

و پرورش و وزارت علوم ..... ۱۵۵

ث- پیشنهادات به کمیساریای عالی پناهندگان

سازمان ملل ..... ۱۵۶

# واژه‌نامه

در ادامه لیستی از واژه‌ها، عبارات و موسساتی که به دفعات در طول متن گزارش از آنها نام برده شده قرار دارد.

تعریف مربوط به SOGI از منبع اصول جوگ‌جاکارتا (Yogyakarta Principles) برداشته شده، کمپین آزاد و برابر سازمان ملل (Free and Equal Campaign)، مرکز منابع دگرباشان (LGBT) دانشگاه کالیفرنیا، اتحاد زنان و مردان همجنس‌گرا بر علیه توهین دانشگاه کالیفرنیا (Gay & Lesbian Alliance Against Defamation, GLAAD)، مرکز منابع دگرباشان سان‌فرانسیسکو، و عفو بین‌الملل. تعاریف زیر جامع نیستند، و فقط با هدف کمک به درک بهتر گزارش حاضر ارائه شده‌اند.

## اصول جوگ‌جاکارتا

Yogyakarta Principles

مجموعه‌ای از اصول بین‌المللی مربوط به گرایش جنسی و هویت جنسیتی، که شامل راهنمای مربوط به حقوق بشر می‌شود که با توجه به استانداردهای بین‌المللی کشورها را ملزم به رعایت آنها می‌کند. برای مطالعه متن فارسی اصول جوگ‌جاکارتا لطفاً مراجعه کنید به:

[www.iranrights.org/fa/library/document/322](http://www.iranrights.org/fa/library/document/322)

### ترنس

واژه خلاصه برای اشاره به افراد تراجنسیتی یا تراجنسی - یا برخی اوقات انواع مختلفی از هویت‌های جنسی که زیرمجموعه‌ای از تراجنسیتی به حساب می‌آیند.

### تراجنسیتی

transgender

واژه‌ای کلی برای اشاره به تمامی افرادی که هویت جنسیتی‌شان و یا بیان جنسیتی‌شان با جنسی که در زمان تولد به آنها نسبت

داده شد تطابق ندارد. افرادی که زیرمجموعه ترانجنسیتی به حساب می‌آیند، ممکن است خود را با عبارات مختلفی توصیف کنند، از جمله ترانجنسیتی، ترانجنسی، جنسیت غیر دوگانه (Non-binary gender). برخی از این عبارات در ادامه توضیح داده شده‌اند. در طول این گزارش بیشتر از واژه ترنس با هدف دربرگرفتن همه این هویت‌ها استفاده شده است. همیشه شایسته است از عبارتی برای خطاب قرار دادن افراد استفاده شود که مطابق با خواسته خود ایشان است. برخی از افراد ترانجنسیتی بعضی از فرایندهای پزشکی تغییر جسمانی خود را انجام می‌دهند، مانند استفاده از هورمون و یا انجام عمل‌های جراحی برای تغییر بدن خودن. اما همه افراد ترانجنسیتی الزاما این کارها را انجام نمی‌دهند، و هویت ترانجنسیتی وابسته به انجام این فرایندهای پزشکی نیست.

## جنس

sex

طبقه‌بندی مردم بر اساس مرد و زن با توجه به خصوصیات فیزیکی‌شان. هنگام تولد، جنس نوزادان معمولا با توجه به ظاهر فیزیکی و عضو تناسلی مشخص می‌شود (و در شناسنامه فرد ثبت

می‌شود). اما جنس فرد معمولاً تحت تاثیر خصوصیات مختلفی می‌باشد از جمله کروموزومها، هورمون‌ها، اعضای داخلی و خارجی تولیدمثل، و خصوصیات ثانویه جنسی، که ممکن است مطابق با انتظارات مرسوم از مردانگی یا زنانگی باشند یا نباشند.

## جنسیت

برساخت اجتماعی از هویت فرد در زمینه مردانگی، زنانگی، هردو یا هیچ کدام. مردانگی منظور رفتارهایی است که معمولاً به مردان نسبت داده می‌شوند، و زنانگی به رفتارهایی که بطور مرسوم به زنان نسبت داده می‌شوند. اما در واقعیت ممکن است مردان رفتارهایی از خود بروز دهند که زنانه تلقی می‌شوند و همچنین زنان می‌توانند رفتارهایی داشته باشند که مردانه به حساب می‌آیند، و یا هر دو نوع رفتار را در کنار هم بروز دهند، یا هیچ کدام. نگرش نسبت به جنسیت نسبی بوده و در طی زمان، در مکان‌ها و فرهنگ‌های مختلف تغییر می‌کند.



## دگرباشان جنسی

LGBTQI

در انگلیسی عبارت مخفف LGBTQI برای خطاب قرار دادن زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، و تراجنسیتی استفاده می‌شود. این عبارت معمولاً جایگزین واژه «گی» می‌شود تا افراد دیگر از جمله کوئیرها و میان‌جنسی‌ها را نیز در بر بگیرد. «دگرباشان جنسی» یکی از عباراتی است که در فارسی معادل آن استفاده می‌شود.

### زن همجنس‌گرا (لزبین):

زنی که بطور پایدار از نظر جنسی و عاطفی به زنان دیگر گرایش دارد.

### سازمان اقدام آشکار جهانی

OutRight Action International

قبلاً با نام کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر مردان و زنان همجنس‌گرا (International Gay and Lesbian Human Rights Commission) شناخته می‌شد. در حال حاضر به‌طور مخفف OutRight نیز نامیده می‌شود.

## قانون مجازات اسلامی

نام رسمی قانون مجازات ایران است که نسخه جدید آن در اردیبهشت ۱۳۹۲ مورد تصویب قرار گرفت.

## کمیته حقوق بشر

Human Rights Committee

سازمان مسئول نظارت بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی (ICCPR).

## کنوانسیون بین‌المللی حذف تمام اشکال تبعیض بر علیه زنان CEDAW

ایران به این معاهده (که در انگلیسی International Convention on the Elimination of all forms of Discrimination Against Women) متعهد نیست.

## کنوانسیون منع شکنجه

کنوانسیون سازمان ملل بر علیه شکنجه و دیگر رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی، تحقیرآمیز یا تنبیهی (UN Convention against Torture and Cruel, Inhuman or Degrading Treatment or Punishment). ایران معاهده فوق را تصویب نکرده است.

## کویر

Queer

این کلمه معانی متفاوتی برای افراد مختلف دارد. برخی اوقات به عنوان یک واژه کلی دربرگیرنده تمامی افراد غیر دگرجنس را به حساب می‌آید. همچنین می‌تواند برای افرادی بکار رود که خود را متعلق به هیچ کدام از گروه‌های جنسی و جنسیتی تعریف شده نمی‌دانند. علاوه بر اینها در گذشته در زبان انگلیسی این واژه به منظور توهین به افراد به کار می‌رفته است.

## گرایش جنسی

### Sexual Orientation

گرایش پایدار فیزیکی، عاشقانه و احساسی فرد به یک جنسیت مشخصی یا بیشتر از یک جنسیت. هویت جنسیتی و گرایش جنسی متفاوت هستند. برای مثال، افراد تراجنسیتی ممکن است دگرجنسگرا، همجنس گرا یا دوجنس گرا باشند. برخی از افراد خود را غیرجنسی (asexual) می‌دانند، بدین معنی که ممکن است از نظر فیزیکی، عاشقانه یا احساسی، گرایشی به دیگر افراد نداشته باشند. لزوفوبیا: ترس، تنفر، و بیزاری غیر منطقی نسبت به زنان همجنس‌گرا.

## مبدل پوشی

وقتی فرد لباس‌هایی را می‌پوشد که بطور معمول متعلق به جنس مخالف هستند، اما تمایلی ندارد بطور دائم در قالب جنس مخالف خودش زندگی نماید. بنابراین باید اشاره شود کسی که اقدام به مبدل پوشی می‌کند، الزاما نمی‌خواهد به عنوان فردی از جنس مخالف

خودش زندگی نماید. اما در عین حال نمی‌توان گفت آنها متعلق به جامعه دگرباشان جنسی نیستند. بنابراین مبدل‌پوشی برای افرادی به‌کار می‌رود که برخی از اوقات، و یا بطور موقت ظاهر خود را به گونه‌ای آرایش می‌کنند که از نظر فرهنگی مناسب برای جنسیت مخالف است (به عنوان مثال مردانی که مانند زنان لباس می‌پوشند). این کار شکلی از ابراز جنسیت است و با هدف سرگرمی انجام نمی‌شود.

## مرد همجنس‌گرا (گی)

در انگلیسی واژه گی می‌تواند برای اشاره به افرادی که گرایش جنسی‌شان به فردی از جنس موافق است استفاده شود. اما اغلب برای توصیف مردانی که گرایش جنسی ایشان نسبت به مردان دیگر است استفاده می‌شود.

## مساحقه

تحت قوانین ایران، زمانی که به قصد لذت جنسی، زنی آلت تناسلی خود را روی آلت تناسلی زن دیگری قرار می‌دهد، عمل مساحقه انجام شده است.

## میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی

International Covenant on Civil and Political Rights که به زبان انگلیسی  
یا بصورت مخفف ICCPR نامیده میشود. ایران در سال ۱۹۷۵  
این معاهده را تصویب کرد.

## میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights که بزبان انگلیسی  
و یا ICESCR نامیده میشود. ایران میثاق بین‌المللی  
حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در سال ۱۹۷۶ تصویب کرد.

## همجنس‌گراهراسی (هموفوبیا)

ترس، تنفر و بیزاری غیرمنطقی نسبت به زنان و مردان همجنس‌گرا و  
دوجنس‌گرا. اما به دلیل رایج بودن این عبارت، معمولاً برای توصیف  
ترس، تنفر و بیزاری غیر منطقی نسبت به همه دگرباشان جنسی  
به کار می‌رود.

## هویت جنسیتی

احساس عمیق درونی فرد نسبت به جنسیت خودش. برای افراد تراجنسیتی، هویت جنسیتی که برای خودشان قائل هستند هماهنگ با بدن فیزیکی آنها و جنسی که در هنگام تولد به آنها نسبت داده شده نیست. برای برخی افراد، هویت جنسیتی‌شان بطور کامل تحت هیچ کدام از تعاریف مربوط به «زنانگی» یا «مردانگی» قرار نمی‌گیرد. برخلاف «بیان جنسیتی»، هویت جنسیتی الزاما قابل رویت توسط دیگران نیست.

# مقدمه و خلاصه جامع

بخش‌های مختلف زندگی زنان همجنس‌گرا  
تحت تاثیر مجموعه‌ای از تبعیض‌های قانونی،  
آزار و خشونت به دست جامعه، مقامات حکومت  
جمهوری اسلامی ایران و حتی خانواده‌هایشان  
قرار دارد.

اگرچه قانون ایران رابطه جنسی رضایتمندانه دو همجنس را ممنوع اعلام کرده است، اما وجود این نوع روابط در چند گزارش مهم<sup>۱</sup> به ثبت رسیده است. با این حال، تا کنون هیچ مطالعه‌ای که بطور اخص به مشکلات و چالش‌های زنان همجنس‌گرا پرداخته

---

۱. برای مثال مراجعه کنید به "ما یک نسل دفن شده هستیم، تبعیض و خشونت بر علیه اقلیت‌های جنسی در ایران"، دیدبان حقوق بشر، ۱۹ آذر ۱۳۸۹ (۱۰ دسامبر ۲۰۱۰):

<https://www.hrw.org/report/2010/12/15/we-are-buried-generation/discrimination-and-violence-against-sexual-minorities> [accessed 31 May 2016]

همچنین مراجعه کنید به "هویت‌های انکار شده: نقض حقوق بشر علیه دگرباشان ایران"، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۱۶ آبان ۱۳۹۲ (۷ نوامبر ۲۰۱۳):

<http://www.iranhrdc.org/english/publications/reports/1000000398-denied-identity-human-rights-abuses-against-irans-lgbt-community.html> [accessed 31 May 2016]



باشد وجود ندارد. وضعیت حقوق زنان همجنس‌گرا در ایران از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است، چرا که در مقایسه با مردان همجنس‌گرا، زنان همجنس‌گرا با تبعیض مضاعف روبرو هستند، اول بخاطر اینکه زن هستند، و دوم به دلیل گرایش جنسی‌شان. حقوق زنان به شدت از نظر آزادی حرکت و بیان محدود است، و ساختار جامعه پدرسالارانه ایران، به پدرها، برادرها و شوهرها این اجازه را می‌دهد که به‌طور مستقیم زنان و دختران را تحت کنترل خود داشته باشند. نقش‌های جنسیتی سنتی، زنان را در طبقه پایین‌تری نسبت به مردان قرار می‌دهد، و حجاب اجباری فرمانبردار بودن را به شکلی قانونی به آنها تحمیل می‌کند. تبعیض بر علیه زنان همجنس‌گرا زمانی شدت می‌یابد که جنسیت و گرایش جنسی آنها در کنار هم قرار می‌گیرند، در نتیجه بیش از پیش آنها را نسبت به سوءاستفاده و آزار آسیب‌پذیر می‌سازد.

این گزارش یافته‌های تحقیق سازمان اقدام آشکار جهانی (OutRight Action International) در رابطه با حقوق بشر زنان همجنس‌گرا ایرانی در سه زمینه قانون، سیاست و از نظر اجرایی را ارائه می‌دهد. در قسمت

تاریخچه، گزارش فوق قبل از آنکه بخواهد به نقض حقوق بشر آنها و آزارهایی که در بخش‌های مختلف زندگی‌شان تجربه می‌کنند پردازد، وضعیت قانونی-سیاسی مرتبط با زنان همجنس‌گرا در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد. در پایان با هدف حمایت از حقوق زنان همجنس‌گرا در ایران، لیستی از پیشنهادات به مقامات ایرانی و جامعه بین‌المللی ارائه می‌شود.

در حالی که ایران بسیاری از کنوانسیون‌ها و معاهدات مهم بین‌المللی در زمینه حقوق بشر را تصویب کرده است، و همچنین حمایت از حقوق بشر در قانون اساسی در نظر گرفته شده است، وضعیت قانونی-سیاسی زنان بسیار وخیم است. سیستم قضایی ایران بر علیه زنان و دختران تبعیض اعمال می‌کند، و ایران همچنان معاهده بین‌المللی حذف تمام اشکال تبعیض بر علیه زنان (یا CEDAW) را تصویب نکرده است. مطابق قانون در ایران، سخت‌گیری بیشتری نسبت به نحوه پوشش زنان نسبت به مردان وجود دارد (حجاب)، حقوق زنان در مسائل شخصی همچون ازدواج، طلاق، ارث، و کفالت بچه‌ها با

موانع جدی روبرو است، ضمن اینکه در زمینه کار و مسائل اجتماعی از حقوق برابر برخوردار نیستند.

فشار اجتماع به زنان برای ازدواج کردن، در کنار وابستگی قانونی و اقتصادی آنها (زنان تنها ۱۶ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند)<sup>۲</sup>، به این معنی است که تصمیمات مربوط به زنان همجنس‌گرا معمولاً توسط مردان خانواده گرفته می‌شود، و زنان همجنس‌گرا شانس و یا توانایی خیلی کمی برای مقابله با تصمیماتی که برای آنها گرفته شده، مانند ازدواج با مرد، را دارند. این بدان معنی است که زنان همجنس‌گرا ممکن است در طول زندگی بطور مداوم درگیر روابط جنسی دگرجنس‌گرایانه اجباری قرار بگیرند.<sup>۳</sup>

---

۲. وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیرکل، مجمع عمومی سازمان ملل، شورای حقوق بشر، A/HRC/28/26، ۱ اسفند ۱۳۹۳ (۲۰ فوریه ۲۰۱۵)، صفحه ۷:

[http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A\\_HRC\\_28\\_26\\_ENG.doc](http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A_HRC_28_26_ENG.doc)

۳. "نقض حقوق بشر بر اساس گرایش جنسی، هویت جنسیتی، و همجنسگرایی در جمهوری اسلامی ایران"، کمیسیون بین‌المللی حقوق بشر زنان و مردان همجنس‌گرا (IGLHRC) و سازمان دگرباشان جنسی ایران (IRQO)، ارسال به یکصد و سومین جلسه کمیته حقوق بشر، ۲۵ مهر تا ۱۳ آبان ۱۳۹۰ (۱۷ اکتبر تا ۴ نوامبر ۲۰۱۱)، صفحه ۴:

<http://www.iglhrc.org/sites/default/files/Iran%20Shadow%20Report%202011.pdf>  
[accessed 23 May 2016].

برای مقابله با نقش‌های جنسیتی سنتی، زنان همجنس‌گرای ایرانی بطور مستقیم در مقابل نقش‌هایی که در ازدواج سنتی از آنها انتظار می‌رود ایستادگی می‌کنند، مانند همسر یا مادر بودن. بیشتر زنان همجنس‌گرایی که با سازمان آشکار جهانی مصاحبه انجام دادند، ابراز می‌کردند دچار نوعی احساس گناه در رابطه با تمایلات جنسی‌شان هستند، به عنوان مثال احساس غیرطبیعی بودن، یا اشتباه و گناه‌آلود بودن تمایلاتشان از نظر دینی. آنها درباره تاثیر مخرب این احساس گناه بر زندگی‌شان صحبت کردند، از جمله درگیری‌های درونی‌شان و تنش‌های مداومی که با دیگران از جمله اعضا خانواده و دوست‌دخترانشان داشتند. برخی از آنها که مورد خشونت جنسی قرار گرفته بودند، همچنین درباره تاثیرات روانشناختی این آزارها بر زندگی‌شان صحبت کردند. در کل افراد مصاحبه شونده زندگی را توصیف می‌کردند که سراسر ترس و وحشت از مورد آزار قرار گرفتن بود.

علاوه بر محدودیت‌هایی که برای حقوق زنان وجود دارد، زنان همجنس‌گرا در ایران محدودیت‌های بیشتری را به دلیل جرم‌انگاری

روابط همجنس خواهانه تجربه می کنند، ضمن اینکه چنین روابطی از نظر اجتماعی نیز غیر قابل قبول است. این تبعیض های مضاعف بطور جدی باعث تشدید آزارهایی می شود که آنها باید تحمل بکنند.

زنان همجنس گرا در کنار دستگیری های خودسرانه و حبس، همچنین از اعمال خشونت توسط پلیس مانند آزارهای همجنس گراهراسانه تا شکنجه بعد از دستگیری در عذاب هستند و حقوق شان نقض می شود.

در نظام درمانی، زنان همجنس گرا با سطح بالایی از ناآگاهی روبرو هستند که زندگی آنها را در معرض خطر قرار می دهد. متخصصان پزشکی سعی می کنند با استفاده از داروهای روانپزشکی آنها را به اصطلاح «درمان» بکنند، و در مواردی حتی عمل تطبیق جنسیت را به عنوان راه حلی برای «بیماری» آنها توصیه می کنند. اما آنچنان که این گزارش نشان می دهد، برخی از متخصصان نیز نقش مثبتی را ایفا کرده، و علی رغم فضای دشوار سیاسی-قانونی کشور، توصیه های ارزشمندی به زنان همجنس گرا و خانواده هایشان ارائه می کنند.

حقوق زنان همجنس‌گرا در ایران همچنین از سوی جامعه، در محیط کار، مدرسه، در خانواده و اجتماع نقض می‌شود. برخوردهای منفی با کسانی که همجنس‌گرا به نظر می‌آیند، قوانین تبعیض‌آمیز، و تبلیغات منفی دولت بر علیه همجنس‌گرایی، خشونت‌ها و آزارهای اجتماعی و خانوادگی بر علیه زنان همجنس‌گرا را تشویق می‌کنند. در واقع آنها به عنوان افرادی «بیمار» و «مجرم» بخاطر گرایش جنسی‌شان جلوه داده می‌شوند.

برخلاف تعهد ایران نسبت به رعایت حقوق بشر از جمله احترام به آزادی بیان، تشکل و تجمع، زنان همجنس‌گرا با محدودیت‌های جدی در رابطه با این حقوق‌شان روبرو هستند. به عنوان مثال در زمینه فعالیت‌ها و بحث‌های آنلاین، و یا انتخاب نوع پوشش برای ابراز هویت‌شان.

با توجه به اینکه در هر قسمتی از زندگی‌شان با نقض حقوق‌شان و آزار روبرو هستند، برخی از زنان همجنس‌گرا تصمیم به فرار از ایران و پناهنده شدن به کشورهای دیگر گرفته‌اند، که در نتیجه باید منتظر

تبعیض‌ها و آزارهای بیشتری طی فرایند پذیرفته شدنشان به عنوان پناهنده باشند.

قبل از ارائه پیشنهادات در انتهای متن، فصلی را تحت عنوان «مقاومت» به زنان همجنس‌گرایی اختصاص داده‌ایم که تصمیم گرفته‌اند در ایران بمانند و راه‌هایی را برگزینند برای ساخت زندگی مفید و توأم با آرامش با اتکا به شبکه‌های دوستان هم‌فکر، و برداشتن قدم‌های هر چند کوچک در جهت به‌دست آوردن حقوق‌شان در جامعه‌ای که عموماً دگرجنس‌گراهنجاری غالب است.

# روش تحقیق

یافته‌های این گزارش بر اساس مصاحبه‌ها، تحقیقات کتابخانه‌ای، و بررسی رسانه‌ها بوده است.

پژوهشگران سازمان اقدام جهانی آشکار مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها را بین شهریور ۱۳۹۱ و دی‌ماه ۱۳۹۳ انجام دادند. در طی این دوران، سازمان اقدام جهانی آشکار، با زنان همجنس‌گرا داخل و خارج از ایران بطور مستقیم و یا آنلاین مصاحبه کرد. در مجموع با ۴۲ نفر مصاحبه شد. مصاحبه شونده‌گان از سنین مختلف (۲۱ تا ۵۰ سال)، محیط خانوادگی، سطوح تحصیلات و مشاغل متفاوت و جاهای مختلف ایران بودند. مصاحبه‌ها بطور متوسط بین یک تا دو ساعت و به زبان فارسی انجام شدند. برای مصاحبه مستقیم و ملاقات حضوری با زنان همجنس‌گرای پناهجو و پناهنده، تیم پژوهشگران سازمان دو بار به ترکیه (شهریور ۱۳۹۱ و آبان ۱۳۹۳)، و یک بار به کانادا (مرداد ۱۳۹۲) مسافرت کرد. ترجمه انگلیسی مصاحبه‌ها، و نسخه ابتدایی



گزارش که به زبان فارسی بود، و مشاوره‌های گسترده با اساتید و اهل فن به منظور هر چه دقیق‌تر بودن گزارش، تلاش جمعی بود، که گرچه بسیار زمان برد، اما کمک کرد در نهایت گزارشی به دست آید که منعکس کننده نیازهای افزایشنده و ذات در حال تکامل جامعه زنان همجنس‌گرای ایران باشد.

دولت ایران به سازمان‌های غیر دولتی، نظیر سازمان اقدام آشکار جهانی، اجازه ورود به کشور با هدف انجام تحقیقات مستقل مربوط به حقوق بشر را نمی‌دهد. ضمن اینکه بسیاری از افراد داخل ایران از ترس اینکه ممکن است از سوی دولت تحت نظر باشند، راحت نمیتوانند درباره مسائل مربوط به حقوق بشر از طریق تلفن و یا ایمیل صحبت بکنند. برخی از آنهايي هم که خارج از ایران زندگی می‌کنند، از ترس انتقامجویی حاکمیت نسبت به خانواده‌هایشان، نمی‌خواستند هویت خودشان را فاش سازند. بنابراین با هدف حفظ حریم خصوصی و امنیت مصاحبه‌شوندگان از اسامی مستعار استفاده شده است. همچنین برخی از جزییات شهادت‌نامه‌های مصاحبه‌شوندگان که ممکن بود منجر به فاش شدن هویت‌شان بشود، تغییر داده شدند.

در پایان، به عنوان بخشی از تحقیق، سازمان اقدام جهانی آشکار با برخی از سازمان‌های دولتی از جمله وزارت آموزش و پرورش و قوه قضاییه تماس گرفت و نظر آنها در رابطه با مسائل مربوط به زنان همجنس‌گرا در ایران را جویا شد. متأسفانه، به غیر از یک ایمیل که دریافت تماس ما را تایید می‌کرد، هیچ پاسخ دیگری دریافت نشد.

سازمان اقدام آشکار جهانی از تمامی کسانی که اطلاعات خودشان را برای این گزارش در اختیار ما گذاشتند قدردانی می‌کند.

# فضای سیاسی-قانونی

حکومت ایران اسلامی است و تحت قوانین دینی  
به اداره کشور می‌پردازد.

در نتیجه بطور مستقیم محدودیت‌هایی بر حقوق زنان اعمال می‌شود، مانند حقوق زنان همجنس‌گرا در ایران. در حقیقت بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷، بسیاری از حقوق قانونی که زنان از آنها بهره‌مند بودند از بین رفتند. تاریخچه حقوق زنان تحت حکومت فعلی عامل مهمی در درک واقعیت زندگی زنان همجنس‌گرای ایرانی در قرن حاضر است. در حالی که ایران بسیاری از کنوانسیون‌ها و معاهدات حقوق بشر را تصویب کرده است، اما ساختار داخلی قانونی کشور به گونه‌ایست که به این تعهدات بین‌المللی پایبند نمی‌باشد.

# بافت ملی

## ایران قبل از انقلاب

در سال ۱۳۴۱ تحت حکومت محمدرضا شاه در ایران، زنان دارای حق رای شدند.<sup>۴</sup> در حالی که جدال بر سر مساوات بین جنسیت پیچیده و فعالیت‌های سیاسی محدود بودند، دولت علاقه نشان داد که حقوق زنان را برقرار سازد، و قوانینی را تصویب کند که کار و تحصیل در خارج از منزل را برای آنها ساده‌تر سازد. در سال ۱۳۴۶، شاه قانون حمایت از خانواده را معرفی کرد، و بدینوسیله سن ازدواج دختران را به ۱۸ سال افزایش داد، و طلاق را تحت مسئولیت دادگاه‌های خانواده قرار داد.<sup>۵</sup> در دهه ۱۳۵۰، این قوانین توسعه یافته و محدودیت‌های سقط جنین کاهش یافتند. اما از طرف دیگر زنان مذهبی که با تجدد مخالف بودند به پا خواستند و در مقابل شاه مقاومت می‌کردند. نیروی این جنبش

---

۴. "جنبش زنان ایرانی: مبارزه صد ساله"، مهدی الف، جهان اسلام (جلد ۹۴)، سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴)، صفحه ۴۳۲.

<http://go.owu.edu/~aamahdi/Iranian%20Women%20Movement%20A%20Century%20Long%20Struggle.pdf> [accessed 23 May 2016].

۵. همان منبع

باعث جذب دختران و زنان غیر مذهبی شد، تا جایی که حجاب بر سر گذاشتند و به این جنبش پیوستند.<sup>۶</sup>

## دولت اسلامی و قوانین دینی

جنبش بر علیه شاه به انقلاب سال ۱۳۵۷ ختم شد. پس از روی کار آمدن حکومت جمهوری اسلامی در ایران، دولت قدمهای محکمی در راستای استقرار تفسیر خودش از احکام اسلامی برداشت تا به باور خودشان جهت حرکت جامعه به سمت غرب‌گرایی، که تحت رژیم شاه بوجود آمده بود را تغییر دهند.<sup>۷</sup> قوانین دینی در ایران در حقیقت نظام قانونی اسلامی است که بر اساس تفاسیر به عمل آمده از قرآن و سنت بنا شده است. این قوانین اصول رفتاری حاکم بر جنبه‌های مختلف زندگی شخصی و اجتماعی مسلمانان را مشخص می‌کنند. در ایران، قوانین دینی بر اساس مکتب امامیه از تشیع بنا شده، که دین

---

۶ همان منبع، صفحه ۴۳۳

۷. "منبع قوانین اسلامی"، سال ۱۳۹۴ (۲۰۱۵):

<http://www.crf-usa.org/america-responds-to-terrorism/the-origins-of-islamic-law.html> [accessed 26 October 2015]

رسمی کشور و اکثریت ایرانیان است.<sup>۸</sup> در ایران، قوانین دینی اصولاً توسط حاکمان روحانی تفسیر و استخراج می‌شوند و تاثیر زیادی بر فرایندهای قانون‌گذاری دارند، تا اطمینان حاصل شود که قوانین وضع شده برخلاف قوانین اسلامی نیستند.

تحت این نظام قانونی، قانون حمایت از خانواده لغو شد<sup>۹</sup>، و فرمانی صادر شد مبنی بر اینکه زنان باید از پوشش «مناسب‌تری» برخوردار باشند، چیزی که نشانه شروع برخورد سخت‌گیرانه در رابطه با حقوق زنان بود، و به همراه خود یک سری عقاید متعصبانه در رابطه با جنسیت را داشت، و هر چه بیشتر به چالش کشیدن چنان هنجارهایی را دشوار می‌ساخت.<sup>۱۰</sup>

۸. برای اطلاعات بیشتر لطفاً مراجعه کنید به:

"Islam: Governing Under Sharia", Johnson, T. and Aly Sergie, M. available at: <http://www.cfr.org/religion/islam-governing-under-sharia/p8034> [accessed 22 October 2015].

۹. در فروردین ۱۳۹۲، ایران نسخه جدید و جنجال‌برانگیز از قانون حمایت از خانواده را بر اساس اصول اسلامی تصویب کرد. به منظور مطالعه متن کامل این قانون لطفاً مراجعه کنید به:

<http://www.rooznamehrasmi.ir/laws/ShowLaw.aspx?Code=847> [accessed June 21, 2016]

۱۰. "جنش زنان ایرانی: مبارزه صد ساله"، مهدی الف، جهان اسلام (جلد ۹۴)، سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴)، صفحه ۴۳۲.

<http://go.owu.edu/~aamahdi/Iranian%20Women%20Movement%20A%20Centu>

## قانون اساسی

قانون اساسی ایران از طریق referendum در سال ۱۳۵۸ تصویب شد و جایگزین قانون اساسی سال ۱۲۸۴ شد. قانون اساسی در سال ۱۳۶۸ مورد اصلاحات قرار گرفت. طبق قانون اساسی، نوع حکومت جمهوری اسلامی است<sup>۱۱</sup>، که مطابق با آن اسلام قانون سرزمین است<sup>۱۲</sup>، کشور از طریق فرایندهای دموکراتیک اداره می‌شود مانند همه‌پرسی و انتخابات ملی<sup>۱۳</sup>، و اعتبار تمامی فرایندهای دموکراتیک از رهبر کشور منشا می‌گیرد، رهبر به عنوان نماینده امام دوازدهم شیعیان به حساب می‌آید<sup>۱۴</sup>.

ماده ۱۹ تا ۴۲ مربوط به «حقوق مردم» است. قانون اساسی تمام اشکال «تبعیض» را رد می‌کند و اعلام می‌کند: «تمام شهروندان

---

ry%20Long%20Struggle.pdf [accessed 23 May 2016].

۱۱. ماده یک، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلاح شده در ۶ مرداد ۱۳۶۸.

۱۲. ماده سه، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلاح شده در ۶ مرداد ۱۳۶۸.

۱۳. ماده شش، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلاح شده در ۶ مرداد ۱۳۶۸.

۱۴. ماده یک، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلاح شده در ۶ مرداد ۱۳۶۸.

کشور، اعم از مردان و زنان، بطور مساوی از حمایت قانون برخوردار هستند، و از حقوق انسانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی برخوردار هستند»<sup>۱۵</sup>. قانون اساسی خواهان «فرصتهای برابر برای همگان، در حوزه‌های مادی و عقلانی» است<sup>۱۶</sup>. اما برخلاف این وعده‌ها، قانون ایران، از جمله قانون کار، هیچ نوع حمایتی در برابر تبعیض و آزار افراد ارائه نمی‌کند<sup>۱۷</sup>.

---

۱۵. ماده بیست، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلاح شده در ۶ مرداد ۱۳۶۸.

۱۶. ماده بیست (۹)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلاح شده در ۶ مرداد ۱۳۶۸.

۱۷. ایران نسبت به معاهده بین‌المللی ساماندهی کار متعهد است. این معاهده درباره تبعیض در استخدام و محیط کار است:

([http://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=NORMLEXPUB:12100:0::NO::P12100\\_ILO\\_CODE:C111](http://www.ilo.org/dyn/normlex/en/f?p=NORMLEXPUB:12100:0::NO::P12100_ILO_CODE:C111)) for more information about this, please see: <http://rc.majlis.ir/fa/law/show/95510> [accessed 16 January 2016].

ماده ۳۸ قانون کار ایران خواستار دستمزد برابر برای مردان و زنان است و هر گونه تبعیض در پرداخت دستمزد را بر اساس «سن، جنسیت، نژاد، ملیت، و عقاید دینی یا سیاسی» منع می‌کند. لطفاً مراجعه کنید به:

<http://www.mcls.gov.ir/fa/law/267/>

فصل-سوم-شرایط-کار

[accessed 16 January 2016].

بهاره رهنمای، معاون مدیریت سازمان بهزیستی در استان قزوین، طی مصاحبه‌ای که در تاریخ ۶ سپتامبر ۲۰۱۵ با خبرگزاری ایرنا انجام داد، اعلام کرد که «بیکاری» یکی از مشکلات اساسی افراد ترنس مخصوصاً بعد از عمل تطبیق جنسیت است. برای مطالعه کامل متن مصاحبه بهاره با ایرنا لطفاً مراجعه کنید به:

<http://www.irna.ir/fa/News/81749161/> [accessed 7 January 2016]



## وضعیت زنان

در سال ۱۳۹۳، در مجمع جهانی اقتصاد، ایران در مقیاس «فاصله بین جنسیت‌ها» رتبه ۱۳۷ در بین ۱۴۲ کشور را بدست آورد<sup>۱۸</sup>. نظام قضایی ایران بر علیه زنان و دختران تبعیض قائل می‌شود. مطابق با قانون، پوشش زنان با محدودیت‌های بیشتری نسبت به مردان همراه است، موانع قانونی متعددی در راه دستیابی زنان به حقوق‌شان در مسائل شخصی همچون ازدواج، طلاق، ارث و کفالت فرزندان وجود دارد، و از شرکت کامل زنان در بازار کار و فعالیت‌های عمومی در جامعه جلوگیری می‌شود.

مطابق با ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، که اعمال «حرام» را جرم‌انگاری می‌کند، مسئولین می‌توانند بطور خودسرانه به آزار، دستگیری و محکامه افرادی که در اماکن عمومی مرتکب «عمل

---

۱۸. "وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیر کل"، مجمع عمومی سازمان ملل، شورای حقوق بشر، A/HRC/28/26، ۱ اسفند ۱۳۹۳ (۲۰ فوریه ۲۰۱۵)، صفحه ۷:

[http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A\\_HRC\\_28\\_26\\_ENG.doc](http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A_HRC_28_26_ENG.doc) [accessed 7 January 2016]

حرام» شده‌اند نمایند<sup>۱۹</sup>. افرادی که تحت این ماده محکوم می‌شوند ممکن است بین ۱۰ تا ۲ ماه را در حبس بگذرانند و ۷۴ ضربه شلاق را تحمل کنند. در تبصره‌ای از این ماده گفته می‌شود زنانی که در اماکن عمومی بدون حجاب مناسب ظاهر شوند، بدون توجه به باورهای دینی و اعتقاداتشان می‌توانند طبق این ماده مجازات شوند<sup>۲۰</sup>. حجاب شامل پوشش موی سر و پوشیدن لباس‌های گشاد بطوری که قسمت‌های

---

۱۹. قانون جزایی اسلامی، ماده ۶۳۸: "هر گاه کسی علنا در انتظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل به دو ماه حبس و ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نباشد، اما عفت عمومی را جریحه دار نماید، تنها به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد."

۲۰. تبصره ماده ۶۳۸ قانون جزایی اسلامی: "زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انتظار عمومی ظاهر می‌شوند، به حبس از ۱۰ روز تا ۲ ماه و یا ۵۰ تا ۵۰۰ هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد." گزارشگر ویژه مسائل مربوط به آزادی دین و عقاید، بطور اخص به حجاب اجباری برای زنان در ایران اشاره کرده: "در زمینه فرهنگی-اجتماعی، گزارشگر ویژه پیشنهاد می‌کند که اقدامات عملی باید صورت گیرد تا اطمینان حاصل شود قوانین دینی سخت‌گیرانه مربوط به امور شخصی و اجتماعی شامل زنان غیر مسلمان نشود." با توجه به قوانین پوشش، گزارشگر ویژه تاکید می‌کند که گرچه پوشش‌های سنتی باید محترم شمرده شوند، اما نباید به عنوان ابزار سیاسی استفاده شوند، و برخوردهای انعطاف‌پذیرانه باید زمینه را برای ظهور تنوع پوشش در ایران بدون اجبار فراهم آورد. بالاخص، در زمینه تحصیلات، و مخصوص مدارس گروه‌های اقلیت، گزارشگر ویژه پیشنهاد می‌کند که آزادی پوشش باید وجود داشته باشد، چراکه نباید این قوانین مربوط به پوشش به گونه‌ای اعمال شوند که با هدف اصلی از وضع آنها منافات داشته باشد." برای اطلاعات بیشتر لطفاً مراجعه کنید به:

E/CN.4/1996/95/Add.2, para. 97 (country visit to the Islamic Republic of Iran), available at: <http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Religion/RapporteursDigest-FreedomReligionBelief.pdf> [accessed 26 October 2015]

مشخصی از بدن معلوم نباشند می‌شود، اما بطور دقیق گفته نشده که چه چیزی به عنوان حجاب نامناسب قلمداد می‌شود. ماده ۶۳۸ همچنین برای هدف قرار دادن افرادی که پوشش‌شان مناسب با جنسیت‌شان نیست استفاده شده است.<sup>۲۱</sup>

قوانین جزایی که به تازگی اصلاح شده‌اند و از سال ۱۳۹۲ اجرایی شدند، برخورد متفاوتی با زنان و دختران در مقایسه با پسران و مردان در زمینه‌های مختلفی همچون ارزش شهادت آنها در محکمه‌های قانونی، که مساوی با نصف یک مرد است، تا شدت مجازات، سن قانونی مسئولیت پذیری از نظر ارتکاب جرم، و مسئله اخذ دیه دارد.<sup>۲۲</sup> ماده ۲۰ قانون اساسی بیان می‌کند: «تمامی شهروندان کشور، اعم از مرد و زن، بطور یکسان از حمایت قانون

---

۲۱. «محکومیت قضایی "مبدل پوشی" باعث خشم و شروع کمپین رسانه‌ها می‌شود»، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۲ (۲۵ آپریل ۲۰۱۳):

<http://www.rt.com/news/iran-cross-dressing-protest-374/> [accessed 25 September 2015]; "Struggle over what to wear in Iran", Rezaian, J., 12 July 2012, available at: [https://www.washingtonpost.com/world/middle\\_east/struggle-over-what-to-wear-in-iran/2012/07/21/gJQAbkspzW\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/struggle-over-what-to-wear-in-iran/2012/07/21/gJQAbkspzW_story.html) [accessed 25 September 2015]

۲۲. "زنان در جمهوری اسلامی ایران: وضعیت قانونی، موقعیت اجتماعی، و عملکرد عمومی"، مقدم، سال ۱۳۸۳ (۲۰۰۴):

<https://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/ValentineMoghadamFinal.pdf> [accessed 26 October 2015].

برخورد دارند، و از کلیه حقوق انسانی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بهره‌مند هستند»، اما تاکید می‌کند که این مساوات باید «هماهنگ با معیارهای اسلامی» باشد.<sup>۲۳</sup>

از نظر قانونی، مردان سرپرست خانواده به حساب می‌آیند<sup>۲۴</sup>، و حریم خصوصی خانواده نباید از طرف دولت مورد تعرض قرار بگیرد<sup>۲۵</sup>. ماده ۱۱۱۷ از قانون مدنی بیان می‌کند که شوهر می‌تواند مانع کار کردن همسرش در مشاغل یا کارهای فنی که به نفع خانواده و یا در شان

---

۲۳. برای ترجمه انگلیسی قانون اساسی ایران می‌توانید به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://www.iranonline.com/iran/iran-info/government/constitution-3.html> [accessed 24 October 2015].

۲۴. برای مقایسه حقوق شوهرها در مقابل همسرانشان و کودکان در نظام قانونی ایران، "نقد پدران و قیومیت فرزندان" لطفاً مراجعه کنید به:

<http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show/id/441/indexId/92421> [accessed 19 January 2016]

۲۵. "خشونت خانوادگی بر علیه زنان مجرد و متأهل در جامعه ایران"، مرادیان، الف. Iranian.com، ۱۹ شهریور ۱۳۸۸ (۱۰ سپتامبر ۲۰۰۹)، در لینک:

<http://iranian.com/main/blog/azad/domestic-violence-against-single-and-married-women-iranian-society.html> [accessed 23 September 2015]

همچنین به گزارش یونیسف سال ۱۳۹۰ (۲۰۱۱) درباره وضعیت برابری جنسیت‌ها در ایران مراجعه کنید به:

<http://www.unicef.org/gender/files/Iran-Gender-Equality-Profile-2011.pdf> [accessed 19 January 2016].

او و همسرش نیست، بشود. این قانون همچنین برای منع زنان از پیگیری فعالیت‌های هنری استفاده می‌شود.<sup>۲۶</sup>

مادون پنداشتن زنان نسبت به مردان باعث افزایش آسیب‌پذیری ایشان در برابر خشونت‌های خانوادگی، مخصوصاً زمانی که زنان از نظر اقتصادی وابسته به شوهرانشان یا قیم‌های مذکرشان هستند<sup>۲۷</sup>، می‌شود. قانون ایران عملاً به پدران و شوهران این توانایی را می‌دهد که برای کل خانواده تصمیم بگیرند، از جمله تصمیماتی که زندگی زنان و دختران را بطور مستقیم تحت تاثیر قرار می‌دهد، از جمله طلاق، اجازه مسافرت به خارج از کشور، و کفالت بچه‌ها. به عنوان مثال سن بلوغ برای دختران، که همان سن مسئولیت‌پذیری قانونی برای جرائم هم به حساب می‌آید، ۹

---

۲۶. "وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیر کل"، مجمع عمومی سازمان ملل، شورای حقوق بشر (۱ اسفند ۱۳۹۳)، A/HRC/28/26T، ۲۰ فوریه ۲۰۱۵، صفحه ۸:

[http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A\\_HRC\\_28\\_26\\_ENG.doc](http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A_HRC_28_26_ENG.doc)

۲۷. جلوه جواهریان، در مصاحبه‌ای با ایسنا به تاریخ ۵ دی ۱۳۹۲ (۲۶ دسامبر ۲۰۱۳)، "رایج‌ترین اشکال خشونت خانوادگی کدام هستند":

<http://isna.ir/fa/news/92100602922>

سال قمری است (۸ سال و ۸ ماه شمسی)<sup>۲۸</sup>، در حالی که برای پسران ۱۵ سال قمری است (۱۴ سال و هفت ماه شمسی)<sup>۲۹</sup>. مطابق قانون مدنی، سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۳ سال شمسی و برای پسران ۱۵ سال است، اما دختری که ۸ سال و ۸ ماه سن دارد در صورت صدور اجازه پدر یا قاضی می‌تواند ازدواج کند.<sup>۳۰</sup> زنان قادر نیستند بدون همکاری شوهرانشان برای طلاق اقدام

---

۲۸. ماده ۱۲۱۰ (بخش یک) از قانون مدنی ایران، دسترسی آنلاین:

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/97937> [accessed 20 October 2015].

مطابق با گزارش وضعیت کودکان یونیسف، سه درصد از دختران در ایران قبل از سن ۱۵ سالگی ازدواج می‌کنند، و ۱۷ درصد تا سن ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

"Rights of the Child in Iran: Joint Alternative Report by Civil Society Organizations on the Implementation of the Convention of the Rights of the Child by the Islamic Republic of Iran", available at: [http://iglhrarchive.org/sites/iglhrarchive.org/files/CRC71\\_Iran\\_JointSubmission\\_FINAL2.pdf](http://iglhrarchive.org/sites/iglhrarchive.org/files/CRC71_Iran_JointSubmission_FINAL2.pdf) [accessed 20 October 2015].

۲۹. همان منبع. همچنین برای تحلیل دقیق میزان مسئولیت کودکان در جرائم در ایران، لطفاً مراجعه کنید به: "سن مسئولیت در زمینه جرائم بین کودکان و نوجوانان در ایران"، صبوری‌پور، میم. و صدر، ف. الف. منتشر شده به فارسی در نشریه دوره‌ای تحقیق در حقوق جزایی، سال ششم، نسخه اول، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صفحات ۱۷۱ تا ۱۹۴:

[http://jol.guilan.ac.ir/article\\_1198\\_0.html](http://jol.guilan.ac.ir/article_1198_0.html) [accessed 19 January 2016].

۳۰. ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی ایران، که در سال ۲۰۰۲ اصلاح شد، بیان می‌کند "ازدواج دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال شمسی و پسر قبل از سن ۱۵ سال شمسی در صورت صدور اجازه از طرف قیم آنها جایز است، اما بر اساس مناسب بودن وضعیت، تعیین شده توسط دادگاه ذی‌صلاح":

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/99682> [last accessed March 17, 2016].

کنند، مگر اینکه یک دلیل محکمه پسند ارائه دهند (فرایندی که ممکن است سالها به طول انجامد). اما مردان حتی بدون ارائه هیچ دلیلی می‌توانند برای طلاق همسرانشان اقدام بکنند<sup>۳۱</sup>. همچنین دختران تنها نصف برادرانشان از ارث سهم دارند<sup>۳۲</sup>.

تحت قوانین ایران، تعریف تجاوز صرفاً شامل دخول جنسی بالاجبار و بدون رضایت توسط فردی که پیمان سنتی ازدواج را برقرار نکرده است، می‌باشد. به بیانی دیگر، «تجاوز» تنها در صورتی قابل مجازات (آنهم مجازات اعدام) است که بعنوان عمل زنا‌ی بدون رضایت طرفین (زنا‌ی به عنف)، زنا با محارم، یا لواط<sup>۳۳</sup>، صورت گرفته باشد، در نتیجه در قانون جزایی ایران جرم تجاوز در چارچوب رابطه دو نفر

---

۳۱. لطفاً مراجعه کنید به مقاله انگلیسی «میزان طلاق در ایران باعث افزایش ترس از بحران اجتماعی شده است»، یانگ دبلیو

Iran's Divorce Rate Stirs Fears of Society in Crisis", Yong, W., available at:

۳۲. برای اطلاعات بیشتر درباره قوانین انحصار وراثت در ایران لطفاً به متن انگلیسی زیر مراجعه کنید:

<https://www.princeton.edu/irandataportal/laws/labor-civilsociety/inheritance/>  
[accessed 22 October 2015].

۳۳. قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۲۴

که ازدواج کرده‌اند وجود ندارد<sup>۳۴</sup>. نبود یک قانون مجزا که تجاوز را مستقل از مقوله ازدواج، شناسایی و جرم‌انگاری نماید، تمامی قربانیان تجاوز در ایران را آسیب‌پذیر می‌سازد، به عنوان مثال اگر فرد قادر به اثبات تجاوز نباشد، ممکن است متهم به داشتن روابط جنسی خارج از ازدواج شده، بنابراین خودشان مورد مجازات قرار بگیرند. اما نبود چنین قانونی بالاخص دگرباشان جنسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، مخصوصاً زنان همجنس‌گرا، چرا که آنها بخاطر عدم حمایت قانونی از همجنسگرایان، نسبت به آزارهای جنسی و خشونت بسیار آسیب‌پذیرتر از دیگران هستند<sup>۳۵</sup>.

---

۳۴. همچنین، از نظر قانون، زن باید از شوهرش اطاعت کند (تمکین)، به این معنی که هر گاه شوهرش از نظر جنسی بخواهد به او نزدیک شود باید اجازه دهد. قانون مدنی ایران، ماده ۱۱۰۸ بیان می‌کند، "اگر همسر، بدون دلیل موجه، وظایف زناشویی خود را بجا نیاورد، فقیه به او تعلق نمی‌گیرد". برای اطلاعات بیشتر در این زمینه لطفاً به مقاله دکتر عبدالرسول سیانی درباره تمکین و عدم تمکین (نشوز) همسر و راهکارهای عملی درباره عدم تمکین"، رجوع کنید:

<http://www.dadsetani.ir/Portals/dadsetani.ir/PaperAttch/957.htm> [last accessed March 17, 2016]

۳۵. چندین نفر از کسانی که برای این گزارش با آنها مصاحبه شد ابراز کردند که علی‌رغم اینکه مجبور شده بودن به ازدواج تن دهند و در نتیجه مورد تجاوز در چارچوب ازدواج قرار بگیرند، تعریف قانونی تجاوز در سیستم قضایی ایران و همچنین جرم‌انگاری روابط همجنس‌گرایانه، مانع آنها برای تنظیم شکایت به پلیس شد. برای مثال به داستان آنا در صفحه ۴۲. گزارش مراجعه کنید.



## جداسازی جنسیتی

از زمان انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ به بعد، جدا سازی جنسیتی در مدارس و دبیرستان‌ها به شدت اجرا شده است، اما شامل همه دانشگاه‌ها نمی‌شود. هدف از این جداسازی از یک طرف رفع «فساد اخلاقی»، که به باور آنها در نتیجه کنار هم قرار گرفتن افراد از جنس مخالف بروز می‌کند، و از طرف دیگر تمرکز دانش‌آموزان فقط به مسائل درسی است<sup>۳۶</sup>. در سالهای اخیر، تندروهای ایران سعی در توسعه این جداسازی جنسیتی تا جایی داشتند که حتی کتاب‌های درسی با توجه به جنسیت دانش‌آموزان تهیه شوند<sup>۳۷</sup>. وزارت علوم که مسئولیت تحصیلات عالی در دانشگاه‌ها را دارد نیز سیاست‌هایی را جهت اسلامی کردن دانشگاه‌ها و جداسازی برخی از کلاس‌ها در

---

۳۶. برای شرح کامل تاریخ جداسازی جنسیتی در ایران مراجعه کنید به «زن و سیاست در جمهوری اسلام ایران: عمل و عکس‌العمل»، وکیلی، سین. :

[https://books.google.com/books?id=WB3m-cBtrQ4C&pg=PA109&dq=gender+segregation+in+school+in+Iran&hl=en&sa=X&ved=0CCwQ6AEwAWoVChMIhNT\\_\\_fWYAIvzHQ-Ch3v7gW6#v=onepage&q=gender%20segregation%20in%20school%20in%20Iran&f=false](https://books.google.com/books?id=WB3m-cBtrQ4C&pg=PA109&dq=gender+segregation+in+school+in+Iran&hl=en&sa=X&ved=0CCwQ6AEwAWoVChMIhNT__fWYAIvzHQ-Ch3v7gW6#v=onepage&q=gender%20segregation%20in%20school%20in%20Iran&f=false) [accessed 22 October 2015].

۳۷. لطفاً مراجعه کنید به مقاله انگلیسی «ایران جداسازی جنسیتی را در کتاب‌های درسی اعمال می‌کند»:

[http://www.rferl.org/content/iran\\_gender\\_segregation\\_school\\_text-books/24455032.html](http://www.rferl.org/content/iran_gender_segregation_school_text-books/24455032.html) [accessed 22 October 2015].

سالهای اخیر داشته است<sup>۳۸</sup>. چنین سیاست‌های منجر به جلوگیری از دسترسی برابر زنان به موسسات آموزش عالی شده است<sup>۳۹</sup>. جداسازی فقط منحصر به مدارس نیست. برخلاف نبود هیچ قانونی که جداسازی در مکان‌های عمومی را خواستار باشد، برخی از ارگان‌های دولتی قوانین جداسازی جنسیتی را در ورزشگاه‌ها و وسایل حمل و نقل عمومی اجرا کرده‌اند<sup>۴۰</sup>.

---

۳۸. شورای نظارت حقوق بشر منتشر کرد: «ایران: باید دسترسی برابر به تحصیلات عالی وجود داشته باشد»، ۱ مهر ۱۳۹۰:

Human Rights Watch news release, "Iran: Ensure Equal Access to Higher Education," 22 September 2012, <https://www.hrw.org/news/2012/09/22/iran-ensure-equal-access-higher-education> [accessed 22 February 2016].

۳۹. لطفا مراجعه کنید به مقاله انگلیسی «جداسازی جنسیتی نقض حقوق زنان در ایران»، موری، ال. ۱۲ شهریور ۱۳۹۲:

<http://www.iranhumanrights.org/2014/09/gender-segregation/> [accessed 26 October 2015].

۴۰. شورای نظارت حقوق بشر منتشر کرد: «ایران: باید به ممنوعیت حضور خانم‌ها در مسابقات والیبال خاتمه دهد»

<https://www.hrw.org/news/2015/10/29/iran-end-ban-women-volleyball-matches> [accessed 22 February 2016].

## تعهدات بین‌المللی

اجرای جهانی حقوق بشر بر اساس سه اصل جهان‌شمول بودن، برابری، و نبود تبعیض استوار است. هر کسی، فارغ از گرایش جنسی و هویت جنسیتی (sexual orientation and gender identity)، حق برخورداری از قوانین حقوق بشر بین‌المللی را از نظر حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دارد<sup>۴۱</sup>.

همچنین نبود تبعیض، یک اصل بنیادی در منشور سازمان ملل (UN)، اعلامیه جهانی حقوق بشر (UDHR)، و معاهده‌های مهم حقوق بشر از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR)، و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (ICESCR)، است. در دستورالعمل‌های بین‌المللی، منظور از قوانین ضد تبعیض، بهره‌مندی همه افراد از حقوق بشر بطور برابر و بدون تبعیض است، و دولت‌ها موظف هستند اطمینان حاصل کنند که قوانین‌شان، سیاست‌هایشان،

---

۴۱. سازمان ملل: تبعیض و خشونت بر علیه افراد بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسی‌شان. گزارش دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به شورای حقوق بشر سازمان ملل. ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴ (۴ می ۲۰۱۵):

و برنامه‌هایشان تاثیرات تبعیض‌آمیز بدنبال نداشته باشند<sup>۴۲</sup>. ایران یکی از کشورهای متعهد به میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

موارد مشخص تبعیض که در معاهده‌های حقوق بشر به آنها اشاره شده کامل نیستند. به عنوان مثال در اظهار نظر عمومی شماره ۲۰ (general comment 20) درباره تبعیض، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که مرکز مسئول نظارت سازمان ملل بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است، متوجه شده که عبارت «وضعیت‌های دیگر»، شامل گرایش جنسی می‌شود. «کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که گرایش جنسی یک مانع برای اجرای حقوق میثاق نباشد»<sup>۴۳</sup>.

---

۴۲. سازمان ملل: قوانین تبعیض‌آمیز و اعمال خشونت‌آمیز بر علیه افراد بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسی. گزارش دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به شورای حقوق بشر سازمان ملل. ۲۶ آبان ۱۳۹۰ (۱۷ نوامبر ۲۰۱۱):

UNITED NATIONS. Discriminatory laws and practices and acts of violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity. Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights to the UN Human Rights Council. November 17 2011. The full text of the Report is available at: [http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Discrimination/A.HRC.19.41\\_English.pdf](http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Discrimination/A.HRC.19.41_English.pdf)

۴۳. مراجعه کنید به پاراگراف ۳۲، کمیته سازمان ملل برای حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (CESCR)، نظر عمومی شماره ۲۰: عدم تبعیض در حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی:

اصول جوگ‌جاکارتا (Yogyakarta) در رابطه با اجرای قوانین بین المللی حقوق بشر در رابطه با گرایش جنسی و هویت جنسیتی (اصول جوگ‌جاکارتا) است. این اصول توسط گروهی از متخصصان امر در حقوق بشر در جوگ‌جاکارتا، اندونزی، در آبان ۱۳۸۵ به دست آمد، به عنوان راهنمای بین‌المللی برای اجرای حقوق بشر در زمینه های مرتبط با آزار زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسیتی<sup>۴۴</sup>.

شایان ذکر است که ایران جزو کشورهای متعهد به کنوانسیون بین‌المللی حذف هر گونه تبعیض بر علیه زنان (CEDAW) نیست، که در حقیقت از نظر رتبه دومین میثاق پذیرفته شده بین المللی است،

---

See paragraph 32, UN Committee on Economic, Social and Cultural Rights (CESCR), General comment No. 20: Non-discrimination in economic, social and cultural rights (art. 2, para. 2, of the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights), 2 July 2009, E/C.12/GC/20. Full text available at: <http://www.refworld.org/docid/4a60961f2.html> and Discriminatory laws and practices and acts of violence against individuals based on their sexual orientation and gender identity. Report of the Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights to the UN Human Rights Council. November 17 2011. For full text, see supra note 5.

۴۴. اصول جوگ‌جاکارتا

The Yogyakarta Principles - Principles on the application of international human rights law in relation to sexual orientation and gender identity. March 2007. Full text available at: [http://www.yogyakartaprinciples.org/principles\\_en.pdf](http://www.yogyakartaprinciples.org/principles_en.pdf)

همچنین برای متن فارسی اصول جوگ‌جاکارتا لطفاً مراجعه کنید به:

<http://www.iranrights.org/fa/library/document/322>

بطوریکه ۱۸۹ کشور آن را تصویب کردند (اولین رتبه متعلق به میثاق حقوق کودکان است)<sup>۴۵</sup>. عدم تصویب، کنوانسیون بین‌المللی حذف تمام اشکال تبعیض بر علیه زنان خود نشانگر وضعیت حقوق زنان در ایران است. کنوانسیون بین‌المللی حذف تمام اشکال تبعیض بر علیه زنان تمام کشورهای متعهد را ملزم می‌سازد «نحوه عملکرد اجتماعی و فرهنگی را به گونه‌ای تغییر دهند ... با توجه به دستیابی به حذف تبعیض ... که بر اساس مادون دانستن و یا برتر دانستن یک جنسیت نسبت به جنسیت دیگر، و یا نقش‌های جنسیتی برای مردان و زنان نباشند.»

---

۴۵. لطفاً مراجعه کنید به «میثاق بین‌المللی حذف هر گونه تبعیض بر علیه زنان»، ۵ خرداد ۱۳۹۵:

[https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg\\_no=IV-8&chapter=4&lang=en](https://treaties.un.org/Pages/ViewDetails.aspx?src=TREATY&mtdsg_no=IV-8&chapter=4&lang=en) [accessed 23 May 2016].

# تبعیض و جرم‌انگاری

جداسازی جنسیتی سازمان یافته و مادون پنداری  
زنان در ساختار قانونی، نقش مهمی در درک  
وضعیت حقوق زنان همجنس‌گرای ایرانی دارد.

هنجارهای جنسیتی که به زنان در ایران تحمیل می‌شوند از طرف موسسات دینی، خانواده، و دولت تعیین می‌شوند، که همگی زنان را در نقش همسر و مادر تصور می‌کنند، که باید فرمان‌بردار مردهای خانواده باشند. ازدواج دخترها در سنین پایین گسترده است، که همین باعث فقدان تسلط آنها بر رابطه زناشویی‌شان است، در چنین شرایطی جایی برای بحث درباره گرایش جنسی نمی‌ماند.<sup>۴۶</sup> در چنین ساختاری فضای ناچیزی برای به چالش کشیدن هنجارهای جنسیتی وجود دارد، و گرایش همجنس‌خواهانه زنان چنان نظامی را در سطوح مختلف به چالش می‌کشد.

---

۴۶. "وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیر کل"، مجمع عمومی سازمان ملل، شورای حقوق بشر (۲۸ بهمن ۱۳۸۹)، A/HRC/28/26، ۲۰ فوریه ۲۰۱۵، صفحه ۸:

علاوه بر محدودیت‌هایی که بر حقوق زنان وجود دارد، زنان همجنس‌گرا در ایران محدودیت‌های بیشتری را به دلیل جرم‌انگاری گرایش جنسی‌شان و عدم پذیرش اجتماعی تحمل می‌کنند. چنان محدودیت‌هایی، بسیاری از زنان همجنس‌گرای ایرانی را مجبور می‌سازند به یک زندگی «زیرزمینی» پناه ببرند، و از ترس فاش شدن گرایش‌شان و دستگیری و محکومیت به دست پلیس یک زندگی پنهانی داشته باشند. همین باعث شده به اشتباه تصور شود که تعداد زنان همجنس‌گرا در ایران محدود است، و یا اینکه بر علیه آنها تبعیضی صورت نمی‌گیرد، و از جهات مختلف از جمله سلامتی با چالش‌ها و خطرات جدی روبرو نیستند. تحقیق سازمان آشکار جهانی مشخص ساخت که نبود حمایت قانونی، و احتمال دستگیری و مجازات به دلیل گرایش جنسی، ترس و هراسی است که تمام زندگی زنان همجنس‌گرا را پیوسته در بر گرفته است. در برخی موارد، ترس از دستگیری و مجازات توسط پلیس و مقامات قضایی به واقعیت تبدیل شده است.



تبعیض‌های قانونی که بر علیه زنان همجنس‌گرا و دیگر اعضا جامعه دگرباشان اعمال می‌شود، همچنین باعث عدم پذیرش آنها از سوی اجتماع می‌گردد، که در نتیجه آنها در مقابل آزار و خشونت توسط حکومت و مردم آسیب‌پذیر می‌سازد. بسیاری از زنان همجنس‌گرا که توسط سازمان اقدام آشکار جهانی مصاحبه شدند ابراز کردند که از گزارش آزارهایی که از سمت افراد مختلف، از جمله اعضا خانواده‌شان دیده‌اند هراس داشتند، چراکه ممکن بود مقامات قضایی آنها را به جرم گرایش جنسی‌شان مجازات کنند یا اینکه گرایش جنسی‌شان نزد دیگر دوستان و افراد فامیل فاش شود.

با جرم‌انگاری روابط همجنس‌گرایانه، نه تنها دولت ایران از زیر وظایف خود در جهت حمایت از زنان همجنس‌گرا شانه خالی کرده است، بلکه فضایی را بوجود آورده که تبعیض، آزار، و خشونت بر علیه این جامعه آسیب‌پذیر را رواج می‌دهد.

## جرمانگاری رابطه جنسی با همجنس

کشورهای مختلف ملزم به حمایت از حریم خصوصی افراد، آزادی و امنیت افراد هستند. سازمان ملل از طریق مکانیسم‌های مختلف از کشورها خواسته است که از طریق لغو قوانینی که به مجازات افراد بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی، از جمله قوانین جرم‌انگاری همجنس‌گرایی، به تعهدات خود عمل کنند. سازمان ملل توجیهات کشورها برای حفظ چنین قوانینی بر اساس «سلامت عمومی» و «اخلاقیات» را مردود دانسته است.<sup>۴۷</sup>

اما قانون مجازات اسلامی هر گونه روابط جنسی خارج از چارچوب ازدواج را جرم‌انگاری کرده است، از جمله «زنا» و «رابطه جنسی با

---

۴۷. لطفاً مراجعه کنید به «سازمان ملل. تبعیض و خشونت علیه افراد بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیشان». ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴:

[http://www.un.org/en/ga/search/view\\_doc.asp?symbol=A/HRC/29/23&referer=/english/&Lang=E](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/HRC/29/23&referer=/english/&Lang=E)

See CCPR/C/50/D/488/1992, paras. 8.3-10, E/C.12/IRN/CO/2, para. 7, CEDAW/C/UGA/CO/7, paras. 43-44, CRC/C/GAM/CO/2-3, paras. 29-30, A/HRC/14/20 paras. 17-26, CCPR/C/KWT/CO/2, para. 30.

همجنس<sup>۴۸</sup>». برای ارتکاب چنین اعمالی مجازات حد در نظر گرفته شده است، که از نظر قوانین دینی ضروری هستند. جرم‌انگاری روابط با همجنس تاثیر منفی بر تمام اعضا جامعه دگرباشان جنسی دارد، از جمله زنان همجنس‌گرا<sup>۴۹</sup>. تحت ماده ۲۳۸ از قانون مجازات اسلامی، مجازات اجباری برای مساحقه (تماس و مالش آلت تناسلی دو یا چند زن با یکدیگر)، ۱۰۰ ضربه شلاق است<sup>۵۰</sup>. قانون مجازات اسلامی همچنین مجازات شلاق زدن را برای دیگر اعمال جنسی بین افراد همجنس که حتی شامل اعضای تناسلی نمی‌شود در نظر

---

۴۸. در ارتباط با جرم‌انگاری رابطه جنسی با افراد همجنس باید متذکر شد که مطابق با قانون مجازات اسلامی، مجازات اعدام برای مردانی که مرتکب "لواط" می‌شوند در نظر گرفته شده است، که شامل عمل دخول رضایت‌مندان و (یا بالاجبار) بین دو مرد می‌شود. البته برای فردی که عمل دخول را انجام داده مجازات ۱۰۰ ضربه شلاق در نظر گرفته شده (در صورتی که مجرد باشد و مرتکب تجاوز نشده باشد). تحت قانون مجازات اسلامی، مجازات عمل جنسی که شامل دخول نباشد (تفخیز) ۱۰۰ ضربه شلاق است. در اینجا نیز قانون مجازات اسلامی عملاً مرتکب تبعیض می‌شود، چراکه برای مرد غیر مسلمانی که عمل تفخیز را با مرد مسلمانی انجام داده مجازات اعدام در نظر می‌گیرد. قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۳۶.

۴۹. "زنا" دخول جنسی بین دو نفر از جنس مخالف که با فردی غیر از همسر (زنای محصنه) صورت گیرد، مجازات اعدام از طریق سنگسار برایش در نظر گرفته شده. قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۲۱ تا ۲۳۲. مجازات برای کسی که در رابطه جنسی شامل دخول شرکت داشته باشد، اما همسر ندارد، ۱۰۰ ضربه شلاق است. قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۳۰.

۵۰. قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۳۸ تا ۲۴۰. مساحقه به عنوان عملی تعریف شده که زنی آلت تناسلی خود را روی آلت تناسلی زن دیگری قرار می‌دهد.

گرفته است، از جمله برای بوسیدن شهوانی<sup>۵۱</sup>. مطابق با ماده ۲۳۷، هر عمل جنسی بین دو مرد محکوم به «۳۱ تا ۷۴» ضربه شلاق است. تبصره این ماده بطور مشخص اعلام می‌کند که همین مجازات برای زنان نیز صادق است.

---

۵۱. قانون مجازات اسلامی، ماده ۲۳۷. افرادی که چنین اعمالی را انجام داده‌اند، بین ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق دریافت می‌کنند.

# آزار و اذیت‌ها در سیستم

## قضایی

دولت‌ها موظف هستند از حقوق افراد حمایت کنند، از جمله حق برخورداری از حریم خصوصی، آزادی و امنیت که شامل حق جلوگیری از دستگیری و حبس‌های خودسرانه می‌شود. دولت‌ها باید از دستگیری و حبس تبعیض آمیز افراد، از جمله بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی، خودداری کنند.<sup>۵۲</sup>

چندین زن همجنس‌گرای ایرانی که مورد دستگیری قرار گرفته بودند ضمن مصاحبه با تیم سازمان آشکار جهانی، درباره موارد

.....  
۵۲. لطفاً مراجعه کنید به «سازمان ملل: تبعیض و خشونت بر علیه افراد بر اساس گرایش جنسی و هویت جنسیتی». گزارش دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل به شورای حقوق بشر سازمان ملل». ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۴:

[http://www.un.org/en/ga/search/view\\_doc.asp?symbol=A/HRC/29/23&referer=/english/&Lang=E](http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=A/HRC/29/23&referer=/english/&Lang=E) See CCPR/C/GC/35, paras. 3, 17, A/HRC/4/40/Add.1, opinion 22/2006, para. 19; A/HRC/22/44, para. 38.

مختلفی از نقض حقوق‌شان صحبت کردند. از تعرض و آزار گرفته تا شکنجه جسمی توسط پلیس.

یافته‌های این گزارش درباره دستگیری و حبس زنان همجنس‌گرا، و آزارهایی که در زمان حبس تجربه کرده بودند، همسو با دیگر گزارش‌هایی است که در این رابطه منتشر شده‌اند. به عنوان مثال مطابق با گزارشی که از طرف دیده‌بان حقوق بشر در سال ۱۳۸۸ (۲۰۱۰) منتشر شد، دگرباشان جنسی در ایران بطور پیوسته مورد تعرض و خشونت از طرف مسئولین حکومتی در زمان بازداشت و حبس قرار می‌گیرند. دیده‌بان حقوق بشر اعلام کرد که قوانین تبعیض آمیز دست نیروهای انتظامی و بسیجی‌ها در دستگیری و حبس خودسرانه افراد به دلیل گرایش جنسی‌شان باز گذاشته است.<sup>۵۳</sup> آمار قابل اعتمادی درباره شمار دستگیری‌های، حبس و شلاق دگرباشان ایرانی از جمله زنان همجنس‌گرا وجود ندارد، در ایران قربانیان اکثرا

---

۵۳. لطفاً مراجعه کنید به «ایران: تبعیض و خشونت بر علیه اقلیت‌های جنسی». ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۹:

<https://www.hrw.org/news/2010/12/15/iran-discrimination-and-violence-against-sexual-minorities> [accessed 26 October 2015].

از گزارش تجارب این‌چنینی خود بدلیل ترس و نگرش منفی اجتماع خودداری می‌کنند.

میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی هر گونه شکنجه و رفتار غیر انسانی را منع می‌کند، ماده ۷ و ۱۰. اگرچه ایران متعهد به این میثاق علیه شکنجه، تنبیه، رفتارهای تحقیرآمیز و غیر انسانی (کنوانسیون منع شکنجه) نیست، اما ممنوعیت شکنجه عمیقاً در قوانین بین‌المللی ریشه دارد. شکنجه همچنین در قانون ایران منع شده است.<sup>۵۴</sup> میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و میثاق علیه شکنجه با جزییات شرح می‌دهند که دولت‌ها باید چه کارهایی انجام دهند تا از وقوع شکنجه جلوگیری کنند، از جمله تحقیق، محاکمه و فراهم کردن درمان‌های موثر هنگامی که نقض این حقوق اتفاق می‌افتد.<sup>۵۵</sup> کمیته حقوق بشر سازمان ملل - دفتر ذی‌صلاح مسئول نظارت بر اجرای میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی - توضیح می‌دهد که وظیفه

---

۵۴. قانون اساسی ایران، ماده ۳۸

55. See footnote 14 in "We are a Buried Generation", Discrimination and Violence against Sexual Minorities in Iran, December 2010, available online at: <https://www.hrw.org/report/2010/12/15/we-are-buried-generation/discrimination-and-violence-against-sexual-minorities> [accessed 23 October 2015].

حمایت از مردم در مقابل شکنجه و رفتار غیر انسانی فقط منحصر به مسئولین دولتی، مانند پلیس، نمی‌شود، بلکه آزارهای وارده از سوی اشخاص حقیقی را نیز شامل می‌شود.<sup>۵۶</sup>

## دستگیری و حبس

با توجه به ممنوعیت روابط بین زنان همجنس‌گرا در ایران، احتمال دستگیری و مجازات (که شامل زندان و شلاق می‌شود) توسط مسئولین حکومتی، همچنان برای زنان همجنس‌گرا یک حقیقت است. مورد مریم یک مثال از محکومیت افراد بخاطر گرایش جنسی‌شان است.

**مریم الف.**، یک زن همجنس‌گرای اهل تهران، بالاچار در سن ۱۴ سالگی با پسرعموی خود که ۲۲ سال از او بزرگتر بود ازدواج کرده بود. از همان ابتدا مریم از نظر احساسی و جنسی تمایلی به شوهر خود نداشت. در نتیجه شوهرش به شدت از نظر کلامی و فیزیکی پرخاشگر شد، و حتی مریم را مجبور کرد تا با مراجعه به پزشک و

---

۵۶. لطفاً مراجعه کنید به پاورقی شماره ۱۵. «ما نسل دفن شده هستیم». تبعیض و خشونت علیه اقلیت‌های جنسی در ایران. آذر ۱۳۸۹:

<https://www.hrw.org/report/2010/12/15/we-are-buried-generation/discrimination-and-violence-against-sexual-minorities> [accessed 23 October 2015].



دریافت دارو «سردمزاجی‌اش» را درمان کند. مریم طی مصاحبه با سازمان گفت که داروها باعث افسردگی و مشکلات جسمی برای او شدند. نهایتاً بعد از سالها تحمل آزار، خشونت و تجاوز در چارچوب ازدواج، مریم موفق شد شوهرش را متقاعد کند او را طلاق دهد.

بعد از طلاق، مریم به خانه پدری خود بازگشت، و یک رابطه عاشقانه با دختری به اسم سارا را آغاز نمود. تحت فشار خانواده، ابتدا مریم مجبور شد از سارا فاصله بگیرد و فقط می‌توانست پنهانی با او ملاقات کند. سارا که دیوانه‌وار عاشق مریم بود، برای اینکه آزادانه و قانونی با مریم باشد حتی به فکر انجام عمل تطبیق جنسیت افتاد. این دو نهایتاً تصمیم گرفتند با هم فرار کنند و در یکی از شهرهای کوچک در شمال ایران زندگی کنند. همه چیز خوب بود تا یک شب همسایه‌ها با پلیس تماس گرفته بودند تا بخاطر صداهای بلندی که از خانه مریم و سارا بخاطر مهمانی آنها شنیده می‌شد شکایت کنند. پلیس به خانه آنها حمله و دستگیرشان کرد.

پلیس آنها را جداگانه به مدت چندین روز در حبس نگه داشتند و در طی بازجویی متوجه شدند که مدت زیادی است این دو با هم زندگی

می‌کنند، چیزی که معمولا در بین زنان در ایران رایج نیست. پلیس به آنها فشار آورد که به نوع رابطه بین‌شان اعتراف کنند. تحت فشار پلیس و بدون اینکه به وکیل دسترسی داشته باشند تا از حقوق خود مطلع باشند، مریم و سارا به داشتن یک رابطه عاشقانه و جنسی اعتراف کردند.

با توجه به اعترافی که تحت فشار از آنها گرفته شده بود، مریم و سارا در دادگاهی که فقط ۳۰ دقیقه به طول انجامیده بود، به ۱۰۰ ضربه شلاق و زندان محکوم شدند. مریم به ما گفت که در اولین روز از حبس‌شان، او و سارا شلاق خورده بودند. مریم در هنگام شلاق خوردن بی‌هوش شده بود، و سارا برای مدت دو هفته مریض شده بود. هر دو آنها از فشار روانی شدید و مشکلات فیزیکی جدی به دلیل شلاق خوردن رنج می‌کشیدند.

مریم و سارا مطلع نبودند که تحت قوانین مجازات اسلامی مجازات مساحقه اعدام نیست، در نتیجه منتظر بودند که به زودی اعدام شوند. مریم به ما گفت حتی وکیلی که بعد از محاکمه‌شان استخدام کرده بودند، مدام از احتمال اعدام شدن‌شان صحبت می‌کرده است.

به باور مریم وکیل فوق سعی داشته از این طریق پول بیشتری از آنها دریافت بکند.

مریم ده ماه را در زندان گذراند بدون اینکه بداند چه سرنوشتی در انتظارش است. در طی این مدت، پیوسته هراس داشت که قرار است اعدام بشود، ضمن اینکه از طرف هم‌زندانی‌ها و حتی زندان‌بانان خود، که از گرایش جنسی‌اش آگاه شده بودند، مورد آزار و اذیت همجنس‌گراهراسانه قرار گرفت<sup>۵۷</sup>. بعد از گذشت ۱۰ ماه در زندان، به مریم گفته شد که باید یک بار دیگر در دادگاه محاکمه شود.

در روز محاکمه، پدر و پدربزرگ مریم در ساختمان دادگاه حضور داشتند و سعی کردند به او حمله کرده و کتک‌اش بزنند. در حالی که مریم سعی

---

۵۷. تحت ماده ۷ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی ICCPR، و در راستای ممنوعیت شکنجه در قوانین بین‌المللی، ایران موظف است از انجام هر گونه شکنجه، تحقیر افراد، و رفتار غیرانسانی خودداری کند، و همچنین از زندانیان در این رابطه حمایت نماید. همچنین قانونی اساسی ایران شکنجه را منع می‌کند (ماده ۳۹)، و تحقیر و رفتار غیرانسانی با زندانیان را ممنوع اعلام می‌کند (ماده ۳۹). همچنین ماده ۲۴ (ج) از آیین نامه سازمان زندان‌ها قوانین مراکز تادیب در ایران، از ریاست این مراکز می‌خواهد که رفتار با زندانیان توسط زندان‌بانان را تحت نظر داشته باشد. لطفاً مراجعه کنید به:

داشت خودش را از دست پدر و پدربزرگش برهاند، صدایی را شنید که می‌گفت، «آقا این دختر شماست؟ او باید بمیرد».

با توجه به مدت زمانی که در زندان سپری کرده بود، دادگاه تصمیم گرفت مریم را همان روز آزاد کند. اما مریم که به تازگی مورد خشونت فیزیکی قرار گرفته بود، شلاق خورده بود، کتک خورده بود، و به اجبار از او اعتراف گرفته بودند، در محیط بیرون احساس امنیت نمی‌کرد. در حالی که هنوز دمپایی‌های زندان را به پا داشت، سوار اولین تاکسی که از جلوی او عبور کرد شد و مستقیم به تهران رفت. مدت کوتاهی پس از آن هم توانست از ایران به مقصد ترکیه فرار کرده و نزد کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) درخواست پناهندگی دهد.<sup>۵۸</sup>

**آزاده**، یک دختر همجنس‌گرای جوان از شهری در شمال ایران، همچنین مورد شکنجه و آزار قرار گرفته است. او توسط ماموران وزارت اطلاعات بازداشت شده و پس از آنکه ماموران نسبت به گرایش جنسی او آگاه شدند، مجبورش کردند تحت تعلیمات «تغییر

۵۸. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ (۱۴ جون ۲۰۱۳)

گرایش جنسی» قرار بگیرد. آزاده در یک خانواده مذهبی بزرگ شده و اگرچه آزاده یک فرد معتقد بود، اما بخاطر فعالیت‌هایش در زمینه آموزش عمومی در رابطه با حقوق دگرباشان جنسی، تحت فشار زیادی، از جمله تهدید و ارعاب، قرار گرفته بود.

این فعالیت‌ها نهایتاً باعث دستگیری او شدند. شرح دستگیری‌اش به این قرار است:

دختری که با من خصومت شخصی داشت درباره گرایش جنسی من به پدرم خبر داد. پدرم مرا به یکی از دفاتر وزارت اطلاعات تحویل داد. مامورین در تحقیقی که به عمل آوردند برخی مقالات و داستان‌های کوتاهی که نوشته بودم را پیدا کردند. یکی از داستان‌هایی که بر علیه من استفاده شده، داستان دو سرباز همجنس‌گرا بود که در طی جنگ ایران و عراق کشته شده بودند. من سعی کردم این اتهامات را رد کرده و گفتم که آن داستان‌ها توسط یکی از دوستان من نوشته شده بود. ماموران به پدر من گفته بودن که باید تحت تعلیمات «تغییر گرایش جنسی» قرار بگیرم. من تنها سه روز

در آن کلاس‌ها شرکت کردم و نهایتاً موفق شدم خودم را از آنجا خلاص کنم. معمولاً وقتی کسی تحت این تعلیمات قرار بگیرد نمی‌تواند به سادگی خلاص شود، اما من خوش‌شانس بودم که پدرم مداخله کرد و توانست من را از آنجا خارج کند.

آزاده در مصاحبه خود با سازمان آشکار جهانی آزار و اذیت‌هایی که تحت این «تعلیمات» تحمل کرده بوده را اینگونه شرح می‌دهد:

در طی سه روزی که مجبور شدم در این کلاسها شرکت کنم، من را شکنجه دادند. قبل از اینکه در این کلاسها شرکت کنم، پدرم مجبورم کرد که آزمایش بکارت بدهم، و نتیجه را در اختیار مقامات قرار داد. این تعلیمات در یک خانه ویلایی خارج از شهر صورت می‌گرفت. در طول این سه روز، باید با ۴۰ نفر دیگر در یک اتاق سر می‌کردم، بدون اینکه بتوانم با آنها صحبت بکنم، غیر از وقتی که نفر کناری من گفت «واقعاً جای سوختگی‌ها می‌سوزد».

بازجویی‌ها در اتاق‌های جداگانه انجام می‌شد، ... بازجوها مرا با ریختن آب جوش روی بدنم شکنجه می‌کردند و کتکم می‌زدند،

مخصوصاً به سرم می‌کوبیدند. بیشتر از شکنجه جسمانی، من تحت شکنجه کلامی قرار گرفتم. آنها مرتب به من می‌گفتند «ک.ک.س لیس». آنها همچنین به پدر و مادر من توهین می‌کردند ... من هرگز کلمه «همجنس‌گرایی» را بطور مستقیم در نوشته‌هایم استفاده نکرده بودم، اما آنها می‌خواستند از آن نوشته‌ها استفاده کنند تا مرا مجبور به اعتراف بکنند که همجنس‌گرا هستم. من منکر همه چیز می‌شدم. دو یا سه آخوند شیعه در اتاق بازجویی حضور داشتند که برای ما موعظه می‌کردند، اما در زمانی که ما تحت شکنجه بودیم سکوت می‌کردند. در طی آن سه روز، آنچنان من را بهم ریخته بودند، که نمی‌دانستم چند روز و شب گذشته بود. به نظر می‌رسید که چهار ماه گذشته است. روی بازوی دستم بعد از اینکه آب جوش ریختند دچار عفونت شدم. بازجویان می‌دانستند که جای سوختگی روی بازوی من خواهد ماند، برای همین یک دکتر آوردند که مرا معاینه کند. نهایتاً پدرم توانست من را از آنجا آزاد کند.<sup>۵۹</sup>

---

۵۹. مصاحبه از طریق اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۲ آذر ۱۳۹۳ (۱۳ دسامبر ۲۰۱۴)

# آزار و اذیت‌ها در نظام درمانی

با توجه به اطلاعات ناکافی ایرانی‌های در رابطه با گرایش جنسی و مسائلی که دگرباشان جنسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، همچنین نگرش منفی که در اجتماع نسبت به همجنس‌گرایی وجود دارد، بسیاری از زنان همجنس‌گرا در ایران توسط خانواده‌هایشان به سمت مراجعه به روانپزشک و «درمان شدن» سوق داده می‌شوند.

نگرش غالب بین متخصصان در ایران این است که همجنس‌گرایی یک بیماری روانی-جنسی است<sup>۶۰</sup>. این نگرش مدام در مراکز آموزشی از جمله دانشگاه‌ها ترویج داده می‌شود، که مکملی است برای برخورد مقامات حکومتی در رابطه با همجنس‌گرایی به عنوان یک معضلی که باید حل شود، و اینکه رفتار همجنس‌گرایانه برخلاف قوانین دینی

---

60. "Iran Rights Official Calls Homosexuality 'Disease'" Radio Free Europe, 7 January 2012, available at: [http://www.rferl.org/content/iran\\_rights\\_official\\_calls\\_homosexuality\\_disease/24444986.html](http://www.rferl.org/content/iran_rights_official_calls_homosexuality_disease/24444986.html) [accessed 23 September 2015]



هستند و باید مورد مجازات قرار بگیرند<sup>۶۱</sup>. از سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳)، انجمن روانشناسی آمریکا (American Psychological Association, APA)، راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی (DSM) را مورد بازنگری قرار داد، و همجنس‌گرایی دیگر به عنوان یک اختلال محسوب نمی‌شد<sup>۶۲</sup>.

مطابق با اخلاقیات پذیرفته شده در پزشکی، متخصصان این حوزه، قانونا و اخلاقا موظف هستند با بیماران خود به عنوان افراد مستقل رفتار کرده و از آسیب رساندن به آنها خودداری کنند. آنها همچنین موظف هستند که قدم‌های مثبتی در جهت کمک به بهزیستی عمومی بیماران خود بردارند<sup>۶۳</sup>. در جامعه‌ای مانند ایران، که دانش جامعه نسبت

---

۶۱. برای مثال نگاه کنید به "همجنس‌گرایی، علل، و درمان‌ها"، روی وبسایت رسمی دانشگاه پزشکی کرمانشاه:

<http://dalahoo.kums.ac.ir/fa/article/198> [accessed 23 October 2015] and "Successful treatment of homosexuality through cognitive behavioral therapy", published by the Iranian Journal of Forensic Science, Winter 2006, summary of which is available in Persian at: <http://ecc.isc.gov.ir/showJournal/186/4238/43234> [accessed 23 October 2015]

62. "Out of DSM: Depathologizing Homosexuality," Drescher, J., Behavioral Sciences, December 2015, available online at: <http://www.mdpi.com/2076-328X/5/4/565/> htm [accessed 18 March 2016]

63. "Good Medical Practice", General Medical Council, 2013, available at: [http://www.gmc-uk.org/guidance/good\\_medical\\_practice.asp](http://www.gmc-uk.org/guidance/good_medical_practice.asp) [accessed 23 September 2015]

به گرایش‌های جنسی به شدت محدود است، و اطلاعات اشتباه رواج دارند، متخصصان حوزه پزشکی، از جمله روانپزشکان و روانشناسان، می‌توانند نقش مهمی در فراهم کردن حمایت‌های ضروری روانشناسی احساسی ایفا کنند - حمایت‌هایی که به ایشان کمک کند با چالش‌ها و فشارهایی که تجربه می‌کنند از جمله احساس گناه و سرزنش کردن خود، ازدواج‌های اجباری و تمایل به انجام عمل تطبیق جنسیت مقابله کنند. همچنین تشخیص اشتباه و پیشنهادات اشتباه پزشکی، می‌توانند تأثیرات مخرب طولانی مدت روی زندگی زنان همجنس‌گرا، که به شدت آسیب‌پذیر هستند، داشته باشند<sup>۶۴</sup>.

معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی همچون میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی و میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که ایران نیز آنها را تصویب کرده است، حق برخورداری از حریم خصوصی برای همگان، از جمله بیماران، را به علاوه حق صدور

---

۶۴. یکی از رایج‌ترین “درمان‌های” همجنس‌گرایی در ایران، شوک درمانی (ECT) است. البته این روش معمولاً برای مردهای همجنس‌گرا استفاده می‌شود. برای مثال مراجعه کنید به سوالات و جوابها در خصوص همجنس‌گرایی روی وبسایت “پزشک ایران”:

اجازه و یا خودداری از دریافت درمان‌های پیشنهاد شده<sup>۶۵</sup>، به رسمیت می‌شناسد. کمیته سازمان ملل در رابطه با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نظر عمومی شماره ۱۴، بطور مشخص مطابق با ماده مرتبط با این زمینه در میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی، که ایران نیز تصویب کرده است، اعلام می‌کند: «هر گونه تبعیضی در دسترسی به درمان پزشکی، از جمله ابزار و دسترسی به خدمات، بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، دین، نگرش سیاسی، عقاید، منطقه جغرافیایی زندگی، دارایی، تولد، ناتوانی جسمی و ذهنی، بیماری (از جمله ایدز)، گرایش جنسی و یا وضعیت‌های دیگر اجتماعی، سیاسی، مدنی، باعث نقض حق دسترسی برابر به خدمات درمانی می‌شود»<sup>۶۶</sup>.

در دی‌ماه ۱۳۹۴ (ژانویه ۲۰۱۶)، کمیته حقوق کودک سازمان ملل، طی سومین و چهارمین گزارشهای دوره‌ای خود درباره ایران، ابراز

---

65. Report of the UN Special Rapporteur on the right of everyone to the enjoyment of the highest attainable standard of physical and mental health UN Doc A/64/272 (10 August 2009) para 28.

۶۶ لطفاً مراجعه کنید به نظر عمومی ۱۴ : حق برخورداری از بهترین خدمات درمانی در دسترس، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، جلسه بیست و دوم، E/C.12/2000/4. ۲۱ مرداد ۱۳۷۹:

<https://www.hrw.org/report/2010/12/15/we-are-buried-generation/discrimination-and-violence-against-sexual-minorities> [accessed 23 October 2015].

نگرانی کرد که در ایران «کودکان دگرباش جنسی مورد شوک درمانی، هورمون درمانی، و داروهای قوی با هدف «درمان آنها»<sup>۶۷</sup> قرار می‌گیرند.» این کمیته از مسئولین ایرانی خواست «اطمینان حاصل کنند که کودکان دگرباش جنسی در معرض این رفتارهای بی‌رحمانه و تحقیرآمیز مانند شوک درمانی، هورمون درمانی و داروهای قوی روانپزشکی قرار نگیرند و کسانی که مبادرت به این کارها می‌کنند باید پاسخگو باشند»<sup>۶۸</sup>.

بر اساس اعلامیه جهانی سازمان‌های پزشکی ژنو (World Medical Organization's Declaration of Geneva)، و نظام‌نامه بین‌المللی اخلاق پزشکی (International Code of Medical Ethics)، پزشکان و متخصصان همچنین موظف به حفظ اطلاعات محرمانه مراجعین خود هستند<sup>۶۹</sup>.

---

۶۷. لطفاً مراجعه کنید به نتیجه سومین و چهارمین گزارش‌های دوره‌ای بررسی جمهوری اسلامی ایران (CRC/C/IRN/CO/3-4). پاراگراف ۵۳.

۶۸. نتیجه سومین و چهارمین گزارش‌های بررسی جمهوری اسلامی ایران:

۶۹. لطفاً مراجعه کنید به «محرمانه بودن مسائل بیمار: حریم خصوصی و سلامت عمومی». برگ، جی. ۲۰ مرداد ۱۳۹۰:

<http://www.thedoctorwillseeyounow.com/content/bioethics/art3401.html> [accessed 23 September 2015].

همچنین از اعضا جامعه پزشکی ایران انتظار می‌رود که بر اساس سوگندی که یاد کرده‌اند (سوگند بقراط)، نسبت به حفظ اطلاعات محرمانه، و سلامت بیماران متعهد باشند.<sup>۷۰</sup> اما تحقیقات سازمان اقدام آشکار جهانی فاش ساخت که بسیاری از متخصصان حوزه پزشکی این حقوق بیماران خود را نقض می‌کنند. اغلب بدین صورت که پزشکان اطلاعات محرمانه مربوط به زندگی خصوصی مراجعین خود، از جمله گرایش جنسی آنها را نزد خانواده‌هایشان برملا می‌سازند و به اعتماد آنها خیانت می‌کنند. در نتیجه این خیانت پزشکان، فشار وارده بر این مراجعین، انزوای آنها، و در مواردی خشونت‌های خانوادگی افزایش پیدا می‌کنند.

## تجویز دارو برای «درمان» همجنس‌گرایی

مداخله پزشکان در زندگی زنان همجنس‌گرا همیشه به نتایج مثبت ختم نمی‌شود. در طی این تحقیق مشخص شد که در بسیاری از

---

۷۰. ترجمه فارسی سوگند بقراط را در لینک زیر پیدا کنید:

[http://dentistry-school.kums.ac.ir/kums\\_content/media/image/2013/11/35954\\_orig.pdf](http://dentistry-school.kums.ac.ir/kums_content/media/image/2013/11/35954_orig.pdf) [accessed 23 September 2015].

موارد متخصصان حوزه پزشکی بدون آنکه از پیچیدگی وضعیت همجنس‌گراها مطلع باشند، بطور غیر ضروری، زندگی آنها را در معرض خطر قرار می‌دهند. همچنین این تحقیق مشخص ساخت که عدم آگاهی این متخصصان باعث ارائه پیشنهادات اشتباه به مراجعین دگرباش خود می‌شود که در نتیجه باعث افزایش احساس گناه و افسردگی در زندگی زنان همجنس‌گرا می‌شود. برخی از مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق اعلام کردند که پزشکان سعی داشته‌اند با تجویز داروهای خواب‌آور همچون دیازپام (والیوم)<sup>۷۱</sup>، یا توصیه عمل تطبیق جنسیت به عنوان یک راه حل به مداوای آنها بپردازند.

**بهاره**، یک دختر همجنس‌گرای ۲۱ ساله اهل اهر، به ما درباره تجربه‌اش هنگام ملاقات با یک روانپزشک گفت: «والدین من بالاخره مرا برای ملاقات با یک روانپزشک، که قبلاً داروهای روان‌درمانی برای من تجویز کرده بود، بردند. هر بار که برای دیدار با او می‌رفتم

---

۷۱. دیازپام دارویی است که برای کنترل اضطراب تجویز می‌شود. برای اطلاعات بیشتر لطفاً مراجعه کنید به:

<http://www.webmd.com/bipolar-disorder/bipolar-disorder-lithium> [accessed 23 September 2015].

با لحن تحقیرآمیز از من می‌پرسید آیا هنوز با همان دختر دیوانه رابطه دارم، منظورش الهام دوست دخترم بود<sup>۷۲</sup>»

**ناهید**، یک دختر همجنس‌گرای ۲۷ ساله از تهران، درباره اولین ملاقاتش با یک روانشناس گفت:

نامزدی که برای من انتخاب شده بود مجبورم کرد با این دکتر ملاقات کنم. به دکتر گفتم که عاشق یکی از دخترهای همسایه‌مان هستم. او برای من لیتیوم تجویز کرد، دارویی که (برای افراد دو قطبی) برای کاهش شدت دوره‌های شیدایی تجویز می‌شود، اما من دچار شیدایی نبودم<sup>۷۳</sup>.

**روشنک**، دوست دختر ناهید، طی مصاحبه گفت که دکتر بمنظور «درمان» همجنس‌گرایی او برایش لیتیوم تجویز کرده بود.

---

۷۲. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)

۷۳. لیتیوم برای کاهش خطر خودکشی و اختلال دوقطبی تجویز می‌شود، همچنین کاهش علائم شیدایی. برای اطلاعات بیشتر لطفاً مراجعه کنید به:

<http://www.webmd.com/bipolar-disorder/bipolar-disorder-lithium> [accessed 23 September 2015].

یکی از روانپزشکان از من پرسید رشته من در دانشگاه چیست. وقتی گفتم روانشناسی، به من خندید و گفت «الان میخوای نقش دکتر را با من بازی کنی؟» وقتی به او گفتم که لیتیوم اثرات جانبی جدی دارد، او مجدداً مرا مسخره کرد و گفت: «تو مدرکت را از طریق گذراندن واحدها در یک دانشگاه مکاتبه‌ای گرفته‌ای، اما من مدرکم از دانشگاه‌های واقعی از انگلیس و آلمان گرفته‌ام»<sup>۷۴</sup>

**الهام**، یک دختر دیگر همجنس‌گرای ایرانی، به ما گفت زمانی که سعی داشته با همجنس‌گرایی خودش مقابله بکند تا حدی افسرده شده بوده که والدینش او را در بیمارستان روانی بستری کرده بودند، و در آنجا مدام مورد توهین و آزار و اذیت قرار گرفته بود:

والدین من مرا به بیمارستان روانی بردند تا حالم بهتر شود. من بیشتر اوقات خوابیده بودم برای اینکه داروهای زیادی مصرف می‌کردم. دکترها داشتند سعی می‌کردند با دارو همجنس‌گرایی مرا درمان کنند. آنها زنان و دختران را کنار تخت من می‌آوردند و می‌پرسیدند کدامیک را بیشتر دوست دارم (می‌خواستند

---

۷۴. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۵ آبان ۱۳۹۳ (۶ نوامبر ۲۰۱۴)



بفهمند هنوز همجنس‌گرا هستم یا نه). من به حدی تحت تاثیر دارو بودم که نمی‌فهمیدم چه می‌گذرد. فقط می‌خواستم یک جوابی به آنها داده باشم که مرا به حال خودم بگذارند.<sup>۷۵</sup>»

## تشویق به انجام عمل تطبیق جنسیت

برخی اوقات دکترهای ایران زنان همجنس‌گرا را تشویق و یا حتی تحت فشار قرار می‌دهند که تحت عمل جراحی تطبیق جنسیت قرار بگیرند، و در نتیجه هویت جنسیت یا خصوصیات جنسی‌شان را تغییر دهند.<sup>۷۶</sup> دلیل این کار این است که گرچه مطابق با قانون ایران، همجنس‌گرایی جرم به حساب می‌آید، اما قانون برای افراد ترنس، که بطور رسمی تشخیص داده شده باشد دچار «اختلال هویت جنسیتی» (عبارتی که همچنان توسط برخی از دکترها در ایران استفاده می‌شود) هستند، اجازه عمل تطبیق جنس را صادر می‌کند.

---

۷۵. مصاحبه در ترکیه با سازمان آشکار جهانی، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)

۷۶. «مردان همجنس‌گرا مجبور به تغییر جنسیت می‌شوند»، همدانی، الف:.

هویت جنسیتی و گرایش جنسی اساساً متفاوت هستند. اولی مربوط به احساسات عمیق یک فرد نسبت به جنسیت خودش است، و در صورتی که اجازه داشته باشند آزادانه تصمیم بگیرند، ممکن است بخواهد بدن خود را از طریق جراحی یا روشهای دیگر طوری تغییر بدهند که مطابق با جنسیتی باشد که خود را متعلق به آن می‌دانند. اما دومی مربوط به احساسات عاطفی و جاذبه جنسی فرد به افراد دیگر است.

اجبار افراد، از جمله زنان همجنس‌گرا، به انجام هر نوع درمانی مشکل‌ساز است، اما اجبار آنها به انجام عمل تطبیق جنسیت بدون اینکه در این رابطه رضایت آگاهانه اخذ شده باشد، می‌تواند تأثیرات بسیار مخربی داشته باشد، و به عنوان شکنجه به حساب می‌آید. در سال ۲۰۱۳، گزارشگر ویژه سازمان ملل در رابطه با شکنجه، خوان مندز (Juan Mendez) گفت: «درمان‌های غیر قابل برگشت، هنگامی که واقعا با هدف درمان صورت نگرفته نباشد، شکنجه و آزار به حساب

می‌آید، مخصوصاً وقتی که به فرد اجبار شده باشد، بدون اینکه رضایت آگاهانه فرد مد نظر قرار گرفته شده باشد»<sup>۷۷</sup>.

**الناز**، یک دختر همجنس‌گرای ۲۳ ساله از استان شیراز، طی مصاحبه گفت که هنگام ملاقات با یک روانشناس به او گفته شده: «چیزی که تو واقعاً می‌خواهی این است که مرد باشی و روابط دگرجنس‌گرایانه داشته باشی». الناز عصبانی شده بود و گفته بود هرگز چنین کاری را نخواهد کرد<sup>۷۸</sup>.

**سارا**، دختر ۳۱ ساله همجنس‌گرای شیرازی، تجربه مشابهی داشت: «در شیراز به یک روانشناس مراجعه کردم. او اصرار داشت که من یک ترنس هستم با ۹۹ درصد ویژگیهای مردانه، و باید از طرق عمل

---

۷۷. لطفاً مراجعه کنید به «گزارش، گزارشگر ویژه شکنجه، تنبیه و دیگر رفتارهای تحققی رآمیز، غیر انسانی و ب‌یرحمانه». مندرج، جی. ۱۳ بهمن ۱۳۹۱:

[http://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/RegularSession/Session22/A.HRC.22.53\\_English.pdf](http://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/RegularSession/Session22/A.HRC.22.53_English.pdf) [accessed 26 October 2015]

۷۸. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۳ (۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)

جراحی درمان بشوم. به من گفت که همجنس‌گرا بودن گناه است و باید عمل (تطبیق جنسیت) را انجام بدهم»<sup>۷۹</sup>.

رویا، دختر ۲۲ ساله همجنس‌گرا اهل اهواز به سازمان اقدام آشکار جهانی گفت در سن ۱۷ سالگی پس از شکست عشقی در یک رابطه با دختری، توصیه‌های پزشکی اشتباهی درباره هویت جنسیتی‌اش دریافت کرده بوده. عمومی او که همچنین دکتر بوده، تشویقش می‌کند که با یک پزشک مشورت بکند. در این ملاقات دکتر به او می‌گوید که هنوز زود است درباره وضعیت‌اش بعنوان یک تراجنسی به اون چیزی بگوید، اما در اولین قدم باید نزد یک متخصص رفته و آزمایش غدد لنفاوی را انجام دهد. در بیمارستان، اورولوژیست به او می‌گوید ترنس است و باید هورمون درمانی انجام بدهد. سپس او را برای معاینه بیشتر به پزشکی قانونی ارجاع می‌دهد. پزشکی قانونی یک سازمان پزشکی مستقل است که با قوه قضاییه در ارتباط بوده و تنها

---

۷۹. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۳ (۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)

مرجعی است که می‌تواند مجوز انجام عمل تطبیق جنسیت را صادر کند.<sup>۸۰</sup> رویا به سازمان آشکار جهانی گفت:

من نمیتوانم آن ارولوژیست که سعی کرد مرا متقاعد کند مرد هستم را ببخشم. بعد از تنها یک آزمایش، نتیجه‌گیری کرد که من مرد ترنس هستم و باید فوراً هورمون درمانی را شروع بکنم. به محض اینکه وارد دفتر او شدم، او با من اینطوری احوالپرسی کرد «سلام مراجع ترنس عزیزم». من در آن زمان فقط ۱۷ سالم بود و بسیار آسیب‌پذیر بودم (برای مدیریت چنین شرایطی)، مخصوصاً بعد از شکست عشقی که تجربه کرده بودم.<sup>۸۱</sup>

---

۸۰. برای آشنایی بیشتر با وظایف و اختیارات سازمان پزشک قانونی، لطفاً به سایت رسمی این سازمان مراجعه کنید:

<http://www.lmo.ir>

۸۱. مصاحبه از طریق اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی در ترکیه، ۱ دی ۱۳۹۳ (۲۲ دسامبر ۲۰۱۴)

رویا با روانشناس دیگری مشورت کرد که باور نداشت او یک تراجنسی است و متقاعدش کرد نیازی به انجام عمل جراحی نیست. رویا تعریف کرد:

او مرا مورد معاینه قرار داد اما فکر نمی کرد که من ترنس هستم، اما او اشاره ای هم به همجنس گرا بودن من نکرد. من هم موضوع را با او در میان نگذاشتم، زیرا می ترسیدم که رابطه ام با دوست دخترم فاش بشود. او مشاور خوبی بود و مرا به جلسات گروه درمانی معرفی کرد، در آنجا شرکت کنندگان مشکلات مختلفی که داشتند را با هم در میان می گذاشتند.<sup>۸۲</sup>

## جامعه پزشکی متصدیان تغییرات مثبت

برخی از زنان همجنس گرایی که مصاحبه شدند بیان کردند در فضایی که روابط همجنس گرایی جرم انگاری و بحث آزاد در این رابطه سرکوب شده است، گرچه چندین بار والدین شان سعی در شناخت هویت

---

۸۲. مصاحبه از طریق اسکایپ با سازمان آشکار اقدام جهانی در ترکیه، ۱ دی ۱۳۹۳ (۲۲ دسامبر ۲۰۱۴)

جنسی ایشان داشتند، اما موفق نشدند. بسیاری از این والدین این تصور را داشتند که فرزندانشان بیمار بوده و نیاز به کمک‌های پزشکی و روانپزشکی دارند. در برخی از این شرایط، متخصصان بهداشت و درمان راهنمایی‌های لازم برای مقابله و مدیریت چالش‌های پیش‌روی زنان همجنس‌گرا و خانواده‌هایشان را در اختیار ایشان قرار دادند. در چنین مواردی شرایط برای پذیرش همجنس‌گرایی از طرف خود فرد و خانواده فراهم شد.

**ناهید**، دختر همجنس‌گرای ۲۷ ساله از تهران، تعریف کرد زمانی که به نامزدش درباره همجنس‌گرایی‌اش گفته است، نامزدش با خشونت با او برخورد کرده و نهایتاً وادارش کرده برای ارزیابی ذهنی‌اش با یک روانشناس ملاقات کند. روانشناس بطور حرفه‌ای برخورد کرده و به نامزد ناهید گفته است: «ناهید یک همجنس‌گراست و بنابراین نمی‌توانید ازدواج کنید»<sup>۸۳</sup>. نامزد ناهید برخلاف میل‌اش نظر روانشناس درباره همجنس‌گرا بودن نامزدش را پذیرفت، اما اصرار کرد که او عاشق ناهید است و نمی‌خواهد ناهید با زنان دیگر رابطه داشته باشد.

---

۸۳. مصاحبه با سازمان اقدام آشکار جهانی در ترکیه، ۱۵ آبان ۱۳۹۳ (۶ نوامبر ۲۰۱۴)

سارا، دختر ۲۲ ساله همجنس‌گرا اهل تبریز تا حدی از رفتار و عدم درک خانواده‌اش نسبت به همجنس‌گرایی خودش ناراحت و افسرده بود که تلاش کرد به زندگی‌اش خاتمه بدهد و در نتیجه در بیمارستان بستری شد. دکتر سارا، بعد از موافقت خود سارا، طی چندین جلسه با خانواده سارا صحبت کرد و وضعیت او را برایشان توضیح داد. سارا به ما گفت که در آخرین جلسه مشاوره، دکترش از کلمه همجنس‌گرا برای توصیف وضعیت سارا استفاده کرده و او را به عنوان یک بیمار خطاب نکرده. علی‌رغم ناامیدی سارا نسبت به برخورد منفی خانواده‌اش، در نهایت خانواده‌اش از او حمایت کرده بودند.<sup>۸۴</sup>

ماری، دختر ۳۳ ساله همجنس‌گرا اهل تهران نیز خاطره خوبی از مشاوره با روانپزشک‌اش به یاد دارد. به ما گفت به باور او این جلسه مشاوره تاثیر مثبتی در شناخت او از خودش داشته و به او اجازه داده که از یک زندگی سالم و طبیعی برخوردار باشد:

بعد از یک سری تحقیقات، مطب دکتر را پیدا کردم. با پولهایی که برای عیدی دریافت کرده بودم هزینه مشاوره‌ها را پرداخت

---

۸۴. مصاحبه با سازمان اقدام آشکار جهانی در ترکیه، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)



کردم. بعد از دو جلسه مشاوره، وضعیت مرا تشخیص داد و حتی به من کمک کرد که با دختران همجنس‌گرای دیگر آشنا بشوم. او بسیار مرا کمک کرد. بعد از چندین ماه مشاوره، من بالاخره با خودم کنار آمدم و گرایش جنسی خود را پذیرفتم. یکی از تصمیماتی که گرفتم این بود که برای دانشگاه ثبت نام کنم و هنر بخوانم.<sup>۸۵</sup>

**آدلر**، دختر ۲۳ ساله همجنس‌گرا اهل اهر، درباره دکتری در تبریز به ما گفت که نقش مثبتی را در برقراری آرامش و پذیرش برای خودش و خانواده‌اش ایفا کرده بود:

دکتر از من درباره مشکل‌ام پرسید. من اضطراب زیادی داشتم. همراه خانواده‌ام به تازگی به تبریز نقل مکان کرده بودیم. به او گفتم که همجنس‌گرا هستم و اگر می‌خواهد می‌تواند با پلیس تماس بگیرد تا مرا دستگیر و اعدام کنند. خیلی تعجب کردم وقتی به من گفت که مشکلی با همجنس‌گرا بودن من ندارد، و در صورتی که من بخوام خوشحال خواهد شد که

---

۸۵. مصاحبه با سازمان اقدام آشکار جهانی در ترکیه، ۱۸ آبان ۱۳۹۳ (۹ نوامبر ۲۰۱۴)

در این رابطه با خانواده‌ام هم صحبت کند. من در این باره مطمئن نبودم و تردید داشتم. اما نهایتاً با خودم فکر کردم چرا که نه. دکتر طی چندین جلسه با خانواده من صحبت کرد و به تدریج به آنها درباره همجنس‌گرایی من گفت. او در زمینه گرایش جنسی اطلاعات زیادی داشت و به هیچ وجه همجنس‌گرایی را یک بیماری نمی‌دانست. در جلسات آخر مشاوره از واژه همجنس‌گرا برای توصیف وضعیت من استفاده می‌کرد. نحوه برخورد او بسیار سازنده بود. در پاسخ، مادرم از من خواست به او در شناخت بهتر همجنس‌گرایی کمک بکنم، اما پدرم قلباً کمتر تمایل داشت که گرایش جنسی مرا بپذیرد.<sup>۸۶</sup>

---

۸۶. مصاحبه با اقدام آشکار جهانی در ترکیه، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)

# آزارهای بخش‌های دیگر

بسیاری از زنان همجنس‌گرایی که با آنها مصاحبه شده بود گفتند که علاوه بر چالش‌ها و آزارهای وارده بر آنها از سوی مسئولان دولتی و متخصصان بهداشت درمان به دلیل قوانین کشور، همچنین آنها فشار اجتماعی زیادی را از سوی مردم، از جمله انزوا در محیط کار و مدرسه تا خشونت‌های خانوادگی و اجتماعی تحمل کردند.

تلفیق قوانین ضد همجنس‌گرایی و رفتار ضد همجنس‌گرایانه مسئولان دولتی، تقریباً باعث شده که در صورت اعمال خشونت و تبعیض بر علیه زنان همجنس‌گرا از سوی خانواده یا مردم، ایشان قادر نباشند از طریق شکایت قانونی از خودشان حمایت بکنند. علاوه بر این، قوانین و رفتارهای تبعیض‌آمیز بر علیه کسانی که همجنس‌گرا تلقی می‌شوند، همچنین تبلیغات منفی دولت بر علیه همجنس‌گرایی، باعث تشویق اعمال خشونت‌آمیز از سوی خانواده و اجتماع بر علیه

مردان و زنان همجنس‌گرا، که به عنوان «مجرم» و «بیمار» معرفی می‌شوند، می‌گردند.<sup>۸۷</sup>

این آزارهای اجتماعی معمولاً از سنین پایین شروع و در سرتاسر عمر زنان همجنس‌گرا ادامه می‌یابند. بسیاری از زنان همجنس‌گرایی که دسترسی‌شان به قانون محدود بوده و یا اصلاً دسترسی نداشتند، بیان کردند که آزارهای اجتماعی در مقایسه با آزارهای وارده از طرف دولت، به شدت آسیب‌رسان‌تر و مخرب‌تر بودند. اما سازمان اقدام آشکار جهانی، طی تحقیق خود متوجه شد که دلیل وجود آزارهای اجتماعی و تشدید آنها، جرم‌انگاری روابط همجنس‌گرایانه از طرف دولت و ناتوانی مراجع ذی‌ربط در محافظت از قربانیان و فراهم کردن درمان و راه‌کارهای مناسب برای آنان است.

بند ۹ از میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی، که ایران از جمله کشورهای متعهد به آن است، اعلام می‌کند «همگان حق آزادی

---

۸۷ لطفاً مراجعه کنید به «سرزمین بی‌رحم، جایی که مجازات همجنس‌گرایی مرگ است».  
پنکث، آ. ۱۸ اسفند ۱۳۸۶:

<http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/brutal-land-where-homosexuality-is-punishable-by-death-792057.html> [accessed 23 September 2015].

و امنیت دارند»<sup>۸۸</sup>. بند ۳ از اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز با بیان مشابهی می‌گوید «همگان حق زندگی، آزادی و امنیت دارند»<sup>۸۹</sup>. این مواد کشورها را متعهد می‌سازند که نسبت به خطراتی که شهروندان را تهدید می‌کند آگاه باشند، و راهکارهای مناسب را جهت محافظت و مراقبت از آنان در نظر بگیرند، از جمله اعمال خشونت آمیز بر علیه همجنس‌گراها»<sup>۹۰</sup>. کمیته حقوق بشر سازمان ملل اعلام کرده است «کشورهای عضو باید اطمینان حاصل کنند که تمامی حمله‌ها یا تهدیدات بر علیه افراد بخاطر هویت جنسی یا جنسیتی آنها، بطور کامل تحت تحقیق و بررسی قرار بگیرند ...»<sup>۹۱</sup>.

---

۸۸. ماده ۹، معاهده بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی

Article 9, International Covenant on Civil and Political Rights, 1966.

۸۹. ماده ۳، اعلامیه جهانی حقوق بشر:

Article 3, UDHR, 1948.

۹۰. برای جزییات تمهیدات و مکانیسم‌های سازمان ملل در رابطه با تعهدات قانونی کشورها نسبت به احترام و حمیات از از افراد در مقابل خشونت‌های همجنس‌گراهراسانه و ترنس‌هراسانه، لطفاً مراجعه کنید به «آزاد و برابر زاده شده‌ایم، حقوق بشر سازمان ملل، ۱۳۹۱، صفحات ۱۲ تا ۲۰:

<http://www.ohchr.org/Documents/Publications/BornFreeAndEqualLowRes.pdf>  
[accessed 25 September 2015].

۹۱. نتیجه بررسی‌های لهستان از سوی کمیته حقوق بشر سازمان ملل (CCPR/C/POL/) (Co/6). پارگراف ۸.

## نقش محل اشتغال فرد در آسیب‌پذیری نسبت به خشونت

باید تاکید کرد که نه تنها خانواده‌ها از بسیاری از داستان‌های مربوط به آزار و اذیت زنان همجنس‌گرا به دست پلیس، مقامات حکومتی، متخصصان بهداشت و درمان و اعضا جامعه آگاه هستند، بلکه حتی از این آزارها استقبال می‌کنند. همین منعکس کننده ساختار جامعه و خانواده در رابطه با زنان همجنس‌گرا می‌باشد. زنان همجنس‌گرا بطور بنیادین نقش‌های جنسیتی سنتی را به چالش می‌کشند، که در نتیجه کل خانواده تحت تاثیر قرار می‌گیرد. مطابق با برنامه جدید تبعیض‌آمیز دولت که به اولویت بندی استخدام افراد می‌پردازد (طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده)، اولیت اول در استخدام متعلق به مردان دارای فرزند می‌باشد، سپس مردان بدون فرزند، و در آخر زنان دارای فرزند. بنابراین ساختار قانونی ایرانی به سمتی می‌رود که در عمل نقش زنان را فقط در قالب همسر و مادر به رسمیت می‌شناسد.<sup>۹۲</sup>

۹۲. "وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیر کل"، مجمع عمومی سازمان ملل، شورای حقوق بشر، A/HRC/28/26. ۱ اسفند ۱۳۹۳. صفحه ۷.

ساختاری که فقط زنان متاهل و مادران را به رسمیت می‌شناسد، توانایی زنان همجنس‌گرا را در دستیابی به فرصتهای شغلی محدود می‌سازد (زنانی که هم مجرد هستند و دارای فرزند نیستند). محدود کردن قدرت اقتصادی زنان، وابستگی آنها به خانواده را افزایش می‌دهد، در نتیجه آسیب‌پذیری آنها در مقابل ازدواج اجباری و آزار و اذیت بیشتر می‌شود، و در نهایت در فضایی که تبعیض‌آمیز بوده و کمترین حمایت از زنان در مقابل آزارهای بخش دولتی و خصوصی صورت می‌گیرد، احتمال طرد کامل آنها از سوی خانواده وجود دارد.

## فشارهای خانواده و خشونت خانوادگی

مطابق با تحقیقی که توسط دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی در سال ۱۳۹۰ انجام شد، با توجه به موقیت جغرافیایی، بین ۱۷/۵ درصد (در شهر سبزوار) تا ۹۳/۶ درصد (در تنکابن) از زنان ایرانی مورد انواع خشونت‌های خانوادگی قرار گرفته‌اند، از جمله آزار کلامی، آزار جنسی،

و آزار فیزیکی<sup>۹۳</sup>. در سال ۱۳۸۷،<sup>۹۴</sup> دولت ایران مرکز مدیریت اورژانس اجتماعی را به همراه یک خط تلفن ۲۴ ساعته برای رسیدگی به «چالش‌های اجتماعی»، شامل یک مرکز تخصصی مربوط به خشونت خانوادگی، راه‌اندازی کرد<sup>۹۵</sup>. مطابق با اظهارات مجید ارجمندی، رییس این مرکز، در سال ۱۳۹۲، ۳۱۶ نفر بخاطر خشونت خانوادگی با این مرکز تماس گرفتند. البته آقای ارجمندی همچنین اعلام می‌کند که شمار واقعی خشونت‌های خانوادگی بسیار بیشتر از این است<sup>۹۶</sup>.

---

۹۳. «خشونت خانوادگی در ایران: مرور مطالعات ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷»، وامقی، میم. اردکانی، میم ر.ک. و سجادی، ح. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال سیزدهم، شماره ۵۰، صفحات ۳۷ تا ۷۰:

[http://refahj.uswr.ac.ir/files/site1/user\\_files\\_2310c2/m\\_javan-A-10-817-147-4c6ca81.pdf](http://refahj.uswr.ac.ir/files/site1/user_files_2310c2/m_javan-A-10-817-147-4c6ca81.pdf) [accessed 26 October 2015]

۹۴. برای مطالعه خلاصه‌ای از تاریخچه برنامه‌های رسیدگی به موارد اورژانسی، لطفاً به صفحه فارسی سایت رسمی سازمان بهزیستی در آدرس زیر مراجعه کنید:

[http://123.behzisti.ir/Modules/GetFile.aspx?Source=HyperLink\\_357&file=Link-File\\_1144.pdf](http://123.behzisti.ir/Modules/GetFile.aspx?Source=HyperLink_357&file=Link-File_1144.pdf) [accessed 26 October 2015]

۹۵. برای اطلاعات بیشتر درباره سازمان بهزیستی، لطفاً به وبسایت رسمی این سازمان به زبان فارسی مراجعه کنید:

<http://123.behzisti.ir/> [accessed 26 October 2015].

۹۶. مقاله فارسی «خشونت خانگی در ایران، از آمار و ارقام تا رو شهای مداخله و پیشگیری». ۱۸ دی ۱۳۹۲:

<http://mehrkhane.com/fa/news/9733/>

خشونت-خانگی-در-ایران-از-آمار-و-ارقام-تا-روش‌های-مداخله-و-پیشگیری



سیستم قانونی ایران، اعمال خشونت علیه زنان و دختران را نه تنها آسان می‌کند، بلکه حتی آنرا تشدید می‌کند، چرا که دسترسی زنان به حقوق برابر با مردان را محدود ساخته، و در نتیجه آنها را در مقابل آزار و اذیت آسیب‌پذیر می‌سازد. تحت قوانین ایران، مردان به عنوان سرپرست خانواده قلمداد می‌شوند<sup>۹۷</sup>، و دولت حق دخالت در حریم خصوصی خانواده را ندارد<sup>۹۸</sup>. تحت قوانین مدنی ایران، همسر باید همیشه در مقابل درخواست‌های شوهرش مطیع باشد (تمکین)، از جمله از نظر جنسی باید هر زمان که شوهرش اراده کند آماده باشد. این چنین قوانین، پدران، شوهرها و برادران را قادر می‌سازد که کنترل زیادی بر زندگی دختران و زنان داشته باشند. مقاومت در مقابل چنین قوانینی از سوی زنان ممکن است باعث اعمال خشونت از سوی

.....  
۹۷. برای مثال به خلاصه‌ای از حقوق مردان در مقابل حقوق زنان در رابطه با فرزندان در نظام قضایی ایران، مراجعه کنید به "نقد کفالت فرزندان برای شوهر":

<http://pajuhesh.irc.ir/product/book/show/id/441/indexId/92421> [accessed 19 January 2016].

۹۸. "خشونت خانوادگی بر علیه زنان مجرد و متاهل در جامعه ایران". مرادیان، الف. ۱۹ شهریور ۱۳۸۸:

<http://iranian.com/main/blog/azad/domestic-violence-against-single-and-married-women-iranian-society.html> [accessed 23 September 2015]. Also please see UNICEF's 2011 report on Gender Equality Profile in Iran, available at: <http://www.unicef.org/gender/files/Iran-Gender-Equality-Profile-2011.pdf> [accessed 19 January 2016].

مردان خانواده شود، بدون آنکه مردان از نظر قانونی پاسخگو باشند. در اکثر موارد زنان به دلیل وابستگی اقتصادی به مردان خانواده قادر به ترک این شرایط دشوار نیستند.<sup>۹۹</sup>

بطور سنتی در ایران مسائل مربوط به مشکلات و خشونت خانوادگی به عنوان موضوعات خصوصی داخل خانواده به حساب می‌آیند.<sup>۱۰۰</sup> محافظت از «عفت» و «ناموس» خانواده و پاک کردن «داغ ننگ»، از نظر اجتماعی وظیفه و حق مردان به حساب می‌آید.<sup>۱۰۱</sup> در حقیقت، «عفت» خانواده و ترس از دست دادن آن، از جمله دلایل رایجی هستند که مردان و زنان همجنس‌گرا هویت واقعی خود را از خانواده پنهان می‌کنند و اقدام به برقراری روابط مورد نظرشان نمی‌کنند. سکوت آنها معمولاً باعث افزایش تنش داخل خانواده می‌شود، که

---

۹۹. مصاحبه جلوه جواهریان با خبرگزاری دانشجوی ایسنا، "رایج‌ترین اشکال خشونت خانوادگی کدام هستند"، و "مجازات نافرمانی زنان از شوهران"، پاکنهاد:

<http://www.isna.ir/news/92100602922/>

رایج‌ترین-خشونت-خانگی-در-ایران-چیست

۱۰۰. لطفاً مراجعه کنید به «گزارش قت‌لهای ناموسی در ایران». ۱ خرداد ۱۳۸۸:

[http://www.landinfo.no/asset/960/1/960\\_1.pdf](http://www.landinfo.no/asset/960/1/960_1.pdf) [accessed 25 September 2015].

۱۰۱. همان منبع.

در نتیجه باعث افزایش خشونت خانوادگی می‌شود. تاکید بر «عفت» خانواده معمولاً در قوانین ایران نیز منعکس شده است. برای مثال، در مواردی که پدر (یا جد پدری)<sup>۱۰۲</sup>، و یا شوهر یک زن وی را در زمان انجام «زنا» به قتل رسانده باشند، قانون مجازات اسلامی اجرای مجازات اعدام را برای آنها لغو می‌کند<sup>۱۰۳</sup>. همچنین مطابق با قانون مجازات اسلامی، «دفاع از ناموس» دلیل قابل قبولی برای رفع اتهام جنایی به حساب می‌آید<sup>۱۰۴</sup>. البته مسئولان دولتی و قانون‌گذاران تلاش‌هایی در جهت مقابله با خشونت‌های خانوادگی انجام داده‌اند. در سال ۱۳۸۹، دو لایحه در مجلس برای محافظت از زنان در مقابل خشونت پیشنهاد شدند، که هیچ‌کدام تصویب نشدند.

---

۱۰۲. ماده ۳۰۱ از قانون مجازات اسلامی: «قصاص در صورتی ثابت می‌شود که مرتکب، پدر یا از اجداد پدری مجنی علیه نباشد و مجنی علیه، عاقل و در دین با مرتکب مساوی باشد»

۱۰۳. ماده ۳۰۲ از قانون مجازات اسلامی

۱۰۴. ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی: «هر گاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هر گونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود.»

با توجه به چالش‌های متعددی که زنان همجنس‌گرا و دیگر دگرباشان جنسی با آنها روبرو هستند، خانواده معمولاً اولین پناهنگاه آنها در مقابله با فشارهای بیرونی است. بسیاری از زنان همجنس‌گرا برای حمایت و حفاظت از خودشان رو به خانواده‌هایشان می‌آورند. اما در عین حال بسیاری از افرادی که با آنها مصاحبه شد، گفتند که از نظر خانواده‌هایشان، «عفت» و آبروی خانواده از اولویت بیشتری در مقایسه با سلامت فیزیکی و روانی بچه‌هایشان برخوردار بوده است. این طرز تفکر باعث اعمال کنترل بیشتر بر زنان همجنس‌گرا از سوی خانواده‌ها و از دست رفتن بیشتر استقلال شخصی آنها می‌شود. معمولاً چرخه خشونت بر علیه زنان همجنس‌گرا ادامه پیدا می‌کند، چرا که به دلیل ترس و یا باورهای سنتی قادر نیستند به پلیس شکایت کنند<sup>۱۰۵</sup>. حداقل بخشی از زنان همجنس‌گرایی که با آنها صحبت کردیم گفتند که علی‌رغم خشونت‌های خانوادگی، بخش جداناپذیری از رابطه آنها با خانواده‌هایشان بوده است.

---

۱۰۵. گزارش سازمان عفو بین‌الملل. ۶ اسفند ۱۳۹۳:

<http://www.refworld.org/docid/54f07ddf15.html> [accessed 25 September 2015].

سارا، دختر ۲۲ ساله اهل تبریز به ما گفت:

پدر من مانع دیدار من با دوست دخترم می‌شد. من حتی سعی کردم با خوردن ۸۰ قرص به زندگی‌ام پایان دهم. گرایش عاشقانه من به زنان تبدیل به یک کابوس شده بود. من دچار افسردگی شدم و می‌خواستم بدانم که چرا این اتفاق برای من افتاده است، و چرا من عاشق یک دختر شده بودم. من درباره عمل تطبیق جنسیت شنیده بودم و حتی درباره‌اش فکر کرده بودم، اما هیچ چیزی درباره گرایش جنسی و هویت جنسیتی نمی‌دانستم.<sup>۱۰۶</sup>

**بهاره**، دختر ۲۳ ساله اهل اهر، درباره خشونت‌ی که او به همراه دوست دخترش از سمت خانواده متحمل شده بودند به ما اینگونه گفت:

خانواده من، دوست دخترم که به دیدن ما آمده بود را کتک زدند، و باعث شدند دچار خونریزی بینی شود. سپس با پلیس تماس گرفتند و بر علیه او شکایتی تنظیم کردند. خانواده من

---

۱۰۶. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)

به همسایه‌های دوست دخترم گفتند او یک همجنس‌باز است که دخترشان را اغفال کرده است. عمومی من حتی تهدید کرد که اسید روی صورت دوست دخترم خواهد پاشید. این آزار و اذیت‌ها تا جایی ادامه یافت که من با خوردن قرص اقدام به خودکشی کردم»<sup>۱۰۷</sup>.

بر اساس مصاحبه‌های انجام شده، خشونت خانوادگی تنها شامل زنان همجنس‌گرای جوان و روابط مشکل‌دارشان با خانواده‌هایشان نمی‌شود، بلکه پس از ازدواج‌های اجباری، این مشکلات با همسران دگرجنس‌گرای آنها ادامه پیدا می‌کنند.

آنا، زن همجنس‌گرای ۳۲ ساله اهل اهر درباره ازدواج اجباری‌اش به ما گفت:

من بالاخره با او ازدواج کردم. خوشبختانه خیلی زود حامله شدم، و حاملگی را به عنوان بهانه‌ای برای توقف رابطه جنسی‌مان استفاده کردم. شوهرم به من توهین می‌کرد و

---

۱۰۷. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)

کتکم می‌زد. من مدام مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتم. من قبلاً سالن آرایش داشتم. هر بار که از سر کار به خانه می‌آمدم، شوهرم با لحن تمسخر آمیز از من می‌پرسید که آیا با دوست پسرم قرار داشتم! فکر می‌کرد به او خیانت می‌کنم و این فکر او را دیوانه می‌کرد. او خواستار رابطه جنسی بود و مرا وادار به این کار می‌کرد. یک‌بار از نیمه شب تا ساعت ۳ صبح برای انجام رابطه جنسی اصرار می‌کرد. وقتی بالاخره متوجه شد که نمی‌تواند مرا مجبور به این کار بکند، مرا وادار کرد پاهایش را بیوسم تا تحقیرم کرده باشد.<sup>۱۰۸</sup>

علی‌رغم اینکه والدین آن‌ا نسبت به آزار و اذیت‌های همسرش نسبت به او مطلع بودند، اما تشویقش می‌کردند که همچنان در خانه شوهرش بماند. آن‌ا همچنین تعریف کرد:

بعد از اینکه فرزندم تازه متولد شده بود، زمان بیشتری را در خانه پدری، با مادرم می‌گذراندم. شوهرم با من تماس گرفت و از من خواست که به سرعت به خانه بازگردم. او با لگد به کمرم کوبید و مرا

۱۰۸. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکا جهانی، ۱۸ آبان ۱۳۹۳ (۹ نوامبر ۲۰۱۴)

از پله‌ها به پایین پرت کرد. به من گفت که دیگر اجازه نخواهد داد به دیدن والدینم بروم. من به خانه والدینم برگشتم و از او درخواست طلاق کردم. پدر شوهرم گفته بود که آنها نمی‌توانند چنان ننگی را بپذیرند و تهدید کردند که سر مرا خواهند برید. من سعی کردم فرار کنم، اما مرا گرفت و جلوی همه مردم در خیابان کشان کشان به خانه برد. وقتی فهمیدم که حتی برادرم از شوهرم حمایت می‌کند به شدت احساس ناامیدی و اضطراب کردم. برادرم به من گفت که اگر به شوهرم خیانت کرده‌ام بهتر است اعتراف بکنم و به خانه شوهرم بازگردم. برادرم به من گفت «شوهرت می‌خواهد با تو زندگی بکند». حتی پدرم هم همین حرفها را به من زد. برای کسی اهمیت نداشت که من قادر به زندگی با آن مرد نبودم.<sup>۱۰۹</sup>

خشونت‌ها و آزارهای خانوادگی اعمال شده بر علیه زنان همجنس‌گرا، تاثیرات مخرب ماندگاری بر زندگی آنها دارد و مانع برخورداری آنها از یک زندگی طبیعی در طول زندگی‌شان می‌شود. بزرگ شدن در چنین محیط خشونت‌آمیزی باعث می‌شود زنان همجنس‌گرا شانس

---

۱۰۹. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۸ ابان ۱۳۹۳ (۹ نوامبر ۲۰۱۴)



کمی برای شناخت گرایش جنسی خودشان داشته باشند. مریم، یک دختر ۳۰ ساله اهل رشت، به ما گفت که حتی از سوی برادر خودش، شوهر خواهرش و حتی پسرخواهرش، مورد تجاوز قرار گرفته بوده است. همچنین گفت که مدام از طرف پدر و مادرش کتک می‌خورده است. برای رها شدن از آن شرایط نهایتاً مجبور شده در سن ۱۷ سالگی شروع به خودفروشی بکند (گاهی با مردان متاهل و در مقابل یک وعده غذا). مریم به تدریج به گرایش جنسی خودش به دختران پی برد و خودش را به عنوان یک زن همجنس‌گرا شناخت، «من برای هم‌خوابی با زنان از آنها تقاضای پول نمی‌کردم. این چیزی بود که به من این فرصت را می‌داد تا از محیط خانواده و کتک‌های برادرم فرار کنم. با توجه به دعوای مداوم در محیط خانه، من حاضر بودم هر کاری بکنم که از آنجا خلاص بشوم. در اولین رابطه جنسی که با یک زن داشتم احساس لذت نداشتم، چراکه تمام روابط قبلی من توأم با درد و آزار بود. من حتی نمی‌توانستم نوع دیگری از رابطه جنسی را تصور کنم»<sup>۱۱۰</sup>.

---

۱۱۰. مصاحبه از طریق اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۱ آبان ۱۳۹۳ (۱۲ نوامبر ۲۰۱۴)

## ازدواج‌های اجباری و تجاوز در چارچوب ازدواج

یکی از جدی‌ترین مشکلات زنان همجنس‌گرا در ایران که منجر به تحمل خشونت و آزار بیشتری می‌شود، ازدواج‌های اجباری با مردان است. تحت قوانین ایران، برخی اوقات دختران حتی در سن ۹ سالگی<sup>۱۱۱</sup> می‌توانند بطور قانونی ازدواج کنند<sup>۱۱۲</sup>. آمارها نشان می‌دهند که بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲، شمار دختران زیر سن ۱۵ سال که مجبور به ازدواج شده بودند افزایش داشته است<sup>۱۱۳</sup>. در سال ۱۳۹۰ تعداد دختران متاهل بین ۱۰ سال تا ۱۴ سال حدود ۴۸۵۸۰ نفر، و در سال ۱۳۹۱، تعداد دختران متاهل زیر ۱۰ سال حداقل ۱۵۳۷ نفر بوده

---

۱۱۱. مطابق با ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی، تغییر یافته در ۹ مرداد ۱۳۸۵، سن قانونی ازدواج دختران در ایران ۱۳ سال و برای پسران ۱۵ سال است. اما، بر اساس قانون مدنی، چنانچه والدین و یا دادگاه با استناد به اینکه به "نفع خود دختر است" موافقت خود را ابراز بکنند، دختران در سن ۹ سالگی نیز می‌توانند ازدواج کنند.

۱۱۲. مطابق با سرشماری ملی سال ۱۳۹۰، ۱۱۲۸۹ دختر قبل از سن ۱۵ سالگی دارای حداقل یک فرزند بودند. برای اطلاعات بیشتر لطفاً مراجعه کنید به "حقوق کودکان در ایران: گزارش مشترک سازمان‌های مدنی در رابطه با اجرای کنوانسیون‌های حقوق کودک از طرف جمهوری اسلامی ایران":

[https://www.outrightinternational.org/sites/default/files/CRC71\\_Iran\\_JointSubmission\\_FINAL2.pdf](https://www.outrightinternational.org/sites/default/files/CRC71_Iran_JointSubmission_FINAL2.pdf) [accessed 26 October 2015].

۱۱۳. همان منبع

است.<sup>۱۱۴</sup> این دختران معمولاً هرگز فرصت شناخت گرایش جنسی خودشان را پیدا نمی‌کنند، و نمی‌توانند برای زندگی جنسی و عاشقانه خودشان آزادانه تصمیم بگیرند.

تمامی زنان همجنس‌گرایی که با ما مصاحبه کردند الزاماً مجبور به ازدواج اجباری نشده بودند، اما تقریباً همه آنها اذعان داشتند که فشارهای وارده از سمت خانواده و دیگران اغلب باعث بروز این اندیشه در ذهن آنها می‌شده است که نهایتاً باید تن به زندگی مطابق هنجارهای جامعه دگرجنس‌گرا بدهند و حتی ازدواج کنند. آنهایی که ازدواج کردند اغلب خودشان را تنها، آسیب‌پذیر، ناامید و تحت کنترل شوهرانشان یافتند. برخی از آنها قربانیان تجاوز، آزار جنسی، و انواع دیگر خشونت هستند.

---

۱۱۴. «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیرکل»، مجمع عمومی سازمان ملل، شورای حقوق بشر، A/HPC/28/26، ۱ اسفند ۱۳۹۳:

ثریا، زن همجنس‌گرای ۴۲ ساله اهل شیراز تحت آزار و اذیت در خانواده قرار گرفته و مجبور به ازدواج شده است. او داستان خودش را اینگونه تعریف کرد:

پسرعموی من از من خواستگاری کرد ... او ۹ سال از من بزرگتر بود ... همه چیز از قبل مشخص شده بود. من انتخابی نداشتم و باید قبول می‌کردم که با او ازدواج کنم. خانواده من طوری با من رفتار می‌کردند انگار سربار آنها هستم و می‌خواستند که زودتر خانه را ترک کنم... اما من او را نمی‌خواستم. گفتم نه. به خانواده‌ام گفتم که خودم کار می‌کنم و خرج خودم را درمی‌آورم، اما آنها نمی‌خواستند به حرف من گوش کنند. برادرم آنقدر کتکم زد تا قبول کردم. خانواده‌ام طی یک هفته همه کارها را برای عروسی انجام دادند. شبی که ازدواج کردیم، او مجبورم کرد رابطه جنسی برقرار کنیم. از آن به بعد هر بار که می‌خواست با من رابطه برقرار کند مرا کتک می‌زد. همکنون دو پسر دارم، ۲۰ ساله و ۲۱ ساله. شوهرم همیشه به خانواده‌ام شکایت مرا می‌کرد و خانواده‌ام

می‌دانستند که من علاقه‌ای به هم‌بستر شدن با شوهرم را ندارم. برادرم به او گفته بود که اگر از برقراری رابطه جنسی خودداری بکنم باید مرا کتک بزند<sup>۱۱۵</sup>.

**مریم الف**، اهل تهران داستان مشابهی را برای ما تعریف کرد. او را در سن ۱۴ سالگی مجبور به ازدواج با پسرعمویش که ۲۲ سال از او بزرگتر بود کرده بودند. وقتی پسرعمویش متوجه شده بود که مریم علاقه‌ای به برقراری رابطه جنسی با او ندارد، رفتارش به شدت آزاردهنده شده بود، هم از نظر روانی و هم از نظر فیزیکی. او مریم را مجبور کرده بود که برای درمان «سردمزاجی‌اش» نزد دکتر برود. اما داروهایی که دکتر برای او تجویز کرده بود باعث تنش‌های روانی او شده بودند. بعد از سالها زندگی ناخوشایند مشترک، و آزارهای مداوم جنسی، فیزیکی و روانی، بالاخره شوهرش موافقت کرده بود او را طلاق بدهد<sup>۱۱۶</sup>.

---

۱۱۵. مصاحبه در ترکیه با اقدام آشکار جهانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۳ (۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)

۱۱۶. مصاحبه در ترکیه با اقدام آشکار جهانی، ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ (۱۴ جون ۲۰۱۳)

ایران به بسیاری از معاهده‌های مربوط به حقوق بشر، که بخصوص هر نوع آزار جنسی، روانی و فیزیکی افراد، مخصوصاً بچه‌ها را ممنوع اعلام می‌کند، متعهد است. تحت این قوانین بین‌المللی ایران ملزم به برقراری حقوق برابر برای زنان، بدون هرگونه تبعیضی، و همچنین حمایت از زنان در برابر خشونت خانوادگی و آزار آنها توسط اعضا خانواده است. ماده ۳ از میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی تاکید می‌کند «زنان و مردان باید بطور برابر از تمامی حقوق سیاسی و مدنی برخوردار باشند»، از آن جمله حق زنان در زمینه ازدواج رضایتمندانه، و همچنین حقوق و وظایف برابر پس از ازدواج و در زمان طلاق<sup>۱۱۷</sup> می‌باشد. ماده ۳ از میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موارد مشابهی را شامل می‌شود<sup>۱۱۸</sup>. همچنین ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، که در سال ۱۳۷۳ از طرف ایران تصویب شد، کشور را ملزم می‌سازد «تمام تمهیدات لازم قانونی، اجرایی، اجتماعی و تحصیلی را برای حمایت از کودکان در مقابل هر گونه خشونت روانی و فیزیکی، آسیب و آزار، بی‌توجهی و غفلت، سوءاستفاده و بدرفتاری، از جمله

۱۱۷. ماده ۳، معاهده بی‌المللی حقوق سیاسی و مدنی. ۱۳۴۴.

۱۱۸. ماده ۳، معاهده بی‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ۱۳۴۴.

آزار جنسی، در زمانی که تحت کفالت والدین یا فرد دیگری هستند،  
بیانده‌شدند»<sup>۱۱۹</sup>.

در دی ماه ۱۳۹۴، با توجه به گزارش‌های دوره‌ای (Universal Periodic Review) چهارم و پنجم درباره ایران، کمیته حقوق کودکان سازمان ملل، با پررنگ کردن این مسئله از دولت ایران خواست «تمام قوانینی که باعث صدور مجوز آزار جنسی علیه کودکان می‌شوند را لغو کرده و افراد خاطی را محاکمه کنند. همچنین دولت باید سن رضایت به برقراری رابطه جنسی را به ۱۶ سال افزایش دهد، و سن قانونی ازدواج را به ۱۸ سال، ضمن اینکه تجاوز در چارچوب ازدواج را جرم‌انگاری نماید. علاوه بر اینها، این کمیته پیشنهاد می‌کند که کشور مزبور برنامه‌ها و سیاست‌هایی را در نظر بگیرد تا ضمن جلوگیری از وقوع جرائم علیه کودکان، امکان درمان و ورود مجدد قربانیان خردسال، از جمله دخترانی که در سن پایین مجبور به ازدواج شده‌اند، به اجتماع را فراهم سازد...»<sup>۱۲۰</sup>

---

۱۱۹. ماده ۱۹، کنوانسیون حقوق کودک. ۱۳۶۷.

۱۲۰. نتیجه‌گیری از بررسی‌های دوره‌ای سوم و چهارم جمهوری اسلامی ایران. CRC/C/IRN/CO/3-4، پارگراف ۵۸.

## خشونت در مدارس

بعد از انقلاب سال ۱۳۵۷، جداسازی جنسیتی در تمام مدارس ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان به شدت اجرا شد، گرچه شامل همه دانشگاه‌ها نشد. هدف از اجرای این جداسازی جلوگیری از چیزی بود که «فساد اخلاقی» ناشی از ارتباط دو جنس مخالف می‌نامیدند. همچنین می‌خواستند که دانش‌آموزان فقط روی درس خواندن تمرکز بکنند<sup>۱۲۱</sup>. در سالهای اخیر، تندروها در ایران تلاش کرده‌اند که این جداسازی جنسیتی را توسعه بدهند، بطوری که حتی کتاب‌های درسی را با توجه به جنسیت دانش‌آموزان طراحی نمایند<sup>۱۲۲</sup>. همچنین وزارت علوم که مسئول تحصیلات عالی در دانشگاه‌ها می‌باشد، سیاست‌هایی را در راستای اسلامی کردن دانشگاه‌ها، جداسازی در برخی از کلاس‌ها و

---

۱۲۱. برای مطالعه تاریخچه کامل جداسازی جنسیتی در ایران، لطفاً مراجعه کنید به «زنان و سیاست در جمهوری اسلامی ایران: عمل و عکس‌العمل»، وکیل، سین:

[https://books.google.com/books?id=WB3m-cBtrQ4C&pg=PA109&dq=gender+segregation+in+school+in+Iran&hl=en&sa=X&ved=0CCwQ6AEwAWoVCh-MIhNT\\_\\_fWyAlVzHQ-Ch3v7gW6#v=onepage&q=gender%20segregation%20in%20school%20in%20Iran&f=false](https://books.google.com/books?id=WB3m-cBtrQ4C&pg=PA109&dq=gender+segregation+in+school+in+Iran&hl=en&sa=X&ved=0CCwQ6AEwAWoVCh-MIhNT__fWyAlVzHQ-Ch3v7gW6#v=onepage&q=gender%20segregation%20in%20school%20in%20Iran&f=false) [accessed 22 October 2015]

۱۲۲. «ایران در نظر دارد جداسازی جنسیتی را در کتاب‌های درسی اعمال کند»:

[http://www.rferl.org/content/iran\\_gender\\_segregation\\_school\\_text-books/24455032.html](http://www.rferl.org/content/iran_gender_segregation_school_text-books/24455032.html) [accessed 22 October 2015].



اماکن عمومی برگزیده است<sup>۱۲۳</sup>. چنین سیاست‌هایی باعث شده‌اند که دسترسی زنان به مراکز تحصیلات عالی محدود بشود<sup>۱۲۴</sup>.

علی‌رغم گزارش‌های مبنی بر وجود خشونت گسترده در مدارس ایران، منابع بسیار محدودی برای بررسی این پدیده و حمایت از قربانیان احتمالی وجود دارد. بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۱۳۹۲ انجام شده، مشخص شد که از بین ۸۳۴ دانش‌آموز ایرانی که به عنوان نمونه این تحقیق برگزیده شده بودند، ۳۸/۵ درصد، نوعی از خشونت، از خفیف تا شدید را بر علیه خودشان تجربه کرده بودند. رفتارهای خشونت‌آمیز معمولاً بین خود هم‌کلاسی‌ها و از سوی یک تا سه نفر از دانش‌آموزان اتفاق می‌افتد. ممکن است داخل خود کلاس،

---

۱۲۳. خبرگزاری دیدبان حقوق بشر منتشر کرد: "ایران: از دسترسی برابر به تحصیلات عالی اطمینان حاصل کنید". ۱ مهر ۱۳۹۱:

<https://www.hrw.org/news/2012/09/22/iran-ensure-equal-access-higher-education> [accessed 22 February 2016].

۱۲۴. لطفاً مراجعه کنید به "جداسازی جنسیتی ناقض حقوق زنان در ایران"، موری، ال. ۱۸ شهریور ۱۳۹۱.

<http://www.iranhumanrights.org/2014/09/gender-segregation/> [accessed 26 October 2015]

زمین بازی و یا حتی زمانی که دانش‌آموزان در راه رفتن یا برگشتن از مدرسه هستند اتفاق بیفتد<sup>۱۲۵</sup>.

خشونت بر علیه زنان همجنس‌گرا و دیگر اعضا جامعه دگرباشان جنسی، با توجه به دیدگاه‌های منفی که درباره مباحث مربوط به همجنس‌گرایی، آزار و اذیت‌ها و دیگر موضوعات مرتبط وجود دارد، شدت می‌یابد. این دیدگاه‌های منفی باعث نبود اطلاعات کافی بین مسئولین مدرسه و مقامات در رابطه با چگونگی مدیریت مسائل مربوط به گرایش جنسی، رفتارهای ناهمخوان با جنسیت و خشونت می‌شود. بنابراین جای تعجب نیست که اکثر دختران و پسران همجنس‌گرا مدرسه را محل امنی برای خودشان نمی‌دانند. به عنوان بخشی از تحقیق سازمان اقدام آشکار جهانی، سعی شد با وزارت آموزش و پرورش تماس گرفته شود، اما آنها پاسخی به درخواست ما ندادند<sup>۱۲۶</sup>.

---

۱۲۵. لطفاً مراجعه کنید به "الگوهای فراگیر خشونت بین دانش‌آموزان مدارس استان مازندران در ایران"، رضایپور، میم، صوری، ه. خداکریم، سین.

Arch Trauma Res, 2014;3(4):e28500 doi: 10.5812/atr.22551.

۱۲۶. ۶ اسفند ۱۳۹۳، سازمان اقدام آشکار جهانی، ایمیلی را به دفتر تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش فرستاد، اما پاسخی دریافت نکرد.

داستان آزاده، دختر همجنس‌گرای اهل شمال، نمونه‌ای از این گونه خشونت‌ها و آزارهای جنسی که متوجه دختران همجنس‌گرا می‌باشد است. آزاده، به ما گفت که اکثر اوقات در دوران نوجوانی در مدرسه مشغول نزاع، خشونت، تهدید شدن و آزارهای جنسی بوده است. در دوران راهنمایی، گروهی از هم‌کلاسی‌هایش او را داخل دستشویی مدرسه برده و از نظر جنسی آزارش داده بودند. او به ما گفت:

دو تا دختر ترسناک بودند که کلاس‌هایشان طبقه سوم بود. آنها زندگی‌ام را برایم بسیار دشوار ساخته بودند. هر دو تایشان جثه بزرگی داشتند و هر بار که مرا تنها گیر می‌آوردند سعی می‌کردند از نظر جنسی آزارم دهند. یکی از آنها مرا روی زمین نگه می‌داشت و دیگری بدنم را لمس می‌کرد. حیاط پشت مدرسه معمولاً خلوت بود و دانش‌آموزان آنجا نمی‌رفتند. آنها مرا به آنجا می‌بردند، لباسم را بالا می‌زدند و به سینه‌هایم دست می‌زدند، یا شلوارم را پایین می‌کشیدند و به واژنم دست می‌زدند. دو بار به واژن من در آن دستشویی لعنتی دست زدند. من

هنوز درباره این اتفاقات کابوس می‌بینم. من هرگز به مدیر مدرسه در این باره چیزی نگفتم، چرا که می‌دانستم اگر صحبتی بکنم، باعث دردسرهای بیشتری برای خودم می‌شود.<sup>۱۲۷</sup>

**رویا، دختر همجنس‌گرای ۲۳ ساله اهل زاهدان، دأما در دوران دانشگاه مورد آزار جنسی قرار گرفته بود. او به ما گفت:**

معمولا در فیس‌بوک پیام‌هایی از طرف همکلاسی‌هایم دریافت می‌کردم که مرا «همجنس‌باز» یا «دوجنسه» می‌نامیدند. تنها کاری که می‌توانستم انجام بدهم بلاک کردن آنها در وبسایت‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک بود. من معمولا عکس‌هایی بی‌حجاب از خودم روی صفحه فیس‌بوکم قرار می‌دادم، اما همیشه نگران بودم که واحد حراست و اطلاعات داخلی دانشگاه<sup>۱۲۸</sup> متوجه این عکس‌ها بشوند و

---

۱۲۷. مصاحبه از طریق اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۲ آذر ۲۰۱۴ (۱۳ دسامبر ۲۰۱۴)

۱۲۸. واحد حراست، که باعث رعب و وحشت بسیاری است، مسئول جمع‌آوری اطلاعات و نظارت در همه دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی است، تا اطمینان حاصل کند که رفتار دانش‌جویان و کارکنان مطابق با قوانین دینی و امنیتی است

در نهایت بفهمند که من همجنس‌گرا هستم. یک روز عصر نشستم و تمام کسانی که می‌شناختم را روی فیس‌بوک بلاک کردم. از آن زمان به بعد فقط کسانی که کاملاً به آنها اعتماد دارم جزو دوستان من در فیس‌بوک هستند.

در پاسخ به موارد ثبت شده از خشونت‌ها و آزار بر علیه دگرباشان جنسی، در بهمن ۱۳۹۴ (ژانویه ۲۰۱۶)، کمیته حقوق کودکان سازمان ملل به مقامات ایران پیشنهاد کرد: «از خشونت، آزار و اخراج کودکان دگرباش جنسی از مدرسه ممانعت به عمل آورند»<sup>۱۲۹</sup>.

## باج‌گیری و دسترسی محدود به عدالت

خشونت و آزار نوجوانان همجنس‌گرا یک پدیده رایج، مخصوصاً در مدارس و امکان عمومی همچون باشگاه‌های ورزشی، پارک‌ها و اردوهای تابستانی است. این آزار و اذیت‌ها گاهی می‌تواند همراه با آزار و اذیت جنسی، از جمله تجاوز باشد. اما زنان همجنس‌گرایی که

---

129. CRC/C/IRN/CO/3-4, Item 78 (d).

با اینگونه مشکلات روبرو می‌شوند معمولاً احساس بی‌پناهی می‌کنند و قادر نیستند با مراجعه به پلیس و دادگاه از خوشان محافظت بکنند.

**لاله**، دختر همجنس‌گرای ۲۵ ساله اهل رشت، به مدت نه سال تحت خشونت جنسی، تهدید و آزار و اذیت از سوی یک مرد قرار داشت. او به ما گفت وقتی که مرد نامبرده متوجه گرایش جنسی او در سن ۱۶ سالگی شده بوده، شروع به اخاذی از او می‌کند. او می‌دانسته که لاله هیچ راه دیگری غیر از تسلیم شدن در برابر خواسته‌های جنسی او ندارد. لاله به ما گفت که حتی بعد از رفتن به دانشگاه مجبور بوده به خواسته‌های جنسی او تن در دهد، مخصوصاً که از سوی مقامات دانشگاه نیز پیوسته بخاطر فعالیت‌هایش به عنوان یک فعال دانشجویی، روزنامه‌نگار و فعال حقوق همجنس‌گراها تحت فشار بود. لاله همیشه در ترس و هراس بوده که مبادا آن مرد گرایش جنسی او را نزد همه فاش کند و در نتیجه خودش و عزیزانش را در معرض خطرات بیشتری قرار بدهد.<sup>۱۳۰</sup>

---

۱۳۰. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۸ آبان ۱۳۹۳ (۹ نوامبر ۲۰۱۴)

لاله گفت که در طی سالها بطور مداوم از سوی آن مرد مورد تجاوز قرار گرفته و مرد مذکور حتی قصد داشته وی را مجبور به ازدواج نماید. لاله نهایتاً تصمیم به فرار از ایران گرفت تا از ازدواج با شکنجه‌گر و متجاوز خود رها شود. آن مرد به تعقیب او در ترکیه پرداخت و حتی سعی کرد مجبورش کند به ایران بازگردد.

**سارا**، زن همجنس‌گرای ۳۱ ساله اهل شیراز، به ما گفت که تجربه وحشتناکی در رابطه با یک قرار ملاقات آنلاین داشته است. کسی که تظاهر می‌کرده یک زن است، در حقیقت یک مرد بوده است. این مرد مدت‌ها سارا را تهدید می‌کرده که در صورت تن ندادن به خواسته‌های وی اقدام به انتشار عکس‌ها و فیلم‌هایی که از سارا بصورت آنلاین گرفته بوده خواهد کرد. بعد از آن بارها سارا را مجبور می‌کرده در مقابل دوربین برهنه شده و عکس‌ها و فیلم‌های جنسی از او تهیه می‌کرده. سپس از همان عکس و فیلم‌ها برای اخاذی بیشتر از سارا استفاده می‌کرده است. سارا هرگز چهره این مرد را ندیده و حتی قادر به شناسایی او نخواهد بود<sup>۱۳۱</sup>.

---

۱۳۱. مصاحبه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۸ آبان ۱۳۹۳ (۹ نوامبر ۲۰۱۴)

علی‌رغم تمام این آزارهای جنسی و اخاذی‌ها، زنان همجنس‌گرایی که با آنها صحبت کردیم به ما گفتند جرات نداشته‌اند به پلیس شکایت بکنند، چراکه می‌ترسیدند پلیس از گرایش جنسی آنها آگاه شده و به ضررشان تمام شود. آزاده یکی از قربانیان آزار و اذیت است که تجربه خودش را با ما در میان گذاشت: «بخاطر نوع لباس پوشیدنم، همچنان خطر مورد تجاوز قرار گرفتن مرا تهدید می‌کند. من معمولاً با لباس‌های مردانه بیرون می‌روم و مردم مرا به عنوان یک «پسر خوشگل» می‌بینند. اگرچه مدام مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرم، اما جرات نمی‌کنم به پلیس شکایت بکنم<sup>۱۳۲</sup>.

---

۱۳۲. مصاحبه از طریق اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۲ آذر ۱۳۹۳ (۱۳ دسامبر ۲۰۱۴)



# آزادی بیان، تشکل و تجمع

ایران به عنوان کشوری که به میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی متعهد است، ملزم به رعایت حق آزادی بیان (از جمله اطلاعات)، تشکل و تجمعات است، و مردم باید فارغ از هر گونه تبعیضی بر اساس جنس، گرایش جنسی و یا هویت جنسیتی، از این حقوق برخوردار باشند.

میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی همچنین حق برقراری رابطه عاشقانه توأم با آرامش (ماده ۱۷، حق برخورداری از حریم خصوصی)، حق آزادی ابراز خود، از جمله گرایش جنسی و هویت جنسیتی، از طریق لباس پوشیدن و ظاهر (ماده ۱۹) را به رسمیت می‌شناسد. حق آزادی بیان همچنین شامل حق داشتن عقاید بدون دخالت دیگران، دریافت و ابراز عقاید از طریق رسانه‌های مختلف بدون توجه به مرزبندی‌ها می‌باشد<sup>۱۳۳</sup>. بر اساس قانون اساسی ایران، حق آزادی

۱۳۳. ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ۱۳۲۷.

بیان، چه از طریق انتشار در مطبوعات، و یا پخش آنها از طریق رادیو و تلویزیون، می‌بایست به گونه‌ای محدود شود که همسو با تفکر اسلامی و منافع کشور باشد<sup>۱۳۴</sup>.

## کمبود آموزش جامع در زمینه مسائل جنسی

جرم‌انگاری روابط همجنس‌گرایانه راه را برای مقامات ایران، از جمله قوه قضاییه، هموار می‌کند تا هر گونه فعالیتی که به نظر آنها به نوعی آموزش همجنس‌گرایی یا ارزش‌های غیردگرجنس‌گرایانه باشد را تحت عناوینی همچون «فساد اخلاقی» و یا «اعمال حرام»، محدود و سرکوب نمایند.

تحت قانون مجازات اسلامی، جزای جرم «فساد فی الارض» می‌تواند اعدام باشد. قانون‌گذاران معنی این جرم، که قبلاً تنها محدود به مقاومت مسلحانه یا تروریسم بر علیه دولت بود را طوری گسترش داده‌اند که همکنون شامل جرائمی همچون «نشر اکاذیب»، «مدیریت مراکز فساد و فحشا»، و یا «صدمه زدن به اقتصاد کشور»، در صورتی

---

۱۳۴. ماده ۲۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصلاح شده به تاریخ ۵ مرداد ۱۳۶۸

که به عنوان اعمال «برهم زنده نظم عمومی و امنیت ملی» قلمداد شود نیز می‌شود<sup>۱۳۵</sup>. در برخی موارد، کسی که مرتکب این اعمال بشود ممکن است محکوم به حبس بشود<sup>۱۳۶</sup>. سازمان اشدکام آشکار جهانی، موردی که جرم «فساد فی الارض» بر علیه فعالین متهم به اشاعه مطالب و ارزشهای مربوط به دگرباشان جنسی استفاده شده باشد را ثبت نکرده است، اما مبهم بودن این قانون می‌تواند باعث شود که از آن در چنین مواردی نیز استفاده شود.

بر اساس ماده ۶۳۹ در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی، هر کسی که دیگران را به انجام «اعمال غیراخلاقی» ترغیب نماید، و یا امکاناتی را برای ارتکاب این‌گونه اعمال برای آنها فراهم آورد، ممکن است بین یک تا ده سال محکوم به حبس شود<sup>۱۳۷</sup>. این قانون، که به وضوح «اعمال غیراخلاقی» را توضیح نمی‌دهد، زمینه لازم را

---

۱۳۵. ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی.

۱۳۶. تبصره ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی.

۱۳۷. افراد ذیل به حبس از یک تا ده سال محکوم می‌شوند و در مورد بند الف علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد. الف- کسی که مرکز فساد و یا فحشاء را دایر یا اداره کند. ب- کسی که مردم را به فساد یا فحشاء ترغیب نموده یا امکانات آن را فراهم آورد.

برای مقامات فراهم می‌کند تا از هر گونه فعالیت فعالین همجنس‌گرا جلوگیری کنند، از جمله گروه‌هایی حمایتی و یا کمپین‌هایی که با هدف افزایش آگاهی عمومی در زمینه مسائل مربوط به دگرباشان جنسی برگزار می‌شوند.

مقامات همچنین می‌توانند به قوانین دیگری که می‌توانند انتشار و یا پخش مطالب آموزشی در رابطه با دگرباشان جنسی و ارزش‌های‌شان را محدود یا جرم‌انگاری می‌کنند متوسل بشوند. برای مثال ماده ۹ قانون مطبوعات اعلام می‌کند تنها در صورتی که ناشر «عاری از فساد اخلاقی» باشد می‌تواند مجوز انتشارات را دریافت کند، ضمن اینکه ماده ۶(۲) انتشار مطالب «مستهجن» و «غیر اخلاقی» را ممنوع اعلام می‌کند<sup>۱۳۸</sup>. همچنین، ماده ۱۵(ب) قانون جرائم رایانه‌ای، «هر کس که از طریق سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده ... افراد را به ارتکاب جرائم نافعی عفت ... یا انحرافات جنسی ... ترغیب یا تهدید یا دعوت کرده یا فریب دهد یا شیوه ارتکاب ... آنها را تسهیل کند یا آموزش دهد، به حبس از نود و یک روز تا یک سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا

---

۱۳۸. ماده ۹ قانون مطبوعات ۱۳۶۴ (تصویب ۱۳۶۵، اصلاحیه ۱۳۷۹)، ماده ۶(۲).

بیست میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد»<sup>۱۳۹</sup>. علاوه بر اینها، دولت ایران «لیست مطالب مجرمانه» را منتشر کرده است. این لیست که که بطور گسترده پخش شده است و توسط پلیس و وزارت ارتباطات استفاده می‌شود، بطور مشخص اشاره می‌کند که «تحریک، تشویق، اصرار، تهدید و یا دعوت به جرائم خلاف شئون اخلاقی یا انحرافات جنسی» به عنوان مطالب مجرمانه محسوب می‌شوند (ماده الف (۲)). قوانین فوق همچنین بازنشر یا بازپخش مطالبی که «نافی عفت عمومی» هستند را جرم به حساب می‌آورد (ماده الف (۳)).<sup>۱۴۰</sup>

در مهر ۱۳۹۰، معاونت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اعلام کرد که انتشار کتاب‌هایی که درباره گرایش جنسی شخصیت‌های معروف فرهنگی صحبت می‌کنند، ممنوع می‌باشد<sup>۱۴۱</sup>. همچنین،

---

۱۳۹. متن کامل این قانون روی وبسایت رسمی پلیس فتا ایران یافت می‌شود:

<http://www.cyberpolice.ir/page/2431>

۱۴۰. متن کامل لیست مثال‌هایی از مطالب مجرمانه روی وبسایت رسمی پلیس فتا ایران یافت می‌شود:

<http://www.cyberpolice.ir/page/2551>

۱۴۱. «معاون وزیر مثال‌هایی از کتاب‌هایی که سانسور می‌شوند ارائه می‌دهد»، خبرگزاری آفتاب، ۴ مهر ۱۳۹۰:

<http://aftabnews.ir/vdcbssb8zrhbfff.uiur.html> [accessed 30 March 2012]

نیروی انتظامی کمپینی را شروع کرده تا با هدف «افزایش امنیت عمومی» از پخش هر گونه کالایی که باعث «فساد فرهنگی» می‌شود جلوگیری کند، از جمله «نمادهای همجنس‌گرایی»<sup>۱۴۲</sup>. بدینوسیله، از طریق ممنوعیت انتشار مطالبی که ممکن است باعث «آموزش ارزشها یا رفتار غیر اخلاقی» بشوند، عملا مقامات ایرانی از دسترسی زنان همجنس‌گرا و خانواده‌هایشان به اطلاعات جلوگیری می‌کنند، ضمن اینکه از دسترسی عموم جامعه نیز به اطلاعاتی که می‌تواند باعث درک بهتر آنها نسبت به مسائل مربوط به دگرباشان جنسی باشد جلوگیری می‌شود.

باید توجه کرد که با نظر به تغییرات قانون مجازات اسلامی در ۱۳۹۲، قوانین جدیدی وضع شدند که در صورت اجرا، می‌توانند از حریم خصوصی افرادی که در یک رابطه همجنس‌گرایانه رضایت‌مندانه

---

۱۴۲. جمع‌آوری لوازم تحریر منقوش به تصاویر نامتعارف در هرمزگان: خبرگزاری فارس، ۳ مهر ۱۳۹۰:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13900703001219> [accessed 30 March 2012].

برای اطلاعات بیشتر، لطفاً همچنین مراجعه کنید به «اجرای معاهده بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی: ایران»:

<http://iglhrc.org/content/implementation-international-covenant-economic-social-and-cultural-rights-iran> [accessed 21 September 2015].

هستند محافظت نمایند (از جمله زنان همجنس‌گرا). مطابق با ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی:

در صورت نبود ادله اثبات قانونی<sup>۱۴۳</sup> بر وقوع جرائم نافعی عفت و انکار متهم، ... هر گونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است.

بیان این قانون به‌گونه‌ای است که به نظر می‌رسد به مقامات اجازه جستجو در زندگی خصوصی زنان همجنس‌گرا و دیگر دگرباشان جنسی را نمی‌دهد، حتی اگر نسبت به وجود روابط همجنس‌گرایانه مشکوک باشند. اما تحقیق ما نشان می‌دهد، که این قانون اغلب از سوی پلیس و مسئولین قضایی نادیده گرفته می‌شود. چندین نفر از زنان همجنس‌گرایی<sup>۱۴۴</sup> که با آنها صحبت کرده بودیم به ما گفتند که

---

۱۴۳. طبق قانون مجازات اسلامی، جرم مساحقه به یکی از این روش‌ها ثابت می‌شود: ۱. چهار بار اعتراف متهم (ماده ۱۷۲ الف) ۲. شهادت چهار مرد (ماده ۱۹۹) و ۳. آگاهی قاضی (ماده ۱۶۰ و ۲۱۲). برای اطلاعات بیشتر درباره قانون مجازات اسلامی لطفاً مراجعه کنید به:

<http://www.shora-gc.ir/Portal/Home/ShowPage.aspx?Object=NEWS&ID=0d-8b21cb-ad13-4f26-8045-798573df2651&LayoutID=45d16d73-f1d3-4c75-8f40-6a24ad4eb211&CategoryID=8fac823a-5745-41b6-a9e2-b879c74deb7b>  
[accessed 21 September 2015].

۱۴۴. مصاحبه با مریم الف از تهران، مصاحبه در ترکیه، ۲۴ خرداد ۱۳۹۲ (۱۴ جون ۲۰۱۳)

تنها بخاطر شک و شبههاتی که درباره همجنس‌گرا بودن ایشان وجود داشته، از سوی مقامات مورد پرسش و بازجویی قرار گرفته بودند.<sup>۱۴۵</sup>

## محدودیت‌های اعتراض نسبت به قوانین تبعیض‌آمیز

جنبش زنان بر علیه این محدودیت‌ها اعتراض کرده است. از آن جمله می‌توان به کمپین یک میلیون امضا با هدف لغو قوانین تبعیض‌آمیز اشاره کرد. در مقابل دولت از طریق سرکوب‌های سازمان‌یافته، حبس و مجازات‌های دیگر در مقابل این‌گونه حرکت‌های مسالمت‌آمیز عکس‌العمل نشان داد.<sup>۱۴۶</sup> چنین برخوردهای قدرتمندی با جنبش

---

۱۴۵. ماده ۲۴۱ قانون مجازات اسلامی، در صورت نبود ادله اثبات قانونی بر وقوع جرائم نافعی عفت و انکار متهم به جز در موارد احتمال ارتکاب با عنف، اکراه، ازار، ربایش یا اغفال یا مواردی که به موجب این قانون در حکم ارتکاب با عنف است هر گونه تحقیق و بازجویی جهت کشف امور پنهان و مستور از انظار ممنوع است. مواردی که احتمال تجاوز، فساد اجباری، آزار جنسی، آدم‌ربایی، یا اغفال از این قانون مستثنی هستند. همچنین مواردی که زیرمجموعه تجاوز قرار می‌گیرند. برای اطلاعات بیشتر درباره تعاریف به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://bridgingcultures.neh.gov/muslimjourneys/items/show/226> [accessed 21 September 2015]

۱۴۶. "حقوق زنان"، مرکز اسناد حقوق بشر ایران، ۱۳۹۳:

<http://www.iranhrdc.org/english/womens-rights.html> [accessed on 23 May 2016]



حق‌خواهی زنان، جایی برای سازمان‌دهی کمپین از طرف زنان همجنس‌گرا باقی نمی‌گذارد.

## فقدان آموزش جامع مسائل جنسی

در ایران آموزش مسائل جنسی مورد توجه قرار نمی‌گیرد و سطح آگاهی دانش‌آموزان در این رابطه تحت تاثیر تجارب شخصی یا منابع متفرقه است. کتاب‌های درسی وزارت آموزش و پرورش، که برای دانش‌آموزان بین سنین ۸ تا ۹ سال طراحی شده‌اند، دارای سه فصل درباره ازدواج هستند<sup>۱۴۷</sup>. در صفحه ۲۱۱ از این کتاب گفته می‌شود که فقط ازدواج بین مرد و زن رابطه قابل قبول است، و تنها روشی است که از طریق آن فرد می‌تواند ۱. نیازهای جنسی خودش را برطرف کند ۲. به آرامش روانی دست پیدا کند (از طریق پیوند با همسرش)، و ۳. بچه‌هایش را بزرگ کند. صفحه ۲۲۱ به کودکان اخطار می‌دهد که از برقراری روابط جنسی قبل از ازدواج

---

147. Previously available at: <http://www.roshd.ir/ebook/Motevaseteh/Sevom-e>

-Dabirestan/Din-o-Zendegi%20-%20C251.pdf (link no longer active) [accessed 30 March 2012].

خودداری کنند، چرا که چنین کارهایی باعث «لذت‌های گناه‌آلود شده، به تدریج باعث افسردگی روانی و فساد معنوی می‌شود»<sup>۱۴۸</sup>.

صفحات ۱۵۳ تا ۱۶۸ از این کتاب دانش‌آموزان را تشویق می‌کند که برای جلوگیری از «فساد» یک برنامه سه مرحله‌ای را اجرا کنند. اول، رابطه خود را با کسانی که ممکن است به «گناه» آلوده باشند قطع کنند. دوم، با فرد «گناهکار» برخورد کنند و از او بخواهند به کارهای خود پایان دهد. سوم، در صورتی که دانش‌آموزان تشخیص دهند که لازم است متصل به اجبار شوند، تا جایی که حاکم اسلامی ذی‌صلاح اجازه داده است، اقدام کنند.

لحن و محتوای این کتاب درسی بسیار مشکل‌ساز بوده و احتمال اعمال خشونت بر علیه نوجوانان دگرباش جنسی در ایران را افزایش می‌دهد. مخصوصاً در بین دانش‌آموزانی که در محیط‌هایی به شدت

---

۱۴۸. برای کودکان بین سنین ۶ و ۷ سال، وزارت آموزش و پرورش خواهان کتاب‌های دینی متفاوت است، بطوری که عمل "نظارت عمومی"، به عنوان یک وظیفه برای تمام اعضاء جامعه تعریف می‌شود، تا بدینوسیله از ارتکاب اعمال گناه توسط دیگران جلوگیری شود.

Previously available at: <http://www.roshd.ir/ebook/Motevaseteh/Dovom-e-Dabirestan/Din-o-Zendegi%20%20-%20C222.pdf> (link no longer active) [accessed 30 March 2012].

همجنس‌گراستیز رشد کرده‌اند و گرایش‌های جنسی و هویت‌های جنسیتی مختلف به عنوان «گناه» و «فساد اخلاقی» معرفی شده‌اند. خارج از کلاس‌های درس، رهبران کشور و رسانه‌های گروهی همجنس‌گرایی را به عنوان یک تهدید معرفی می‌کنند. این چنین فرهنگ همجنس‌گراستیزی، مخصوصاً در داخل مدارس، به این معنی است که حتی بدون این کتاب درسی نیز دانش‌آموزان دگرباش در معرض خطر تبعیض و خشونت قرار دارند. اما تاثیر چنین کتاب درسی این است که از همان ابتدا کودکان را تشویق به اعمال خشونت بر علیه دگرباشان جنسی می‌کند<sup>۱۴۹</sup>.

به دلیل نبود آموزش جامع در زمینه جنسی در مدارس و جامعه، و عملاً نبود دسترسی به منابع علمی، بسیاری از زنان همجنس‌گرایی که با ما مصاحبه کردند گفتند که مدت زمان زیادی طول کشید تا توانستند گرایش جنسی خود را بفهمند.

---

۱۴۹. برای اطلاعات بیشتر لطفاً مراجعه کنید به «ارائه گزارش به کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی طی دومین گزارش دوره‌ای مربوط به جمهوری اسلامی ایران»:

<https://www.outrightinternational.org/sites/default/files/578-1.pdf> [accessed 20 October 2015]

## پوشش

همانطور که قبلا هم اشاره شد، حجاب برای تمام زنان در ایران، فارغ از باورهای دینی‌شان، اجباری است، بطوری که موها باید پوشیده باشد و لباس‌ها به اندازه‌ای گشاد باشند که قسمت‌های مشخصی از بدن آن‌ها مشخص نباشد. این چنین قوانین سخت‌گیرانه‌ای آزادی زنان در ابراز خودشان از طریق انتخاب نوع پوشش را محدود می‌سازد.<sup>۱۵۰</sup> قوانین ایران همچنین استفاده از پوشش مردانه برای زنان را ممنوع کرده است. همین قانون درباره مردان نیز صادق است: هر مردی که

---

۱۵۰. گزارشگر ویژه مسئول آزادی دین و عقیده بطور مشخص پوشش اجباری برای زنان را مورد اشاره قرار می‌دهد «در زمینه فرهنگی-اجتماعی، گزارشگر ویژه پیشنهاد می‌کند که قدم‌های عملی باید برداشته شود تا قوانین دینی که در امور فردی و عمومی اجرا می‌شوند شامل غیر مسلمان‌ها نشوند. با توجه به نحوه پوشش، گزارشگر ویژه تاکید می‌کند که رسوم و رفتارهای جوامع مختلف درباره نحوه پوشش باید مورد احترام باشد، اما نحوه پوشش نباید به وسیله‌ای سیاسی تبدیل شود، و برخورد در این رابطه باید همراه با انعطاف پذیری باشد تا تنوع پوشش در ایران نمایان شود فارغ از هر گونه زور و اجبار. علی‌الخصوص در رابطه با مدارس و اقلیت‌های دینی، گزارشگر ویژه می‌گوید آزادی پوشش باید وجود داشته باشد، بر اساس این درک که هدف اصلی در این بین از یاد نرود». برای اطلاعات بیشتر لطفاً مراجعه کنید به:

E/CN.4/1996/95/Add.2, para. 97 (country visit to the Islamic Republic of Iran), available at: <http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Religion/RapporteursDigest-FreedomReligionBelief.pdf> [accessed 26 October 2015].

اقدام به پوشیدن لباس زنانه کند، می‌تواند دستگیر و حبس شود<sup>۱۵۱</sup>. بر اساس قانون مجازات اسلامی، هر کسی که قوانین پوشش اسلامی را رعایت نکند ممکن است به حبس تا دو ماه و حتی شلاق محکوم شود، تنها به این خاطر که اقدام به ابراز خودش از طریق پوشش دلخواهش نموده است<sup>۱۵۲</sup>.

علاوه بر اینها، پیشنهاداتی برای ارائه برنامه‌های حمایتی از کسانی که اقدام به «امر به معروف و نهی از منکر» می‌کنند وجود دارد، که در نتیجه باعث خواهد شد زنانی که از نظر آنها بطور «نامناسب» لباس پوشیده‌اند هدف قرار بگیرند<sup>۱۵۳</sup>. این برنامه‌ها همچنین باعث آسیب‌پذیرتر شدن زنان همجنس‌گرایی می‌شود که تمایل به پوشش حجاب ندارند.

---

۱۵۱. «جرم‌انگاری مبدل پوشی باعث خشم عمومی در ایران می‌شود، کمپین رسانه‌های اجتماعی»، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۲:

<http://www.rt.com/news/iran-cross-dressing-protest-374/> [accessed 25 September 2015].

۱۵۲. «کشمکش بر سر اینکه چه بپوشم»، رضاییان، جیم. ۲۲ تیر ۱۳۹۱:

[https://www.washingtonpost.com/world/middle\\_east/struggle-over-what-to-wear-in-iran/2012/07/21/gJQAbkspzW\\_story.html](https://www.washingtonpost.com/world/middle_east/struggle-over-what-to-wear-in-iran/2012/07/21/gJQAbkspzW_story.html) [accessed 25 September 2015].

۱۵۳. لطفاً مراجعه کنید به «وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران: گزارش دبیر کل»، مجمع عمومی سازمان ملل، شورای حقوق بشر. A/HRC/28/26. ۱ اسفند ۱۳۹۳:

[http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A\\_HRC\\_28\\_26\\_ENG.doc](http://www.ohchr.org/EN/HRBodies/HRC/RegularSessions/Session28/Documents/A_HRC_28_26_ENG.doc).

اهمیت مسئله پوشش زنان برای حکومت از آنجایی مشخص می‌شود که سپاه پاسداران جمهوری اسلام پس از آنکه صنعت مد را هدف قرار داد، اقدام به تعقیب، دستگیری و محکوم کردن چندین مدل زن که عکس‌های خود را بدون حجاب در اینترنت منتشر کرده بودند نمود<sup>۱۵۴</sup>.

برای بسیاری از زنان همجنس‌گرا، انتخاب لباس راهی برای ابراز گرایش جنسی و هویت‌شان به عنوان همجنس‌گرا می‌باشد. در بسیاری از موارد، ابراز گرایش و هویت خود از طریق نحوه پوشش، بخش مهمی از فرایند آشکارسازی زنان همجنس‌گرا در جامعه‌ای است که از هر نظر محدودکننده بوده و راه‌های دیگر برای شناخت بهتر تمایلات جنسی و هویت اجتماعی بسته است.

نیکیتا، اهل تهران، که سن خودش را به ما نگفت، یک از چندین زن همجنس‌گرایی است که به شیوه خودش در مقابل پوشش حجاب اجباری مقاومت می‌کرده است. او به ما گفت:

---

۱۵۴. لطفاً مراجعه کنید به «حمله به صنعت مد ایران، جزییات دستگیری مدلها توسط سپاه پاسداران برملا می‌شود». کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران. ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵:

<https://www.iranhumanrights.org/2016/05/fashion-models-arrested/> [accessed on 23 May 2016].

همیشه در خیابان بخاطر نوع پوشش من توهین می کردند. همچنین نیروهای پلیس مرا مورد آزار قرار می دادند. پلیس فکر می کند حق دارد که بخاطر نحوه پوشش فرد به او توهین کند، سرزنش کند و یا اخطار بدهد. این فشارها باعث فرسودگی و افسردگی من شدند، و احساس ناامیدی می کردم. خانواده ام نیز مرا مدام مجبور می کردند نماز بخوانم و در جلسات قرآن به همراه آنها شرکت کنم. آنها می خواستند رفتار و نحوه پوشش مرا تغییر بدهند<sup>۱۵۵</sup>.

**آزاده،** دختر همجنس‌گرای اهل شمال، به ما گفت که معمولاً بخاطر ظاهر پسرانه اش مورد آزار و اذیت قرار می گرفته است:

من به شکل پسرانه‌ای لباس می پوشیدم. این طرز لباس پوشیدن نشان دهنده هویت من است و اهمیت زیادی برایم دارد. اما مردم مرا به چشم یک «پسر خوشگل» می دیدند و آزارم می دادند. هر بار که آزار می دیدم نمی توانستم از

---

۱۵۵. بیوگرافی دریافت شده توسط سازمان اقدام آشکار جهانی از طریق ایمیل، ۴ تیر ۱۳۹۲ (۲۵ جون ۲۰۱۴)

پلیس کمک بگیرم. حتی برخی اوقات خود پلیس‌ها آزارم می‌دادند. بخاطر پوششم دستگیر هم شده‌ام. یک‌بار به همراه یک گروه از مردان مرا به پایگاه پلیس بردند و بدون اینکه مجوز داشته باشند می‌خواستند مرا بازرسی بدنی بکنند. من قبول نکردم و شروع به بحث کردن با آنها کردم و نهایتاً کار به کتک کاری رسید<sup>۱۵۶</sup>.

**الناز،** دختر همجنس‌گرای ۲۳ ساله اهل شیراز، به ما درباره مشکلاتش بخاطر نحوه پوشش‌اش در دانشگاه گفت:

من در دانشگاه شیراز پذیرفته شدم و شروع به خواندن مدیریت گردشگری کردم. اما بخاطر فشارهایی که وجود داشت نتوانستم درسم را تمام بکنم. مدیریت دانشگاه مدام مرا بخاطر نحوه لباس پوشیدنم اذیت می‌کردند. ظاهرم، و روابط نزدیکی که با دختران دیگر داشتم، باعث شده بود شک کنند که من همجنس‌گرا هستم. آنها می‌خواستند مجبورم کنند رفتارم را تغییر دهم، و مدام بخاطر اینکه دست

---

۱۵۶. مصاحبه از طریق اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۲ آذر ۱۳۹۳ (۱۳ دسامبر ۲۰۱۴)



دخترها را در محیط دانشگاه می‌گرفتم مرا سوال و جواب  
یا تهدید می‌کردند.<sup>۱۵۷</sup>

## اینترنت و فعالیت مدنی

گزارشگر ویژه سازمان ملل در زمینه بهبود و حمایت از حقوق آزادی  
عقیده و بیان در سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۱) بیان کرد که ماده ۱۹ میثاق  
بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی با این هدف تنظیم شد که «شامل  
پیشرفت‌های آینده در زمینه تکنولوژی نیز بشود تا همچنان افراد  
بتوانند از حق آزادی بیان برخوردار باشند»<sup>۱۵۸</sup>. در حقیقت اینترنت  
نقش مهمی در فراهم کردن امکان برخورداری افراد از حق ارسال و  
دریافت اطلاعات ایفا می‌کند<sup>۱۵۹</sup>، ضمن اینکه از پتانسیل بالایی برای  
افزایش سطح آگاهی در زمینه‌های مسائل جنسی، گرایش جنسی  
و هویت جنسیتی در ایران دارد. در جایی که مدارس و خانواده‌ها از

---

۱۵۷. مصاحبه در ترکیه، با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۳ (۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)

۱۵۸. مجمع عمومی سازمان ملل، «گزارش گزارشگر ویژه درباره بهبود و حمایت از حق آزادی  
بیان و عقیده»، شورای حقوق بشر، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰:

۱۵۹. ماده ۱۹ از میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی این حق را تأیید می‌کند

ایفای نقش اساسی خود در زمینه آموزش و افزایش آگاهی نوجوانان در این زمینه‌ها سرباز می‌زنند، اینترنت می‌تواند این خلاء مهم را پر کند و نه تنها برای اعضا جامعه دگرباشان جنسی، بلکه برای کل جامعه امکان دسترسی رایگان به اطلاعات را فراهم کند.<sup>۱۶۰</sup>

اما افزایش استفاده از اینترنت در ایران توأم با افزایش سانسور از طرف دولت در این زمینه بوده است. در حالی که سرعت، امکان گمنامی کاربران و امکان دسترسی جهانی به اطلاعات افزایش پیدا کرده است، دولت ایران محدودیت‌های اعمال شده بر اینترنت را افزایش داده است. دولت ایران از راهکارها و تکنولوژی‌های مختلفی برای محدود کردن دسترسی به اطلاعات از طریق اینترنت استفاده کرده است، از آن جمله فیلترینگ، مسدود کردن، و تمهیدات فنی دیگری که دسترسی به اطلاعات مشخصی را مانع می‌شوند.<sup>۱۶۱</sup> دولت ایران

---

۱۶۰. برای اطلاعات بیشتر لطفاً مراجعه کنید به تحلیل "اینترنت کوئیر در ایران: موفقیت‌های حقوق بشر و مشکلات"، مستوفی، میم. حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا و تراجنسی‌ها. تحلیلی از منظر دین، اجتماع، قانون و فرهنگ. ایگلهرک، ۱۳۹۴:

[https://www.outrightinternational.org/sites/default/files/LGBTRightsInIran\\_0.pdf](https://www.outrightinternational.org/sites/default/files/LGBTRightsInIran_0.pdf)  
[accessed 15 October 2015].

۱۶۱. مجمع عمومی سازمان ملل، "گزارش گزارشگر ویژه در بهبود و حمایت از حق آزادی بیان و عقیده"، شورای حقوق بشر، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ (۱۶ می ۲۰۱۱):

همچنین به طور افزاینده‌ای با توسل به قوانین مبهم قانون مجازات اسلامی، قانون مطبوعات و قوانین جرائم رایانه‌ای (cybercrimes)، برای محاکمه افراد به جرم ابراز عقاید «غیراخلاقی»، و «فاسد» در اینترنت استفاده، و مجازات‌های مختلفی از جمله حبس‌های سنگین برایشان در نظر گرفته است<sup>۱۶۲</sup>. چنین محدودیت‌های تأثیرات منفی بر برخورداری افراد از حق آزادی بیان و عقیده دارد<sup>۱۶۳</sup>. به عنوان مثال در ۱۵ بهمن ۱۳۹۲، پلیس فتا ایران دستگیری فردی را به جرم انتشار مطالب مرتبط با همجنس‌گرایی در اینترنت اعلام کرد. خبر منتشر شده حکایت از آن داشت که فرد نامبرده تحت نظر قرار گرفته شده و با استفاده از راه‌کارها و روشهای مختلف شناسایی و دستگیر شده

---

The UN General Assembly, "Report of the Special Rapporteur on the promotion and protection of the right to freedom of opinion and expression", Human Rights Council, 16 May 2011

۱۶۲. "ترس از سانسور همراه با افزایش محدودیتهای دسترسی به وبسایت‌های مهم بالا می‌گیرد"، تایت، آر. گاردین. ۱۷ آذر ۱۳۸۵:

<http://www.theguardian.com/technology/2006/dec/04/news.iran> [accessed 25 September 2015].

۱۶۳. مجمع عمومی سازمان ملل، "گزارش گزارشگر ویژه در بهبود و حمایت از حق آزادی بیان و عقیده"، شورای حقوق بشر، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰ (۱۶ می ۲۰۱۱):

است<sup>۱۶۴</sup>. در تاریخ ۱ مهر ۱۳۹۳، مسئولین ایرانی دستگیری یک مرد دیگر را به جرم تنظیم یک قرار ملاقات رومانتیک از طریق فیس‌بوک خبر دادند. محمد قاسملو، رییس پلیس فتا در آذربایجان شرقی، به رسانه‌ها اعلام کرد که پس از شناسایی پروفایل مردی که شماره تلفن خودش را در فیس‌بوک قرار داده بوده و از مردان دیگر خواسته بوده با او با هدف برقراری «روابط غیراخلاقی» تماس بگیرند، وی را تحت نظر می‌گیرند. بر اساس اظهارات مسئولان ایرانی، «پلیس فتا با همکاری مسئولین قضایی، با استفاده از فن‌آوری‌های مختلف، فرد مورد نظر را شناسایی می‌کنند. سپس طی یک عملیات، صاحب خط تلفن همراه را دستگیر و تمامی وسایل ارتباطی وی را مصادره و برای تحقیقات بیشتر به پلیس می‌دهند.»<sup>۱۶۵</sup>

---

۱۶۴. «دستگیری عامل انتشار مطالب همجنس‌گرایی در اینترنت»، خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا، ۱۵ بهمن ۱۳۹۲:

<http://www.isna.ir/news/92111510907/>

دستگیری - عامل - انتشار - مطالب - همجنس - گرایی - در - اینترنت

۱۶۵. لطفاً به مطلب خبرگزاری فارس درباره دستگیری مراجعه کنید:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13930701001799> [accessed 17 March 2016]

بسیاری از زنان همجنس‌گرا، همچون آزاده، دختر همجنس‌گرای اهل شمال، به ما گفتند که اینترنت نقش مهمی در کشف گرایش جنسی‌شان داشته است:

آشنایی من با زبان انگلیسی و دسترسی که به اینترنت داشتم، کمک زیادی به من کرد. سال دوم راهنمایی بودم که اولین کامپیوترم را خریدم. با کلمه «لزبین» بطور تصادفی وقتی که داشتم درباره مطالبی مربوط به دخترها تحقیق می‌کردم آشنا شدم. یک وبسایت پیدا کردم و در این رابطه مطالعه کردم. وقتی که وارد دبیرستان شدم، کاملاً با وضعیت خودم آشنا شده بودم. وقتی درباره ازدواج فکر می‌کردم، برایم کاملاً مشخص بود که می‌خواهم با یک زن ازدواج بکنم<sup>۱۶۶</sup>.

**رودابه**، ۳۵ ساله از تهران، به ما گفت وقتی در سال ۱۳۸۵ بطور تصادفی یک اتاق گفتگو در یاهو (Yahoo chat room)، پیدا کرده که مربوط به زنان همجنس‌گرا بوده، بسیار هیجان زده شده (My Sex: Iranian Lesbian). هنوز اولین پیامی که دریافت کرده بود را به یاد

۱۶۶. مصاحبه از طریق اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۲ آبان ۱۳۹۳ (۱۳ نوامبر ۲۰۱۴)

می‌آورد «ما گروه لژیون‌های ایرانی هستیم»<sup>۱۶۷</sup>. سپس از او دعوت شده بود با صدا با مدیران گروه صحبت کند تا مطمئن شوند او زن است. آشنا شدن با این گروه اولین قدم بسیار مهم برای رودابه بود تا بتواند با زنان دیگری که مانند او هستند آشنا شده، دیدار کند و افکار و اطلاعاتشان را با هم در میان بگذارند، تا بدین صورت احساس کند که بخشی از یک جامعه بزرگتر است و تنها نیست<sup>۱۶۸</sup>.

آنا، اهل اهر، تحقیقات خودش در اینترنت را بدون اینکه بداند دقیقا بدنبال چه چیزی می‌گردد آغاز کرد. درباره خودش به ما گفت:

در طی سالهای دبیرستان، من هیچ تمایلی نسبت به پسرها نداشتم و همچنین نمی‌توانستم توضیح دهم چرا دوست پسر نداشتم و یا هیچ تمایل جنسی نسبت به پسرها نداشتم. برایم خیلی عجیب بود وقتی دختران دیگر درباره پسرها صحبت می‌کردند. بالاخره زمانی رسید که عاشق اولین دوستم که دختر بود شدم. اما با توجه به محیط سرکوب‌گری که در آن زندگی

---

۱۶۷. مساحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۳ (۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)

۱۶۸. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۳ (۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)

می‌کردم نمی‌توانستم علاقه خودم به او را ابراز کنم. بنابراین دنبال راه‌هایی برای ابراز احساساتم از طریق آنلاین کردم. حتی نمی‌دانستم باید بدنبال چه چیزی بگردم. باید چه کلماتی را تایپ کنم: «دخترانی که دختران را دوست دارند؟؟»<sup>۱۶۹</sup>

**سارا، ۳۱ ساله اهل مشهد، فرایند شناخت خودش را اینگونه توصیف می‌کند:**

من متوجه شدم احساسی که تجربه می‌کردم عشق است نه دوستی ساده. زندگی من به شدت بهم ریخته بود. بنابراین شروع کردم به جستجو در اینترنت و نهایتاً با کسی آشنا شدم که به من گفت احساساتم طبیعی هستند. به من گفت اینگونه به دنیا آمده‌ام و احساساتم نسبت به دیگر دخترها و زنان مخرب و آسیب‌رسان نیست. این مکالمه نقطه عطفی در زندگی من بود، بعد از آن حدوداً یک سال طول کشید تا توانستم خودم را پیدا کنم.<sup>۱۷۰</sup>

---

۱۶۹. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۳ (۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)

۱۷۰. مصاحبه تلفنی با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۸ دی ۱۳۹۳ (۲۹ دسامبر ۲۰۱۴)

سارا، دختر ۲۲ ساله اهل تبریز، به ما گفت که شناخت هویت خودش را مدیون پخش برنامه‌ای از طریق ماهواره است که در آن دختر همجنس‌گرای خواننده رپ به اسم «سایه اسکای» معرفی شده بود:

موزیک ویدئوی سایه اسکای به اسم «بیداری»<sup>۱۷۱</sup> باعث شد من متوجه بشوم همجنس‌گرا هستم. من در آن زمان ۱۸ سال داشتم، و بالاخره توانستم واقعیت خودم را ببینم. من متوجه شدم کی هستم. من بیمار نبودم ... زنان دیگری مثل من هم وجود داشتند. من در اینترنت به دنبال آهنگ‌های دیگر سایه گشتم و وبسایت «همجنس من» را پیدا کردم. بعدها با همجنس‌گراهای دیگری در فیس‌بوک آشنا شدم و راه خودم را پیدا کردم.<sup>۱۷۲</sup>

برای برخی، دسترسی به اطلاعات درباره موضوعاتی مربوط به همجنس‌گرایی و دگرباشان جنسی منجر به فعالیت آنها در این زمینه می‌شود. مدافعان حقوق بشر که امنیت خود را به خطر می‌اندازند، تا

---

۱۷۱. این ویدئو کلیپ در لینک زیر قابل دسترسی است:

<https://www.youtube.com/watch?v=c9OL90v6sqE> [accessed 15 August 2015].

۱۷۲. مصاحبه در ترکیه، با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)



آزار و اذیت‌های موجود را تحت نظر گرفته و به چالش بکشند، در حالی که مقامات حکومتی سعی می‌کنند آنها را مجبور به سکوت بکنند و فعالیت‌هایشان را جرم‌انگاری نمایند. این مسئله تأثیرات مخربی بر کاری که این مدافعان حقوق بشر انجام می‌دهند دارد.<sup>۱۳۳</sup>

در اینجا نیز اینترنت می‌تواند به عنوان ابزار مهمی در خدمت فعالین حقوق بشر در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی قرار بگیرد. مخصوصاً که دولت به گروه‌های مدنی اجتماعی اجازه نمی‌دهد به صحبت آزاد در زمینه مسائل مربوط به گرایش جنسی و حقوق دگرباشان جنسی بپردازند، و یا موارد نقض حقوق دگرباشان جنسی را به ثبت برسانند. اگرچه خطراتی وجود دارد، اما اینترنت این فرصت را فراهم می‌کند تا در داخل و خارج از کشور افرادی که افکار مشابهی دارند به تبادل اطلاعات در رابطه با مسائل مربوط به دگرباشان جنسی بپردازند.

یکی دیگر از فعالیت‌هایی که زنان همجنس‌گرا درباره آن صحبت می‌کردند، به چالش کشیدن تفسیرهایی از دین بود که همجنس‌گرایی

---

۱۳۳. لطفاً مراجعه کنید به "دفاع از مدافعان"، ۱۳۹۴:

<http://www.amnestyusa.org/our-work/issues/prisoners-and-people-at-risk/human-rights-defenders> [accessed 25 September 2015]

را به عنوان یک «گناه» و «جرم» معرفی می‌کرد<sup>۱۷۴</sup>. آزاده، اهل شمال، هیچ تناقضی بین باورهای دینی و گرایش جنسی نمی‌بیند:

قبل از آنکه ۱۵ ساله بشوم، بسیار تلاش می‌کردم طوری قرآن را تفسیر کنم که مطابق با شرایط من (به عنوان همجنس‌گرا) باشد. آیت الله سیستانی<sup>۱۷۵</sup> بطور خصوصی همجنس‌گرایی را تایید کرده است. به باور من ما به فتواهای<sup>۱۷۶</sup> جدید در این زمینه نیاز داریم...<sup>۱۷۷</sup>

آزاده حتی جرات این را داشت که علنی درباره همجنس‌گرایی صحبت و از آن دفاع کند، آن‌هم از نقطه نظر دینی در همایشی که از طرف بسیجی‌ها سازمان‌دهی شده بود. به ما گفت به باور او ازدواج

---

۱۷۴. برای اطلاعات بیشتر راجع به نظرات مختلف در ارتباط با اسلام و همجنس‌گرایی به انتشارات سازمان اقدام آشکار جهانی مراجعه کنید: "حقوق زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، و تراجنسیتی در ایران: تحلیلی از منظر دین، اجتماع، قانون و فرهنگ. خرداد ۱۳۹۴:

<https://www.outrightinternational.org/content/lesbian-gay-bisexual-and-transgender-rights-iran> [accessed 24 October 2015].

۱۷۵. آیت الله سیستانی رهبر دینی شیعه با نفوذ در عراق است.

۱۷۶. فتوای فرمان یا حکم دینی که توسط مقامات عالی دینی صادر می‌شود.

۱۷۷. مصاحبه اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۲ آذر ۱۳۹۳ (۱۳ دسامبر ۲۰۱۴).

دو همجنس به اندازه ازدواج دو نفر از جنس مخالف معتبر است، و همین حرف را هم در آن همایش گفته بوده است. آزاده گفت که شخصا مراسم ازدواج اسلامی<sup>۱۷۸</sup> برای هر رابطه‌ای که داشته اجرا کرده است، بنابراین ازدواج همجنس‌گرایانه‌اش از نظر دینی معتبر، و فرد دیگر از نظر احکام اسلام همسر وی محسوب می‌شده است. به ما گفت که اجرای مراسم اسلامی ازدواج با همسرش، یک نوعی از آگاهی‌رسانی اجتماعی به حساب می‌آید که می‌تواند به مردم آموزش دهد چنین روابطی در چارچوب دین قرار دارند و امیدوار است که نهایتاً از روابط همجنس‌گرایانه در ایران جرم‌زدایی شود<sup>۱۷۹</sup>.

---

۱۷۸. بر اساس قوانین شیعه، برای رسمیت بخشیدن به ازدواج دو نفر باید مراسم عقد را اجرا کرده که طی آن تعهدشان به یکدیگر را اعلام کنند. از نظر سنت شیعه، ازدواج می‌تواند دائم یا موقت باشد (که برای آن دو نفر طول مدت ازدواج را هنگام مراسم اعلام می‌کنند). هر نوع رابطه جنسی خارج از ازدواج "گناه" به حساب می‌آید.

۱۷۹. مصاحبه اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۲ اذر ۱۳۹۳ (۱۳ دسامبر ۲۰۱۴)

# پناهجویی

اکثر زنان همجنس‌گرای ایرانی که با آنها صحبت کردیم، از جمله کسانی بودند که مجبور به ترک ایران و ثبت درخواست پناهندگی در یک کشور امن تر شده بودند.

به ما گفتند که دلیل این تصمیم‌شان و ترک خانه و خانواده، وجود قانون‌های سخت‌گیرانه و فشارهای اجتماعی بوده است، علاوه بر ترس و هراس دائم از دستگیری و تبعیض‌هایی که با آن روبرو بوده‌اند. آنها امیدوار بودند که در کشور تازه بتوانند زندگی جدیدی را بسازند.

از آنجایی که شهروندان ایران می‌توانند بدون نیاز به روایت به ترکیه مسافرت بکنند، و آنهایی نیز که گذرنامه ندارند می‌توانند بصورت قاچاق وارد ترکیه بشوند، ترکیه از جمله کشورهایی است که پذیرای بسیاری از پناهجویان ایرانی است. گرچه ترکیه کنوانسیون پناهندگی ۱۹۵۱<sup>۱۸۰</sup>

---

۱۸۰. "کنوانسیون ۱۹۵۱ پناهندگان"، کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل:

<http://www.unhcr.org/pages/49da0e466.html> [accessed 27 October 2015]

را امضا کرده است، اما با قرار داشتن در یک چارچوب مشخص جغرافیای، فقط ملزم به اسکان دهی پناهندگان اروپایی است.<sup>۱۸۱</sup> در نتیجه، تمامی دیگر پناهجویان از جمله آنهایی که از ایران می‌آیند، می‌بایست نزد کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل (UNHCR) ثبت نام کنند، تا این سازمان به تقاضای آنها رسیدگی و در صورت تایید وضعیت‌شان به عنوان پناهنده، در کشور سوم بازاسکان داده شوند.<sup>۱۸۲</sup>

مطابق با آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل، در پایان سال ۲۰۱۴ (آذر سال ۱۳۹۳)، بیش از ۸۲۰۰۰ نفر ایرانی تقاضای پناهندگی در کشورهای دیگر را داشتند.<sup>۱۸۳</sup> ۸۲۰۰ نفر از آنها نزد کمیساریای

---

۱۸۱. "حمایت از پناهندگان"، دیدبان حقوق بشر، ۱۳۹۴:

[http://www.hrw.org/reports/2000/turkey2/Turk009-10.htm#P469\\_114196](http://www.hrw.org/reports/2000/turkey2/Turk009-10.htm#P469_114196)  
[accessed 27 October 2015]

۱۸۲. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه مراجعه کنید به "پناهگاه ناامن: چالش‌های امنیتی پیش روی زنان و مردان همجنس‌گرا، دوجنس‌گرا، و تراجنسیتی پناهجو و پناهنده در ترکیه". کار مشترکی از شورای شهروندی هلسینکی (ترکیه)، و اورم (سازمان پناهندگان، پناهجویان و مهاجرت):

<http://www.oraminternational.org/en/publications/66-unsafe-haven>

183. "UNHCR Global Trends: Forced Displacement in 2014", Page 50, available at: <http://unhcr.org/556725e69.html>

عالی پناهندگان سازمان ملل در ترکیه ثبت‌نام کرده بودند<sup>۱۸۴</sup>. تحقیقات انجام شده توسط همبستگی با پناهندگان ایرانی، نشان داد که از سال ۱۳۷۸، بین ۶۸۰۰۰ (سالهای ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۹)، تا ۱۳۷۰۰۰ (سال ۱۳۸۱) ایرانی بطور سالانه در کل دنیا تقاضای پناهندگی کرده‌اند. مطابق با این تحقیق، از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۹۲، انگلستان و ترکیه بیشترین تعداد پناهجو را دریافت کرده‌اند<sup>۱۸۵</sup>. متأسفانه، آمار کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل اطلاعات دقیقی درباره تعداد ایرانیانی که بخاطر گرایش جنسی یا هویت جنسیتی تقاضای پناهندگی کرده‌اند ارائه نمی‌دهد.

زنان همجنس‌گرای ایرانی که به دلیل ترس از محکومیت و آزار از کشور فرار می‌کنند از جمله کسانی هستند که شامل برخوردار از حمایت کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل می‌شوند<sup>۱۸۶</sup>. اما،

---

184. "UNHCR Global Trends: Forced Displacement in 2014", Page 29, available at: <http://unhcr.org/556725e69.html>

۱۸۵. "داده‌های آماری مربوط به پناهندگان و پناهجویان ایرانی"، توسط همبستگی با پناهندگان ایران، ۱۰ شهریور ۱۳۹۳:

<http://www.irainc.org/iranref/statistics.php> [accessed 27 October]

186. "GUIDELINES ON INTERNATIONAL PROTECTION NO. 9: Claims to Refugee Status based on Sexual Orientation and/or Gender Identity within the context of Article 1A(2) of the 1951 Convention and/or its 1967 Protocol relating to the Status of Refugees", available at: <http://www.unhcr.org/509136ca9.pdf>

فرایند بازاسکان از طریق کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل ممکن است تا سه سال طول بکشد. در طی این مدت این زنان جوان تحت قوانین ترکیه از حقوق بسیار محدودی برخوردار هستند<sup>۱۸۷</sup> (مانند محدودیت دسترسی به بازار کار و یا خدمات درمانی)، همچنین منابع مالی لازم برای گذران زندگی را در اختیار ندارند<sup>۱۸۸</sup>.

**بهاره**، دختر ۲۳ ساله اهل اهر، یکی از دختران همجنس‌گرایی است که تصمیم به ترک ایران و پناهجویی در ترکیه گرفته است. او سه بار تلاش کرده از ایران فرار کند. اولین بار، پس از پرداخت به قاچاقچی، علاوه بر اینکه پولش را می‌گیرد، او را از نظر جنسی نیز مورد تعرض قرار می‌دهد و نهایتاً به ایران نزد خانواده‌اش بازمی‌گرداند. این در حالی است که دوست‌دختر او همچنان در ترکیه منتظرش می‌ماند<sup>۱۸۹</sup>.

---

۱۸۷. "قوانین مربوط به اتباع بیگانه و حمایت بین‌المللی"، مجلسی، ال. وزارت کشور، مدیریت امور مهاجرت، ۱۲ فروردین ۱۳۹۳:

[http://www.goc.gov.tr/files/files/eng\\_minikanun\\_5\\_son.pdf](http://www.goc.gov.tr/files/files/eng_minikanun_5_son.pdf) [accessed 27 October 2015].

۱۸۸. برای اطلاعات بیشتر درباره پناهندگان ایرانی مراجعه کنید به:

<http://www.irqr.net/new2015/>

۱۸۹. مصاحبه در ترکیه، با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)

دفعه دوم، پس از فرار از خانه، بهاره تصمیم می‌گیرد مدتی را نزد یک از دوستان همجنس‌گرایش بماند، و برای پیدا کردن قاچاقچی قابل اعتمادی که بتواند در خروج از ایران به او کمک کند تحقیق کند. در همین مدت پدرش موفق می‌شود محل اقامت او را پیدا کند و حتی شکایتی بر علیه خانواده دوستش که به او پناه داده بودند تنظیم نماید. او آنها را متهم به ربودن لپ‌تاپ‌اش کرد که در حقیقت به بهاره تعلق داشت. بهاره به ما گفت:

پدر دوستم گریه می‌کرد و من خیلی خجالت کشیده بودم. پدرم نهایتاً موافقت کرد که از شکایتش صرف نظر کند، اما پلیس همچنان پدر دوستش را در زندان نگه داشت. بعد از این اتفاق چندین بار تلاش کردم به زندگی خودم پایان دهم، اما نمی‌توانستم چرا که تحت نظارت دائم خانواده‌ام بودم. بالاخره برای بار سوم فرار کردم. مثل یک معجزه بود ... حتی الان که موفق شدم به ترکیه برسم، هنوز می‌ترسم که خانواده‌ام بتوانند ما را پیدا بکنند.<sup>۱۹۰</sup>

---

۱۹۰. مصاحبه در ترکیه، با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)



زنان همجنس‌گرایی که با ما صحبت کردند، گفتند طی مدتی که باید در ترکیه انتظار بکشند تا در یک کشور امن و مناسب برای دگرباشان جنسی بازاسکان داده شوند، معمولاً تلاش زیادی می‌کنند تا بتوانند با گرایش جنسی خود کنار بیایند، بعد از تحمل سالها ترس و اضطرابی که در ایران تحمل کرده‌اند. آدلر، دختر همجنس‌گرای ۲۳ ساله اهل اهر، این مرحله از زندگی‌اش را اینگونه توصیف می‌کند:

تنها چیزی که می‌دانم این است که زندگی مرا له کرده است. هم‌اکنون خودم کار می‌کنم تا از نو زندگی‌ام را شروع کنم. من خودم را مانند یک عقاب می‌بینم. هر وقت که احساس می‌کنم مرگ بسیار نزدیک است، به نوک قله کوه پرواز می‌کنم، پنجه‌هایم را روی سخره‌ها می‌کشم، بالهایم را به هم می‌زنم و دوباره زندگی را آغاز می‌کنم.<sup>۱۹۱</sup>

در برخی موارد زنانی که با آنها صحبت کردیم به دلیل ازدواج اجباری، مجبور به فرار از ایران شده بودند، یا اینکه تحت آزارهای فیزیکی، روانی و جنسی قرار گرفته بودند. اگرچه فرایند پناهجویی، بسیار

---

۱۹۱. مصاحبه در ترکیه، با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۷ آبان ۱۳۹۳ (۸ نوامبر ۲۰۱۴)

طولانی و اضطراب‌آور است، برخی از زنان همجنس‌گرا احساس می‌کنند تنها راه شروع یک زندگی عاری از آزار و اذیت برای آنهاست.

**الناز،** ۲۳ ساله اهل شیراز، ایران را به همراه دوست دخترش، پرنیا، که شرایط مشابهی با او داشت، ترک کرد. او به ما گفت:

می‌دانستم که پرنیا بالاخره یک روز ایران را ترک می‌کند ... از طرف خانواده‌اش مجبور شده بود با پسرعمویش ازدواج کند. قرار بود ازدواجش چند هفته دیگر اتفاق بیفتد. یک هفته قبل از فرار ما از ایران، پسر عموی پرنیا سعی کرده بود به او تجاوز بکند. به پرنیا گفته بود اگر مسئله را بزرگ بکند، او هم سعی خواهد کرد تاریخ ازدواج را جلو بکشد. برادر پرنیا هم بعد از دیدن پیام عاشقانه‌ای که برایش فرستاده بودم او را کتک زده بود. وقتی که سوار هواپیما می‌شدیم تا ایران را ترک کنیم، خواهرم گریه می‌کرد. حتی نمی‌توانم فشار روانی که در طول پرواز تجربه کردم را برایتان بیان کنم. پرنیا نگران بود مادرش بعد از آنکه بفهمد ما از کشور رفته‌ایم سگته کند<sup>۱۹۲</sup>.

---

۱۹۲. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱۶ آبان ۱۳۹۳ (۷ نوامبر ۲۰۱۴)

مسیر خروج از ایران، هم از نظر فیزیکی و هم از نظر روانی دشوار و خطرناک است. بسیاری از زنان همجنس‌گرا که نمی‌توانند کشور را بطور قانونی ترک کنند، هیچ راه دیگری غیر از رو آوردن به قاچاقچی‌ها ندارند. مسیری که طی آن ممکن است سختی‌های بسیاری را تحمل بکنند و حتی مورد تجاوز قرار بگیرند.

زنان همجنس‌گرایی که موفق می‌شوند ایران را ترک کرده و نزد کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل ثبت‌نام کنند، ممکن است با چالش‌هایی روبرو شوند که دیگر پناهندگان غیردگرباش الزاما با آنها روبرو نیستند. برخی از پناهندگان همجنس‌گرا به ما گفتند که از طرف خانواده‌هایشان در ایران مورد تهدید قرار گرفته‌اند. دیگران گفتند که با تبعیض و ترس از دست دادن شغلشان روبرو بوده‌اند، یا اینکه خشونت فیزیکی و جنسی را به دلیل گرایش جنسی‌شان در ترکیه تجربه کرده‌اند.

# مقاومت

علی‌رغم قوانین تبعیض آمیز و همجنس‌گراهراسی  
گسترده در ایران، بسیاری از زنان همجنس‌گرا  
ترک ایران و پناهندگی را راه حلی برای  
مشکلاتشان نمی‌دانند.

برای این زنان، تنها راه پیش رو قوی ماندن و رویارویی مستقیم با مشکلات و شرایط سختی است که به آنها تحمیل می‌شود. زنان همجنس‌گرایی که با آنها مصاحبه کردیم، به ما گفتند علی‌رغم خطرهای موجود تلاش کرده‌اند در مقابل فشارهای خانواده، اجتماع و حکومت ایستادگی کنند. برخی از آنها از طریق فعالیت‌هایشان نظام موجود را به چالش می‌کشند و امیدوارند که تغییرات به سمت مسیر درست اتفاق بیفتد.

برای زنان همجنس‌گرایی که در داخل ایران زندگی می‌کنند، داشتن اعضاء خانواده‌ای که آگاه باشند و از آنها حمایت بکنند می‌تواند منبع

مهم قدرت، انگیزه و امید به حساب بیاید. **الناز**، دختر ۲۳ ساله اهل شیراز، به ما گفت:

من با خواهرم درباره احساساتم نسبت به دختران صحبت کردم. من گیج بودم که باید چکار بکنم، و می‌خواستم بدانم آیا باید پیش دکتر بروم یا نه. خواهرم درباره تجربه‌های خودش با من صحبت کرد، و فهمیدم که او نیز مثل من است! او گرایش جنسی خودش را پذیرفته بود و دوستان همجنس‌گرای زیادی داشت، که به من معرفی‌شان کرد. من فهمیدم که تنها نیستم<sup>۱۹۳</sup>.

**رویاء**، دختر ۲۲ ساله اهل زاهدان، از چیزی که به گفته او افزایش سطح آگاهی نسبت به دگرباشان جنسی در جامعه است، بهره برده بود. او نزد دوستانش، هم‌کلاسی‌هایش و حتی برخی از اساتید دانشگاهش و اعضا خانواده‌اش، از جمله مادرش، آشکارسازی کرده بود. به ما گفت که مشغول آماده کردن پدرش برای پذیرفتن‌اش به عنوان یک همجنس‌گرا می‌باشد.

---

۱۹۳. مصاحبه در ترکیه با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۲۰ آبان ۱۳۹۳ (۱۱ نوامبر ۲۰۱۴)

رویا همچنین به سختی تلاش می‌کند تا دیدگاه‌های رایج نسبت به همجنس‌گرایی را در دانشگاه‌اش تغییر بدهد، هم بین دانش‌جویان، و هم اساتید:

هم کلاسی‌های پسرم درباره من و گرایش جنسی‌ام می‌دانند و در این رابطه راحت هستند. در ابتدا هم کلاسی‌های پسرم یک طور عجیبی به من نگاه می‌کردند. حتی ممکن بود آزارم دهند. روزهای سختی بود. من سعی می‌کردم برایشان توضیح بدهم، با این امید که آنها بفهمند ... حالا مرا درک می‌کنند و پذیرفته‌اند که آدم‌هایی مثل من وجود دارند... من تا الان مشکلی با مسئولین دانشگاه نداشته‌ام. یکی از اساتیدم درباره گرایش جنسی من می‌داند و بطور کامل آن‌را پذیرفته است. اول فکر می‌کردند ماها افراد فاسدی هستیم، اما بعد از آنکه دیدند دانش‌جو‌هایی سخت‌کوش و جدی در یک دانشگاه معتبر هستیم، درک آنها، و طرز نگرش آنها شروع به تغییر کرد<sup>۱۹۴</sup>.

---

۱۹۴. مصاحبه از طریق اسکایپ با سازمان اقدام آشکار جهانی، ۱ دی ۱۳۹۳ (۲۲ دسامبر ۲۰۱۴)

مصاحبه‌های ما با برخی از زنان همجنس‌گرا در داخل ایران نشان داد که آنها بطور کامل از گرایش جنسی‌شان آگاه هستند، حساسیت‌های جامعه و محدودیت‌ها را به خوبی می‌دانند، و همچنان قادر هستند یک زندگی توأم با آرامش و مفید را در آن جامعه که عموماً دگرجنس‌گرا هستند برای خود درست کنند. این افراد در ایجاد تغییرات جزئی در محیط‌شان، و جلب شبکه‌های حمایتی و گردآوری دوستانی که مانند آنها می‌اندیشند موفق بوده‌اند. اما علی‌رغم این موفقیت‌ها، رضایت و خوشحالی‌شان در سطحی نسبی باقی می‌ماند. برخی از آنها همچنان این اندیشه را در سر می‌پروراندند که در آینده به کشورهای دیگر مهاجرت کنند، جایی که بتوانند از حقوق کامل خود برخوردار باشند و مانند اعضای دیگر جامعه، بطور برابر با آنها برخورد شود.

## پیشنهادات

تلفیق پدرسالاری با همجنس‌گراهراسی در جامعه، شرایط دشوار و چالش‌های اساسی برای زنان همجنس‌گرا در ایران بوجود می‌آورد. به عنوان زن، از جایگاه پایین‌تر، آزادی و قدرت کمتری برخوردار هستید (هم از نظر فیزیکی و هم از نظر اقتصادی). آنها در معرض کنترل خانواده، مخصوصاً پدر و برادران هستند. هنجارهای جنسیتی اجتماعی که به شدت تحت تاثیر دین هستند باعث اجبار دخترها به ازدواج زود هنگام می‌شود بدون اینکه آزادی جنسی لازم را داشته باشند. حجاب اجباری، محدودیت‌های بیشتری را برای برخورداری از حق ابراز خود به زنان تحمیل می‌کند. برای زنان همجنس‌گرا، علاوه بر آنکه باید محدودیت‌های مربوط به زنان را تحمل کنند، بلکه همچنین بخاطر گرایش جنسی‌شان با محدودیت‌های بیشتری روبرو هستند. زنان همجنس‌گرا امکان اینکه آزادانه با همسر دلخواه‌شان زندگی کنند را ندارند چرا که مورد انواع آزار و اذیت‌ها از سوی بخش‌های مختلف جامعه قرار خواهند گرفت. تبعیض و چسباندن داغ ننگ بر آنها همچنین آزادی آنها در رابطه با کارایی را محدود می‌کند.



با هدف بهبود کیفیت زندگی زنان همجنس‌گرا، در کل وضعیت زندگی زنان در ایران باید بهبود یابد. نشان داده شده است که بین پذیرش برابری جنسیتی در جامعه و پذیرش همجنس‌گرایی در جامعه همبستگی مثبت وجود دارد. این همبستگی ریشه در چگونگی تعریف هنجارهای جنسیتی توسط جامعه، و چگونگی تاثیر این هنجارها بر انتظارات از رفتار دارد. در کشوری مانند ایران، که هنجارهای جنسیتی سخت‌گیرانه به شدت تحت تاثیر آموزش‌های دینی مندرج در قانون است، تغییرات واقعی زمان زیادی لازم دارد. اما درک، پذیرش و حمایت جامعه نسبت به دشواری‌های زنان و زنان همجنس‌گرا ممکن است حاصل شود. همچنین می‌توان حمایت جهانی که پناهجویی زنان همجنس‌گرا را به رسمیت بشناسد را تقویت کرد.

بر اساس یافته‌های این تحقیق، یک سری از مشکلات اساسی زنان همجنس‌گرا در ایران را شناسایی کردیم. به منظور رسیدگی به این مشکلات مجموعه پیشنهادات زیر را برای ایجاد تغییرات لازم در زندگی زنان همجنس‌گرا تهیه کرده‌ایم. اجرای بسیاری از این پیشنهادات ممکن است بدون همکاری دولت و یا حداقل تایید آنها

ممکن نباشد، چرا که تمامی سازمان‌های آموزشی، مجموعه‌های روانشناسی و پزشکی، محل کار و مکان‌های عمومی تحت کنترل فراگیر آنها قرار دارند. اما ما امیدواریم که اساتید و سازمان‌های درگیر در آموزش، خدمات پزشکی، و بخش‌های مختلف قضایی، قادر باشند با استفاده از چنین گزارش‌هایی، از طریق اجرای برخی از این پیشنهادات، بهبودهایی در زندگی زنان همجنس‌گرا ایجاد کنند.

بسیاری از پیشنهادات زیر که درباره چگونگی بهبود حقوق زنان همجنس‌گرا در ایران است، همچنین تاثیر مثبت بر زندگی زنان دگرجنس‌گرا، مردان همجنس‌گرا و افراد تراجنسیتی دارد.

در حال حاضر در ایران دستیابی و به رسمیت شناخته شدن حقوق اساسی زنان همجنس‌گرا بسیار دور به نظر می‌رسد. پیشنهادات زیر مجموعه‌ای گسترده از یک سری سیاست‌ها و قوانینی است که به باور ما برای دستیابی زنان همجنس‌گرا به کرامت کامل انسانی ضروری هستند. چنانچه حقوق بشر آنها به رسمیت شناخته شوند، تمامی پیشنهادات ارائه شده به ایران و جامعه بین‌المللی قابل دستیابی هستند.

## الف - پیشنهادات به مجلس ایران

- تمام موانع قانونی برای برخورداری زنان از حق برابری در مقابل قانون مرتفع شوند<sup>۱۹۵</sup>.
- تمام قوانینی که روابط همجنس‌گرایانه را جرم‌انگاری می‌کنند لغو شوند<sup>۱۹۶</sup>، همچنین قوانینی که مانع بحث و بررسی مسائل مربوط به گرایش جنسی در منظر عموم می‌شوند، لغو شوند.
- تغییرات قوانینی<sup>۱۹۷</sup> که بر اساس تفسیر دولت از اسلام نحوه پوشش اجباری برای مردان و زنان را تعیین می‌کنند.

---

۱۹۵. برخی از قوانین تبعیض آمیز بر علیه زنان در قانون مجازات اسلامی شامل مواد ۱۹۹، ۲۰۹، ۳۶۷، ۳۷۴، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۶۰ و ماده ۱۱۷ از قانون مدنی.

۱۹۶. در قانون مجازات اسلامی، ماده‌های ۲۳۳ تا ۲۴۱ برای جرم‌انگاری همجنس‌گرایی استفاده می‌شوند.

۱۹۷. برای مثال، ماده ۶۳۸ از قانون مجازات اسلامی، که در پاورقی ۲۶ این گزارش مورد اشاره قرار گرفت.

- تغییر قوانینی که مجوزی برای خشونت خانوادگی به حساب می‌آیند، و تصویب قوانین که خشونت خانوادگی، از جمله آزارهای فیزیکی و جنسی توسط اعضا خانواده را منع کنند.

- تصویب و اجرای قوانین که بطور کامل از زنان همجنس‌گرا در برابر آزارهای خانوادگی، خشونت جنسی، تبعیض اجتماعی، خشونت در مدارس، تهدید و خشونت فیزیکی حمایت کنند، و همچنین در صورتی که زنان همجنس‌گرا با هر گونه تبعیض و یا آزار به دلیل گرایش جنسی‌شان روبرو شوند، امکان شکایت و درخواست حمایت قانونی برایشان وجود داشته باشد<sup>۱۹۸</sup>.

- تغییرات قوانین به منظور تعیین سن ۱۸ سالگی به عنوان سن قانونی ازدواج برای پسران و دختران.

---

۱۹۸. در حال حاضر، هیچ قانونی برای ممانعت از خشونت خانوادگی وجود ندارد. در برخی موارد، حتی قانون برای بروز خشونت خانوادگی اجازه می‌دهد. برای مثال، ماده ۱۱۷۹ قانون مجازات اسلامی، به والدین اجازه متوسل شدن به خشونت را می‌دهد. همچنین تحت قانون ایران، تجاوز در چارچوب ازدواج جرم به حساب نمی‌آید.

## ب- پیشنهادات به بخش اجرایی دولت ایران

- استفاده از رسانه‌های گروهی، از جمله رادیو و تلویزیون، برای پخش برنامه‌های آموزشی در رابطه با مسائل جنسی و گرایش جنسی، تا بدین وسیله اجتماع و خانواده‌ها به درکی بهتر و پذیرش نسبت به همجنس‌گرایی برسند.
- اولیت بخشیدن در سطح ملی به مبارزه با خشونت خانوادگی، و توسعه برنامه‌های آموزشی عمومی در این رابطه.
- تعیین سازمان بهزیستی به عنوان سازمان مسئول رسیدگی به مشکلات زنان همجنس‌گرایی که به دلیل گرایش جنسی‌شان مورد خشونت خانوادگی یا طرد از سوی خانواده قرار گرفته‌اند.
- تنظیم، تصویب و اجرای قوانینی که تبعیض در محل کار بر اساس گرایش جنسی را ممنوع و فرهنگ همزیستی مسالمت آمیز را توسعه بخشد.

## پ- پیشنهادات به موسسات پزشکی و روانشناسی ایران

- آموزش متخصصان پزشکی و روانشناسی در رابطه با بی طرف بودن در علوم مربوط به مسائل جنسی و گرایش جنسی.
- دایر کردن یک مرکز رسمی برای تحقیق و بررسی اتهامات مربوط به آزار و تشخیص اشتباه از سوی پزشکان، روانشناسان و روانپزشکان در رابطه با مراجعین همجنس‌گرای دختر.
- تهیه منابع آموزشی دقیق و ساده در رابطه با گرایش جنسی، و فراهم کردن امکان دسترسی عموم به این منابع، مخصوصاً بیماران و خانواده‌های‌شان که به مراکز پزشکی مراجعه می‌کنند.
- ایجاد یک خط تلفن اورژانس ۲۴ ساعته برای ارائه خدمات مشاوره‌ای محرمانه به زنان همجنس‌گرایی که

دچار بحران شده‌اند، با گرایش جنسی خود درگیر هستند، و یا آنهایی که تحت فشارهای خانوادگی و اجتماعی بخاطر گرایش جنسی‌شان هستند.

## ت- پیشنهادات به موسسات آموزشی، از جمله وزارت آموزش و پرورش و وزارت علوم

- طراحی و فراهم آوردن منابع آموزشی بی‌طرفانه در رابطه با مسائل جنسی و گرایش جنسی برای دانش‌آموزان دبیرستانی به عنوان بخشی از برنامه آموزشی مدارس.
- آموزش مدیران و مسئولان مدارس در زمینه چگونگی برخورد با موارد خشونت، تبعیض و خشونت فیزیکی بر علیه دانش‌آموزان همجنس‌گرای دختر.
- ایجاد مراکزی در مدارس برای دریافت شکایات محرمانه از سوی قربانیان خشونت و آزار در رابطه با تبعیض و خشونت فیزیکی که بر آنها اعمال شده.

- آموزش دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان برای افزایش درک و آگاهی‌شان نسبت به انواع مختلف گرایش‌های جنسی، و چگونگی برخورد با خشونت و آزار در خانواده‌ها و مدارس.

## ث - پیشنهادات به کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل

- زنان همجنس‌گرایی که نزد کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل ثبت‌نام می‌کنند را به عنوان قربانیان بالقوه خشونت خانوادگی و تبعیض‌های اجتماعی در نظر گرفته، و پرونده آنها را با اولویت بررسی نمایند.
- منابع کافی برای ارائه مشاوره‌های روانشناسی، و کمک‌های مالی به زنان همجنس‌گرای ایرانی، که معمولاً هیچ‌گونه حمایتی از سوی خانواده‌هایشان دریافت نمی‌کنند، فراهم گردد.



# Human Rights Report

## **Being Lesbian in Iran**

2016